

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عربی (۲)

سال دوم آموزش متوسطه

رشته ادبیات و علوم انسانی

وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

برنامه‌ریزی محتوا و نظارت بر تألیف : دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی

نام کتاب : عربی (۲) - ۲۲۴/۲

مؤلفان : حبیب تقوایی، علی چراغی، حمیدرضا حیدری، مرتضی طحان‌پور، اباذر عباچی، سکینه فتاحی‌زاده،

عیسی متقی‌زاده و حمیدرضا میرحاجی

آماده‌سازی و نظارت بر چاپ و توزیع : اداره کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی

تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کدپستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹

وبسایت: www.chap.sch.ir

نقّاش : محمدحسین تهرانی، جعفر معدن‌دار و محمدحسن معماری

صفحه‌آرا : علی نجمی

طراح جلد : علیرضا رضائی‌کُر

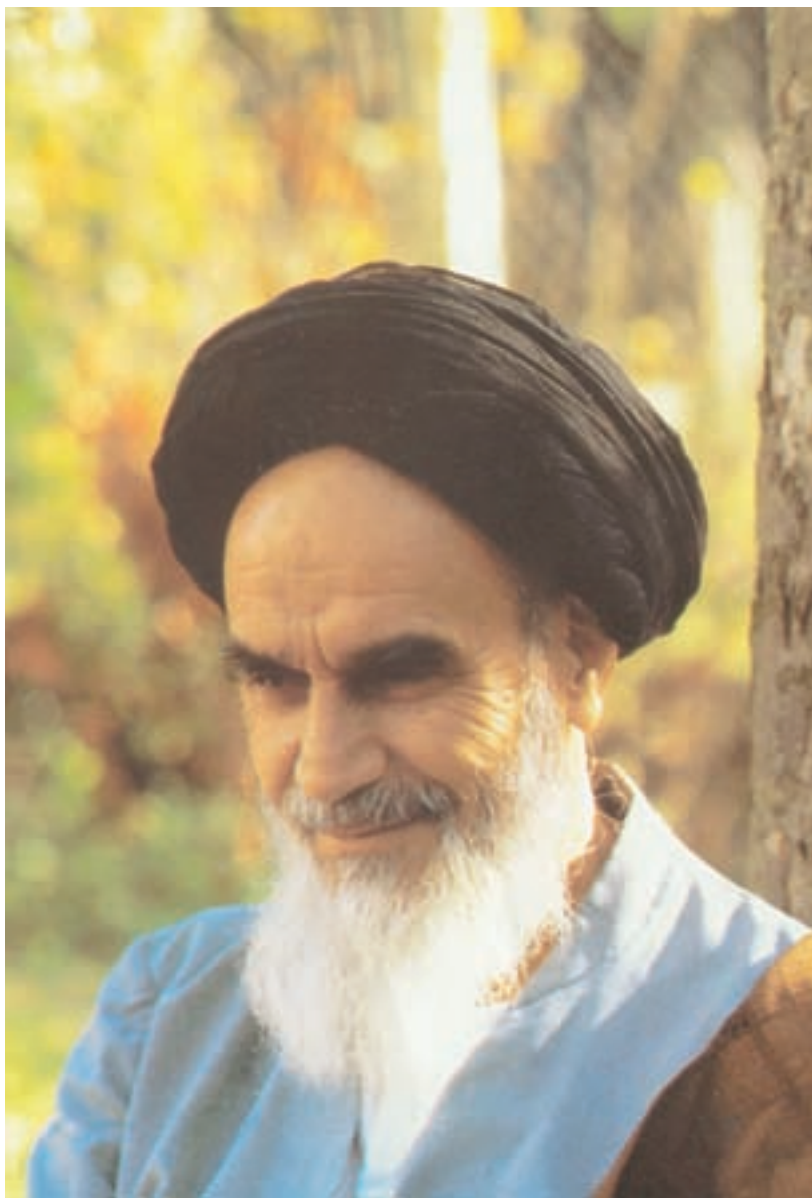
ناشر : شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران: تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش)

تلفن: ۵ - ۴۴۹۸۵۱۶۱، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۱۳۴۴۵/۶۸۴

چاپخانه : شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

سال انتشار و نوبت چاپ : چاپ دوازدهم ۱۳۹۰

حق چاپ محفوظ است.



نگوید که لغت عربی هم از ما نیست ؛ لغت عربی از ماست ؛
لغت عربی لغت اسلام است و اسلام از همه است.
امام خمینی

فهرس الكتاب

الدرس	القواعد	الصفحة
الدرس الأول	التذكار (١)	٢
الدرس الثاني	التذكار (٢)	١٤
الدرس الثالث	المعرفة و النكرة	٢٨
الدرس الرابع	أنواع الإعراب (١)	٣٨
الدرس الخامس	أنواع الإعراب (٢)	٥٢
الدرس السادس	إعراب الفعل المضارع (١)	٦٧
الدرس السابع	إعراب الفعل المضارع (٢)	٧٨
الدرس الثامن	المبني للمعلوم و المبني للمجهول	٩٠
الدرس التاسع	العدد	١٠٤
الدرس العاشر	الأفعال الناقصة	١١٩
الدرس الحادي عشر	الحروف المشبهة بالفعل	١٣١
الدرس الثاني عشر	أفعال المقاربة	١٤٢
الدرس الثالث عشر	المفعول فيه	١٥٥
الدرس الرابع عشر	الصفة و الموصوف	١٦٥
الدرس الخامس عشر	الإضافة	١٧٦
الدرس السادس عشر	التصغير، النسبة	١٨٧
المعجم		١٩٧

مقدمه

حمد و ثنای بی‌حد و حصر خدای را که ما را از اُمت خاتم پیامبران قرار داد و توفیق خدمت به زبان قرآن، این معجزه‌ی همیشه جاوید را نصیب این بندگان گردانید تا با برنامه‌ریزی و تهیه‌ی کتاب‌های مناسب، زمینه‌ی آشنایی با این زبان مقدس را برای نوباوگان و جوانان دانش‌آموز فراهم سازیم.

رشته‌ی ادبیات و علوم انسانی به رغم برخی بی‌مهری‌ها رشته‌ای بسیار بااهمیت است. به‌همین دلیل، از مدت‌ها پیش تصمیم گرفته شد کتاب‌های عربی این رشته با رعایت اصول برنامه‌ریزی درسی و در نظر گرفتن نیازها و علایق دانش‌آموزان، به‌طور مستقل تألیف شوند. ولی به‌سبب فشرده‌گی و تراکم حجم کار، انجام این مهم میسر نمی‌شد تا اینکه فرصتی دست داد تا با بهره‌گیری از دانش و تجارب ارزشمند استادان دانشگاه، کارشناسان متخصص و دبیران مجرب عربی، کار تألیف این کتاب‌ها آغاز شود و با توجه به اهمیت رشته‌ی علوم انسانی، بر آن شدیم که در تألیف این کتاب از دانش و تجربه‌ی تعداد بیشتری از دبیران محترم بهره‌مند شویم.

کتاب حاضر، نتیجه‌ی تلاش فشرده‌ی چندماهه‌ی این عزیزان است که تقدیم حضورتان می‌گردد. و از هم‌اکنون متذکر می‌شود که علی‌رغم کمی وقت و تعجیل در تهیه‌ی کتابی مستقل برای رشته‌ی علوم انسانی، سعی شده است نکات مورد نیاز دانش‌آموزان این رشته در این کتاب فراهم شود. اما ممکن است با همه‌ی دقتی که در تنظیم محتوای آن به‌کار رفته، کمبودهایی نیز وجود داشته باشد که هدایت و راهنمایی دبیران ارجمند و متخصصان دلسوز و علاقه‌مند و پیشنهادهای دانش‌آموزان عزیز، مؤلفان را در این مسیر یاری خواهد نمود.

ویژگی‌های کتاب

- ۱- در انتخاب و تولید متون سعی شده است از موضوعات متنوعی استفاده شود.
- ۲- بخش قواعد کتاب عمدتاً به شیوه‌ی استقرایی و به کمک تحلیل نمونه‌ها و استفاده از شیوه‌ی مقایسه نگاشته شده است. در این شیوه فرصت‌های مناسبی برای فعالیت‌های یاددهی و یادگیری فراهم آمده و مطالب با تکیه بر آموخته‌های قبلی و با سیر از ساده به پیشرفته تنظیم گردیده است و برای سهولت بیشتر آموزش، از جدول، کادر و تصویر بهره گرفته شده است تا نکات دستوری به‌شیوه‌ای جذاب، شیرین و قابل درک و فهم در اختیار دانش‌آموز قرار گیرد.
- ۳- از آنجا که اصلی‌ترین هدف آموزش زبان عربی فهم متون دینی است، همانند کتاب عربی سال اول، صفحه‌هایی با عناوین «کارگاه ترجمه»، «الأضواء القرآنیة» و «فی رحاب نهج البلاغة» در نظر گرفته شده است.

در ارزشیابی از پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، فقط از آن دسته لغات و کلمات و عبارات به کار رفته در «الأضواء القرآنیة» و «فی رحاب نهج البلاغة» می‌توان استفاده کرد که به نحوی در

متن دروس به کار رفته باشد. و از این رو در ارزشیابی کتبی، ترجمه‌ی لغات این قسمت‌ها لزوماً مورد نظر نیست.

چند توصیه به همکاران

در این کتاب سعی شده است در ارایه‌ی قواعد هر درس ضمن تکیه بر اطلاعات قبلی، با استفاده از تصاویر و مثال‌های مختلف و ارتباط قواعد با محیط اطراف، دانش‌آموز را به فضای قواعد نزدیک‌تر نماییم که البته این روش محدود به مثال‌ها و روش‌های ذکر شده نیست بلکه الگویی است برای حرکت همکاران در این راستا به منظور نیل به ابتکارات و الگوهای جدید.

۲- لازم است در تدریس کتاب، بیشترین سهم به دانش‌آموزان اختصاص یابد و تا جایی که ممکن است، معلم نقش هادی و راهنما را به عهده داشته باشد. فعال بودن دانش‌آموز در امر یادگیری به‌ویژه در کسب مهارت‌های اساسی، از رویکردهای تعلیم و تربیت کنونی است.

۳- آنچه به ارایه‌ی درس غنا بخشیده و سهم مهمی در تفهیم مطالب ایفا می‌کند، استفاده‌ی معلم از وسایل کمک‌آموزشی است. هرچند کمبود وسایل کمک‌آموزشی در درس عربی را نمی‌توان انکار کرد، اما این امر نمی‌تواند مانع فعالیت و خلاقیت معلم شود. چه بسا بتوان از وسایل ابتدایی آموزش نظیر چند قطعه گچ رنگی و تخته‌سیاه همراه با پرسش‌های دقیق و هدایت‌گر، بهترین بهره را برده و دانش‌آموز را به شرکت در فرآیند یادگیری تشویق کرد.

۴- در ارایه‌ی درس از روشی مشارکت‌جویانه و دوسویه استفاده شده و فرصتی برای دانش‌آموز فراهم آمده تا خود مراحل یادگیری را طی کند. لذا شایسته است مربیان ارجمند نیز به دانش‌آموز فرصت داده تا به تدریج، خود مراحل آن را طی کند.

۵- با توجه به ضرورت مشارکت دانش‌آموزان در امر یادگیری مطالب کتاب و توضیح لغات جدید و دشوار متن‌ها و تمارین در پایان کتاب، از دبیران گرامی انتظار می‌رود که ترجمه‌ی متن‌ها و تمارین را به عهده‌ی دانش‌آموزان واگذار نموده و خود نقش مُصحح را در ترجمه‌ی دانش‌آموزان ایفا نمایند.

۶- در خاتمه متذکر می‌شود که بار اصلی آشنا کردن دانش‌آموزان با زبان وحی و علاقه‌مند نمودن آنان به این زبان، بر دوش دبیران زحمتکش و دلسوز میهن اسلامی است و هیچ کتابی هرچند کامل و بی‌نقص هم باشد، قادر به انجام این مهم نیست. از این رو، از دبیران ارجمند انتظار دارد که ضمن وقوف بر بار سنگین مسئولیتی که بر دوش می‌کشند، هرچه بیشتر با شیوه‌های نوین زبان‌آموزی و الگوهای علمی تدریس آشنا شده و برای تدریس مطلوب کتاب‌های عربی مورد استفاده قرار دهند. توفیق همه‌ی خدمتگزاران به زبان قرآن را از خداوند متعال خواستاریم.

گروه عربی

دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی

الدَّرْسُ الأوَّل

رَبَّنَا ...!

﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً﴾
﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ
فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا، رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ﴾
اللَّهُمَّ اجْعَلِ الْيَقِينَ فِي قَلْبِي وَالنُّورَ فِي بَصَرِي وَ
النَّصِيحَةَ فِي صَدْرِي وَ ذِكْرَكَ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ عَلَى لِسَانِي وَ
اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي وَ رَغْبَتِي فِيمَا عِنْدَكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ.



التذکار (۱)

دانستیم که

فعل ثلاثی

ثلاثی مجرد: فعلی است که اولین صیغه ی ماضی آن از سه حرف اصلی تشکیل شده باشد.
ثلاثی مزید: فعلی است که در اولین صیغه ی ماضی علاوه بر حروف اصلی یک یا دو یا سه حرف زائد داشته باشد.

بابهای ثلاثی
مزید

الماضي المضارع الأمر (للخطاب) المصدر (الباب) الحروف الزائدة

یک

حرف زائد

أَفْعَلْ	يُفْعِلُ	أَفْعِلْ	إِفْعَالْ	همزة
فَعَّلَ	يُفَعِّلُ	فَعَّلْ	تَفْعِيلْ	تكرار عين الفعل
فَاعَلْ	يُفَاعِلُ	فَاعِلْ	مُفَاعَلَة (فِعَال)	الف

دو

حرف زائد

تَفَاعَلَ	يَتَفَاعَلُ	تَفَاعَلْ	تَفَاعُلْ	ت - الف
تَفَعَّلَ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلْ	تَفَعُّلْ	ت - تكرار عين الفعل
إِفْتَعَلَ	يُفْتَعِلُ	إِفْتَعِلْ	إِفْتِعَالْ	إ - ت
إِنْفَعَلَ	يَنْفَعِلُ	إِنْفَعِلْ	إِنْفِعَالْ	إ - ن

سه

حرف زائد

إِسْتَفْعَلَ	يَسْتَفْعِلُ	إِسْتَفْعِلْ	إِسْتِفْعَالْ	إ - س - ت
--------------	--------------	--------------	---------------	-----------

بدانیم!

رباعی مجرّد

در آیات شریفه زیر فعل‌ها را معین نموده و سپس حروف اصلی آن را مانند مثال در جای مناسب بنویسید.

﴿وَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ﴾
﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ أَفَلَا يَسْمَعُونَ﴾
﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ﴾

ن
ز
ل
.....
.....
.....

حال در آیات شریفه زیر پس از تعیین فعل‌ها حروف اصلی آن‌ها را در جای تعیین شده قرار دهید.

﴿الَّذِي يُوسِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ﴾
﴿إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا﴾
﴿الْآنَ حَصْحَصَ الْحَقُّ﴾

يُوسِسُ
.....
.....
.....

برخی
فعل‌ها چهارحرفی
هستند.

بلی، حدس شما درست است.

چه
نکته‌ای را
دریافتید؟



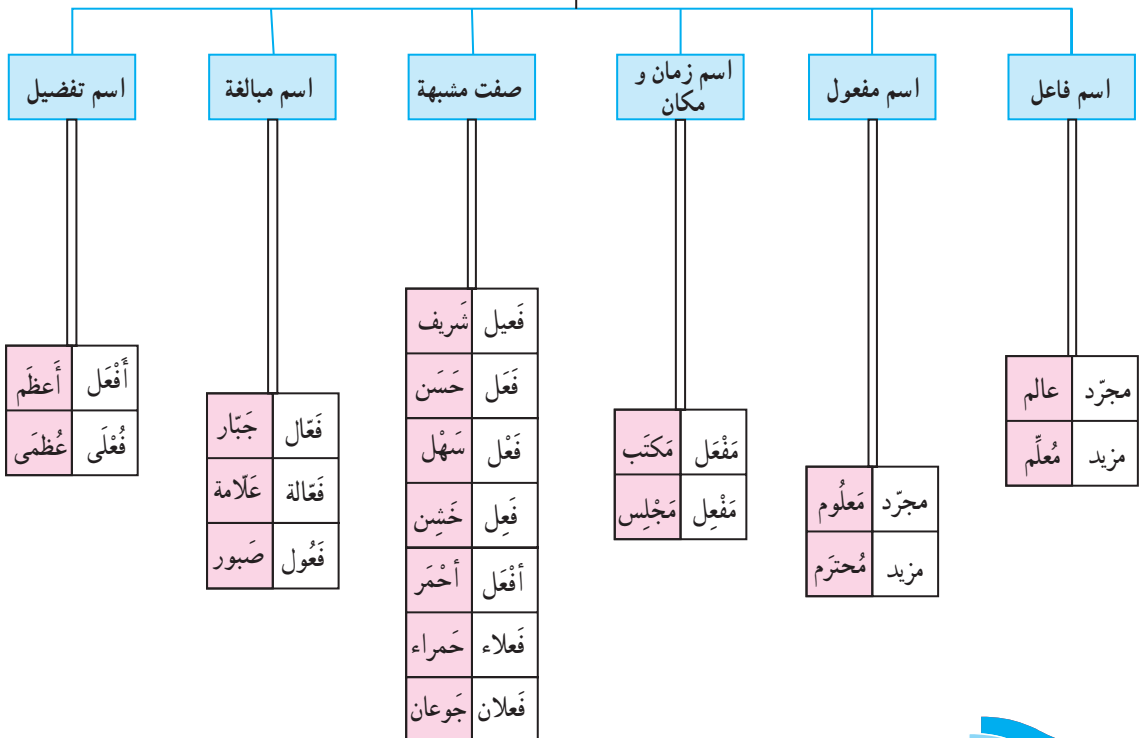
به فعلی که اولین صیغه‌ی ماضی آن از چهار حرف تشکیل شده باشد و هر چهار حرف آن اصلی باشند، «رباعی مجرّد» می‌گویند.

المصدر (باب)	الأمر	المضارع	الماضي	وزن رباعي مجرد
فَعَلَّلَ (فِغْلَال)	فَعْلِلْ	يُفَعِّلُ	فَعَّلَلَ	وزن
زَلَزَلَهُ (زِلْزَال)	زَلِزِلْ	يُزَلِّزِلُ	زَلَزَلَ	مثال

جامد و مشتق

اسم‌ها یا «جامد»ند و یا «مشتق». مشتقات در اصطلاح علم صرف ۸ مورد می‌باشند.

انواع مشتقات در اصطلاح علم صرف



بدانیم

اسم الآلة



مِقْرَاض
مِصْبَاح
مِفْتَاح
مِنْشَار

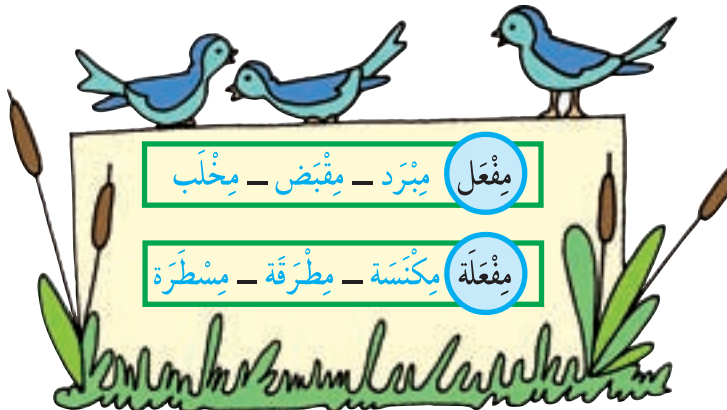


نام هر تصویر
را پیدا کنید:

کدام پاسخ نادرست است؟

- ۱- همه این کلمات بر وزن مِفْعَال هستند.
- ۲- این کلمات مشتق اسم مکان هستند.
- ۳- این کلمات برای نامیدن ابزار و وسایل به کار می روند.

وزن «مِفْعَال» بر ابزار و وسایل انجام کار دلالت دارد. به چنین اسم های مشتقی «اسم آلت» می گویند.



دو وزن دیگر
اسم آلت

التدريب الأول

املاً الفراغ بما يُناسبُ المعنى:

﴿اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ ... مِنْ يَسَاءٍ﴾

تَزُقُّ

﴿نَحْنُ ... كُمْ وَإِيَّاهُمْ﴾

أُزُقُّ

يَزُقُّ

﴿و ... رَبِّكَ فِي نَفْسِكَ﴾

أُذَكِّرُوا

﴿يَا قَوْمِ ... نِعْمَةَ اللَّهِ﴾

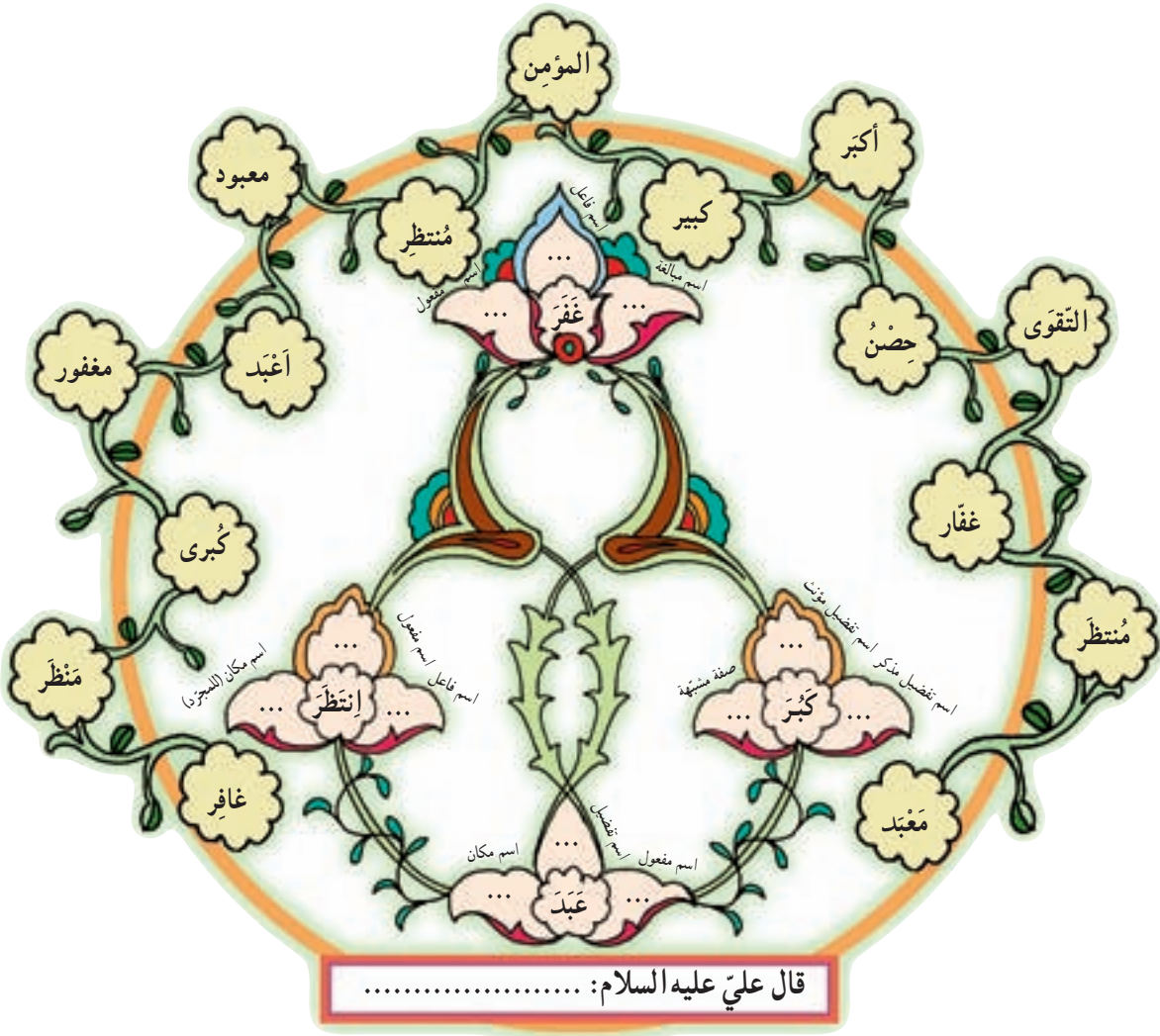
أُذَكِّرَا

أُذَكِّرُ

التدريب الثاني

عَيْن	يُكْرِمُ	يُحَاسِبُ	إِسْتِمَاع	إِنْقَلَبْتُمْ
الصحيح و الخطأ	مضارع من باب	مضارع من باب	مصدر من باب	ماضي من باب
	إفعال	مفاعلة	استفعال	انفعال
عَيْن صيغة	يَسْتَعِجِلُ	يَتَعَارَفُونَ	هَاجَرُنَّ	يُبَدِّلُ
الفعل و بابَه
إملاً الفراغ على حسب الصيغة	مضارع	ماضي	مصدر	مضارع
	«عَلِمَ» من باب	«كَبُرَ» من باب	«قَوْمَ» من	«ظَهَرَ» من باب
	تفعل، للغائبات	استفعال، للغائب	باب مُفاعلة	تفاعل، للغائبة

إِمْلَأُ الْفَرَاقَاتِ حَسَبَ الْمَشْتَقَّاتِ الَّتِي حَوْلَهَا ثُمَّ اكْتُبْ حَدِيثًا عَنِ الْإِمَامِ عَلِيِّ (ع) مِنَ الْكَلِمَاتِ الْبَاقِيَةِ:



التمرين الرابع

إِمْلَأِ الْمُرَبَّعَاتِ مُسْتَعِيناً بِالْكَلِمَاتِ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطِّ:

نوع المشتق اسم المفعول منه

١- ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾

نوع المشتق الحروف الأصلية

٢- ﴿وَلَا تُطِغْ كُلَّ حَلَالٍ مَّهِينٍ﴾

وزن الكلمة الحروف الأصلية

٣- ﴿وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ﴾

نوع المشتق الوزن

٤- ﴿رَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا﴾

التمرين الخامس



أَكْمِلِ الْفَرَاغَ مِمَّا بَيْنَ الْقَوْسَيْنِ :

١- ﴿... الَّذِي أُنْزِلَ مِنْ

السَّمَاءِ مَاءً﴾ (هم، هو، هما)



٢- المؤمنون ... رَبَّهُمْ. (يَشْكُرَانِ، يَنْصُرُونَ،
يَشْكُرُونَ)



٣- الطالبُ الناجحُ ... (فَرَحَانُ، غَضْبَانُ،
عَطْشَانُ)



٤- اللَّهُ يُحِبُّ ... يُسَاعِدُونَ الْآخَرِينَ. (اللاتي،
الَّذِينَ، اللذانِ)

التمرين السادس

إِنتَخِبِ الْأَفْعَالَ الصَّحِيحَةَ:

بَعْدَ مَدَّةٍ مِنْ وَفَاةِ النَّبِيِّ مُوسَى (ع)

ضَعُفَ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَ غَلِبَهُ كَرْدَنَدُ الْأَعْدَاءِ

عَلَيْهِمْ فَقَالُوا : اللَّهُمَّ مَبْعُوثُ كُنْ

فِينَا قَائِدًا يَجْمَعُ الْقَوْمَ تَحْتَ قِيَادَتِهِ. فَ فَرَسْتَادُ

اللَّهُ إِلَيْهِمْ طَالُوتُ. مَجْهَزُ كَرْدُ طَالُوتُ

جَيْشًا لِيُحَارِبَ الْأَعْدَاءَ.

يَغْلِبُونَ ○ غَلَبَ ○

ابْعَثُوا ○ ابْعَثَ ○

أَرْسَلُ ○ أَرْسَلَ ○

جَهَّزَ ○ جَهَّزُوا ○

ذَهَبَ الْجَيْشُ إِلَى نَهْرٍ

قَالَ طَالُوتُ **نَنُوشِدُ** مِنْ هَذَا الْمَاءِ.

قَالَ بَعْضُهُمْ **نَحْمَلُ نَمِي كَنِيمَ** الْعَطَشَ وَنَشْرَبُ

مِنْ مَاءِ النَّهْرِ. فَقَالَ لَهُمْ طَالُوتُ **خَارِجِ شَوِيدَ**

مِنَ الْجَيْشِ. أَرَادَ طَالُوتُ أَنْ يُجَرِّبَ الْجُنُودَ.

○ لَا تَشْرَبُوا ○ لَا تَشْرَبُ

○ لَا يَتَحَمَّلُ ○ لَا نَتَحَمَّلُ

○ أُخْرِجُوا ○ أُخْرِجَا



لَأَنَّ الطَّاعَةَ وَالشَّجَاعَةَ فِي الْجَيْشِ أَهَمُّ مِنَ الْعُدَّةِ وَالْعَدَدِ.

التمرين السابع

للتعريب:

- سلام عليكم.
- عليكم السلام. حال شما چطور است؟
- الحمد لله. خوب هستم.
- از دیدار شما خوشحالم.
- سپاسگزارم. چرا علوم انسانی را انتخاب کردی؟
- من ادبیات فارسی را خیلی دوست دارم.
- کلید فهم ادبیات فارسی چیست؟
- زبان عربی.
- بلی، درست است.^۱

۱- خوب هستم: أنا بخیر - دیدار: زیارة، رؤية - خوشحال: مسرور - انتخاب کردی: انتخبت - ادبیات

فارسی: الأدب الفارسی

- در ترجمه ی باب «تفاعل» معمولاً از کلماتی نظیر «باهم، با یکدیگر» استفاده می کنیم :
تَعَاوَنَ النَّاسُ لِبِنَاءِ الْمَسْجِدِ : مردم برای ساختن مسجد با یکدیگر همکاری کردند.
- در ترجمه ی باب «مُفاعلة» معمولاً میان فاعل و مفعول به از کلمه «با» استفاده می کنیم : كَاتَبَ مُحَمَّدٌ سَعِيداً : محمد با سعید نامه نگاری کرد.
- در ترجمه ی اسم فاعل معمولاً از اسم فاعل یا صفت فاعلی فارسی استفاده می شود : عالم : دانا، مُقَاتِل : رزمنده
- در ترجمه ی اسم مفعول معمولاً از اسم مفعول یا صفت مفعولی فارسی استفاده می شود : مقبول : پذیرفته، پذیرفته شده — مُسْتَخْرَج : استخراج شده

لِلترجمة

إِقْرَأِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ ثُمَّ عَيِّنْ تَرْجُمَتَهَا الصَّحِيحَةَ:

- ۱- ﴿وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾
 (الف) با اهل کتاب جدل نکنید مگر به روشی که نیکوتر است. ○
 (ب) اهل کتاب با یکدیگر مجادله نمی کنند مگر به روشی که بهتر است. ○
- ۲- ﴿وَمَا تُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَ مُنْذِرِينَ﴾
 (الف) ما پیامبران را نفرستادیم جز آنکه به آنان مژده داده شده و هشدار دهنده باشند. ○
 (ب) ما فرستادگان را نمی فرستیم مگر آنکه مژده دهنده و هشدار دهنده باشند. ○

۳- ﴿تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى﴾

- (الف) در نیکوکاری و پرهیزکاری با یکدیگر همکاری کنید. ○
- (ب) در امر نیک و پرهیزکاری کمک کنیم. ○

إِقرأِ العباراتِ ثم تَرجمها إلى الفارسیّةِ بعباراتٍ مألوفةٍ:

* القنعةُ كَنزٌ لا یَنفَدُ.

* تَرکُ الذَّنْبِ أَهْوَنُ مِنْ طَلَبِ التَّوْبَةِ.

* صِحَّةُ الجَسَدِ مِنْ قِلَّةِ الحَسَدِ.

* مِنْ کَفَّاراتِ الذُّنُوبِ العِظامِ إِغاثةُ المَلْهُوفِ.

* هَلَكَ امْرُؤٌ لَمْ یَعْرِفْ قَدْرَهُ.

العِظامُ: ج عظیم، بزرگ

إِغاثةُ: یاری رساندن

المَلْهُوفُ: درمانده

لا یَنفَدُ: تمام نمی شود

أَهْوَنُ: آسان تر

کَفَّاراتِ: ج کفّارة

الف) مناسب ترین ترجمه را انتخاب کنید:

۱- ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ﴾ (التوبة / ۷۳)

الف) ای پیامبر، با کافران و منافقان مبارزه کن.

ب) ای پیامبر، با کافران و منافقان مبارزه کردی.

۲- ﴿وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾ (البقرة / ۲۸۳)

الف) و خداوند بر آنچه انجام می دهید، آگاه است.

ب) و خداوند بر آنچه نمی دانید آگاه است.

۳- ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ...﴾ (الانسان / ۲۳)

الف) من قرآن را بر تو نازل کردم.

ب) به راستی ما قرآن را بر تو فرود آوردیم.

ب) با توجه به لای نفی و نهی، کدام آیه درست ترجمه نشده است؟

﴿... لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا﴾ (یونس / ۴۹)

سود و زیانی برای خود ندارم.

﴿لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ﴾ (الاسراء / ۲۹)

دست خود را به گردن خود بسته قرار مده! (کنایه از بخل نورزیدن)

﴿لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ﴾ (النساء / ۱۴۴)

کافران را به دوستی نمی گیرید.

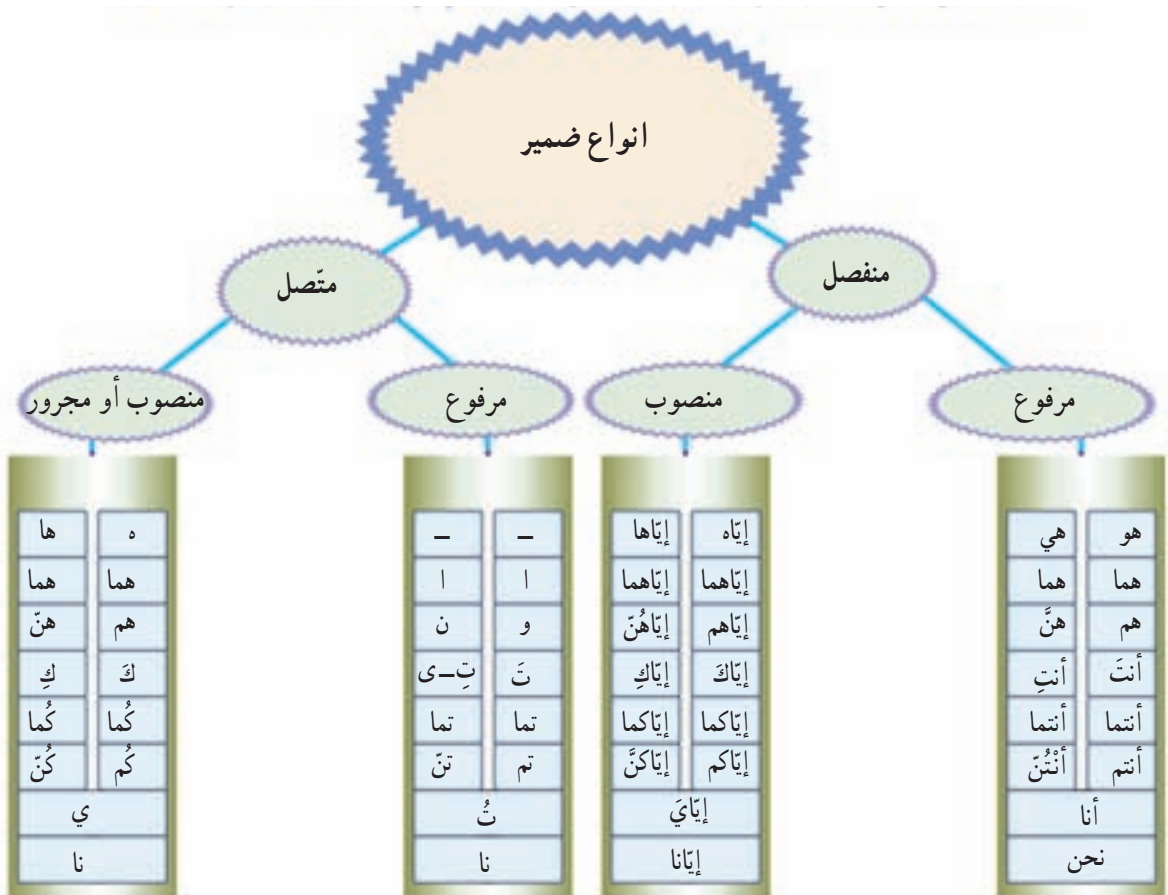
الدَّرْس الثاني

التذكار (٢)

دانستیم که

ضمیر

کلمه‌ای است که جانشین اسم ظاهر می‌شود و از جهت عدد و جنس با آن مطابقت می‌کند.



اسمی است که دو کلمه یا دو جمله را به هم وصل می کند و معنای آن توسط عبارت بعد کامل می شود.

مفرد	مثنی	جمع	انواع اسم موصول	
مذكر	الَّذَانِ «الَّذَيْنِ»	الَّذِينَ		
مؤنث	الَّتِي	الَّتَانِ «الَّتَيْنِ»	عامّ	
عاقِل	«مَنْ»	اللاتي		
غير عاقِل	«مَا»			

صَلَة مَوْصُول: جمله و یا شبه جمله ای است که بعد از اسم موصول می آید و ابهام آن را برطرف می کند؛ مانند:

أَحْتَرَمُ الَّذِي يَقُولُ الْحَقَّ. ﴿لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾

مبنی

کلمه‌ای است که حرکت آخر آن در شرایط مختلف، ثابت باشد.

معرب

کلمه‌ای است که علامت اعراب آن، متناسب با موقعیت جمله، تغییر کند.

انواع بناء

سکون

◌ْ

کسر

◌ِ

فتح

◌َ

ضمّ

◌ُ

انواع اعراب

جزم

◌ْ

جرّ

◌ِ

نصب

◌ِ

رفع

◌ُ

انواع کلمات مبنی

حرف

حروف: همه آن‌ها

فعل

- ۱- ماضی: همه صیغه‌ها
- ۲- امر: همه صیغه‌ها
- ۳- مضارع: دو صیغه جمع مؤنث

اسم

- ۱- ضمیر
- ۲- اشاره
- ۳- موصول
- ۴- شرط
- ۵- استفهام

دانستیم که

جمله فعلیه

جمله ای است که معمولاً با فعل آغاز می شود.

ارکان جمله فعلیه

فاعل

فعل

انواع فعل

متعدی

لازم

مفعول

فاعل

فعل

فاعل

فعل

اسم ظاهر: «جاء الحق».

ضمیر بارز: الْمُؤْمِنُونَ يَعْبُدُونَ اللَّهَ.

ضمیر مستتر: يَا عَلِيُّ اكْتُبِ التَّمْرِينَ (أَنْتَ).

انواع
فاعل

اسم ظاهر: خَلَقَ اللَّهُ الْإِنْسَانَ.

ضمیر بارز: اللَّهُ يَنْصُرُكَ.

مفعول

به

جمله ای است که معمولاً با اسم آغاز می شود.



الطالب جالس.	مفرد	انواع خبر
الطالب يقرأ الكتاب.	جمله	
جاز و مجرور: الكتاب في المحفظة. ظرف: الكتاب هناك.	شبه جمله	

گاهی خبر بر مبتدا مقدم می شود مخصوصاً زمانی که :
خبر شبه جمله باشد و مبتدا اسمی نکره باشد.

خبر مقدم

كتاب.	هناك	في المحفظة	كتاب.
مبتدای مؤخر	خبر مقدم	مبتدای مؤخر	خبر مقدم

أَنْتَ عِطْرُ الْيَاسْمِينِ

أُيْهَاجُ النُّورِ الْمُبِينِ	مِنْ إِلَهِ الْعَالَمِينَ
وَالصَّارِاطُ الْمُسْتَقِيمِ	فِي ضَمِيرِ الصَّالِحِينَ
أَنْتَ مِصْبَاحُ الْيَقِينِ	فِي قُلُوبِ الْعَاشِقِينَ
أَنْتَ نَبْضُ فِي الْقُلُوبِ	أَنْتَ عِطْرُ الْيَاسْمِينِ
كُلَّمَا زَادَ الْحَنِينَ	لَكَ يَا ابْنَ الْمُرْسَلِينَ
بِأَسْمِكَ الْحُلُوهَتُنَا	يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ
قَدْ حَلُمْنَا فِيكَ دَوْمًا	وَانتَظَرْنَاكَ سِنِينَ
تَمَلُّا الْأَرْضَ بَعْدِلِ	بَعْدَ جَوْرِ الظَّالِمِينَ

دَمْعَةُ الْفَرَحِ

فِي الْمَسْجِدِ

فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ سَمِعَ أَحَدُ الصَّحَابَةِ كَلَامَ الرَّسُولِ الْأَكْرَمِ (ص) وَهُوَ يَنْصَحُ
الْمُسْلِمِينَ وَيُسَجِّعُهُمْ عَلَى الصَّدَقَةِ.

فِي الْبَيْتِ

لَمَّا رَجَعَ الصَّحَابِيُّ إِلَى كُوْخِهِ الصَّغِيرِ وَشَاهَدَ فِيهِ حَصِيرَهُ الْمُتَدَرِّسَ وَجَرَّتَهُ
الْحَزَفِيَّةَ حَزَنَ كَثِيرًا عَلَى أَنَّهُ لَا يَقْدِرُ عَلَى إعْطَاءِ الصَّدَقَةِ.

بعد الصَّلَاةِ

رَفَعَ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ وَ دُمُوعُهُ جَارِيَةٌ مِنْ عَيْنَيْهِ :
اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنِّي لَا أَمْلِكُ مَا أَتَصَدَّقُ بِهِ فِي سَبِيلِكَ وَ لَكِنِّي يَا رَبِّ رَضِيْتُ
عَنْ كُلِّ مَنْ شَتَمَنِي وَ ظَلَمَنِي فَأَطْلُبُ مِنْكَ أَنْ تَجْعَلَ رِضَايَ صَدَقَةً فِي سَبِيلِكَ.

في الصَّبَاحِ

خَاطَبَ الرَّسُولُ (ص) الْمُسْلِمِينَ وَ قَالَ :
لَقَدْ أَخْبَرَنِي جَبْرِئِيلُ بَأَنَّ أَحَدَكُمْ قَدْ تَصَدَّقَ بِعَرَضِهِ وَ قَدْ قَبِلَ اللَّهُ صَدَقَتَهُ وَ بَشَّرَهُ
بِالرِّضْوَانِ.

سَمِعَ الصَّحَابِيُّ قَوْلَ الرَّسُولِ (ص) فَدَمَعَتْ عَيْنَاهُ... إِنَّهَا دُمْعَةٌ فَرَحٍ هَذِهِ الْمَرَّةَ!

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ:

- ١- متى نَهْتَفُ بِاسْمِ الْإِمَامِ الْمُنْتَظَرِ؟
- ٢- ماذا يفعل الإمام عند ظهوره؟
- ٣- لماذا حَزَنَ الصَّحَابِيُّ لَمَّا رَجَعَ إِلَى كُوخِهِ؟
- ٤- بماذا أَخْبَرَ جَبْرِئِيلُ الرَّسُولَ (ص)؟

املا الفراغ بالكلمة المناسبة:

١. الفعل اللازم
.....

٢. الفاعل، اسم ظاهر
.....

٣. المفعول، اسم ظاهر
.....

٤. المفعول، ضمير متصل
.....

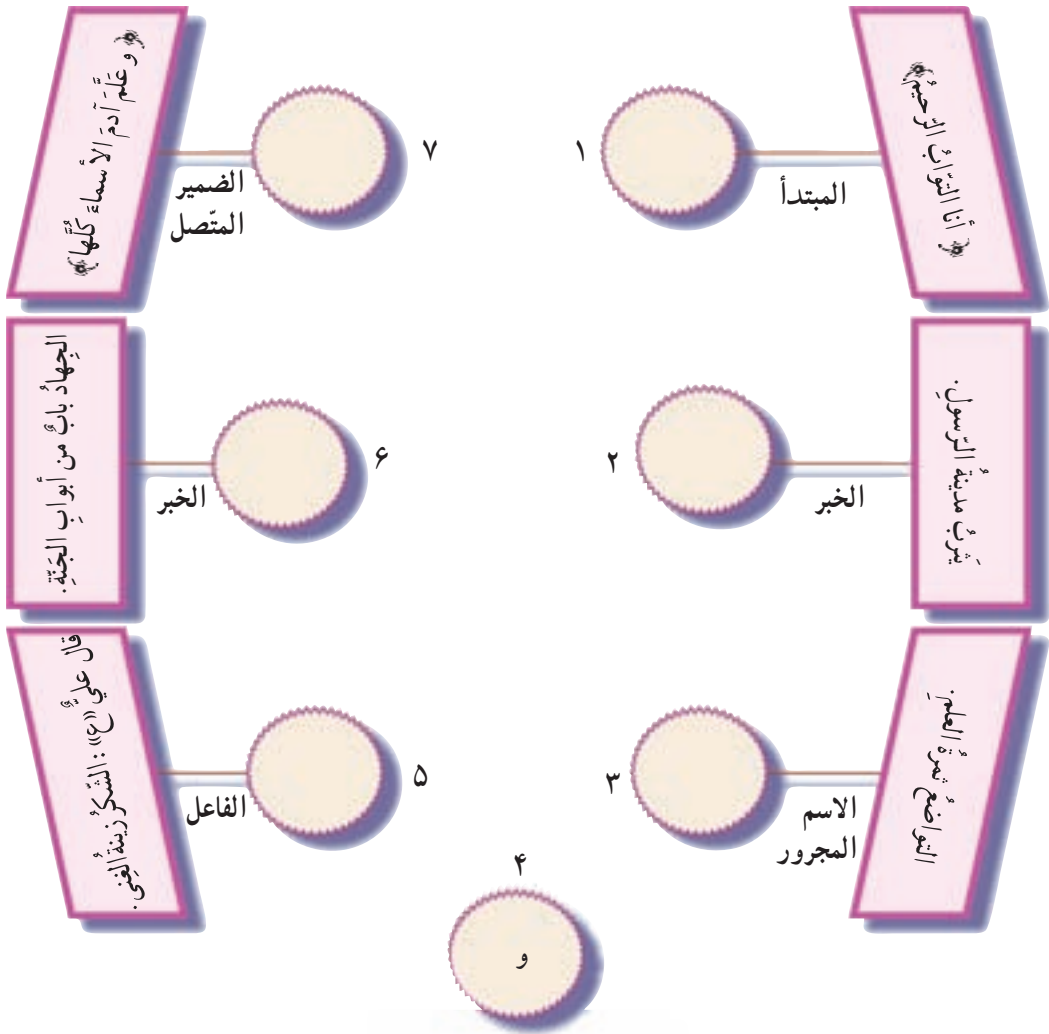
٥. الفاعل، ضمير بارز
.....

٦. الفاعل، ضمير مستتر
.....

تَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ بِمُؤَاَسَاةِ إِخْوَانِكُمْ.
رَأْسُ الْإِيمَانِ الْإِحْسَانُ إِلَى النَّاسِ.
مَنْ لَا يَرْحَمِ النَّاسَ لَا يَرْحَمَهُ اللَّهُ.

إذا أَجَبْتَ عَنِ الدَّوَائِرِ سَيَكُونُ لَكَ حَدِيثٌ مِنْ أَحَادِيثِ الرَّسُولِ (ص) فَارْتَبِطْ ذَلِكَ فِي مَكَانِهِ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص):



التمرين الثالث

أكمل الجدول التالي حسب الآيات :

﴿ أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ • وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ • الَّذِي أَنقَضَ ظَهْرَكَ • وَرَفَعْنَا

لَكَ ذِكْرَكَ ... ﴾

فعل مضارع	فعل مزيد	مفعول به	فاعل مستتر	فاعل ضمير بارز	ضمير متصل	فعل مبنى	فعل معرب
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....

التمرين الرابع

أجب عن الأسئلة الموجودة في الأشجار :





التمرين الخامس

صُغِّ في الفراغِ الفاعلَ المناسبَ ممَّا بينَ القوسينِ:

- ١- صَدَقَتْ... في حَدِيثِهَا. (الطالب، الطالبة، الطالبة)
- ٢- أَكْتُبُ... دُرُوسَكَ. (ي، ن، ا)
- ٣- وَصَلَ... إلى مَكَّةَ. (الحُجَّاجُ، الحُجَّاجِ، الحُجَّاجِ)
- ٤- السَّمَكَتَانِ تَسْبَحُ... نِ في التَّهْرِ. (ا، و، ي)

التمرين السادس

عَيِّنِ الخبرَ في الجُمْلِ الآتيةِ واذكُرْ نوعَه:

- ١- الأمهاتُ ساهراتُ على راحةِ أولادِهِنَّ.
- ٢- الفلاحانِ يَزْرَعانِ الأرضَ.
- ٣- يَدُ اللَّهِ فوقَ أيديهِمْ. (الفتح/١٠)
- ٤- صورةُ الشهيدِ على الجدارِ.

– اگر خبر مبتدا فعل نباشد برای ترجمه فارسی آن معمولاً از اشتقاق فعل ربطی «است» استفاده می‌کنیم :

التلاميذُ أملُ المُستقبلِ : دانش‌آموزان امید آینده هستند.

النَّجاةُ في الصَّدقِ : نجات در راستگویی است.

للترجمة

اقرأ العبارات التالية ثم عَيِّن ترجمتها الصحيحة:

۱- «يَوْمُ الْعَدْلِ عَلَى الظَّالِمِ أَشَدُّ مِنْ يَوْمِ الْجَوْرِ عَلَى الْمَظْلُومِ»

الف) روز دادخواهی از ستمگر سخت‌تر از روز ستم بر ستم‌دیده است.

○

ب) روز دادخواهی از ظالم دشوارتر از روز ستم بر مظلوم خواهد بود.

○

۲- «الْمُؤْمِنُ صَبُورٌ عِنْدَ الْبَلَاءِ، شَكُورٌ عِنْدَ الرَّخَاءِ»

الف) مؤمن به هنگام سختی صبر پیشه می‌کند و به هنگام آسایش شکرگزاری می‌کند.

○

ب) مؤمن به هنگام سختی شکوایا و به هنگام آسایش شکرگزار است.

○

۳- «الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأَمْهَاتِ»

○

الف) بهشت زیر پای مادران جای گرفت.

○

ب) بهشت زیر گام‌های مادران است.

اِقرأ العباراتِ ثمَّ تَرجمها إلى الفارسیّةِ بعباراتٍ مألوفةٍ:

* الغِيبَةُ جُهْدُ العاجِزِ.

* أَكْبَرُ العِيبِ أَنْ تَعِيبَ ما فِیکَ مِثْلُهُ.

* إِذَا أَضَرَّتِ النَّوافِلُ بالفرائضَ فَارْفُضْوها.

الفرائض: ج فريضة، واجب
أَرْفُضُوها: آن را نپذیرید

جُهد: تلاش
أَنْ تَعِيبَ: که عیب به شمار آوری
النوافل: ج نافله، عبادت مستحب

(الف) مفهوم کدام آیه درست بیان نشده است؟

۱- ﴿فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً﴾ (النساء/ ۹۵)

آیه تنها ضرورت اتفاق اموال را بیان می کند.

۲- ﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى﴾ (الأعراف / ۱۸۰)

تعلق نام های نیکو به خداوند.

۳- ﴿وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾ (المائدة / ۲)

هم دست نشدن در ارتکاب گناه و ستمگری.

ب) با توجه به معنای آیات زیر، کدام کلمه می تواند جای خالی را پر کند؟

۱- ﴿لَا... مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ﴾ (تَقْنَطُونَ - تَقْنَطُوا - اِقْنَطُوا) (الزُّمَرُ / ۵۳)

— از رحمت خداوند نوید نشوید.

۲- ﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ... ضِيَاءً﴾ (يونس / ۵) (الشَّمْسُ - الشَّمْسِ - الشَّمْسَ)

— او کسی است که خورشید را روشنی بخش قرار داد.

۳- ﴿لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِ... بِالْمَنِّ وَالْأَذَى﴾ (البقرة / ۲۶۴) (كُ - كُمْ - كُما)

— صدقات خود را با منت گذاشتن و آزار رساندن باطل نکنید.

ج) ترجمه آیات زیر را بنویسید:

۱- ﴿وَالسَّلَامُ عَلَى مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى﴾ (طه / ۴۷)

—

۲- ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً﴾ (آل عمران / ۱۰۳)

—

۳- ﴿لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ (البقرة / ۲۸۴)

—

د) کدام آیه جمله اسمیه نیست؟

۱- ﴿وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ (القصص / ۸۳)

۲- ﴿لَا تُصْعِرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ﴾ (لقمان / ۱۸)

۳- ﴿الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾ (الكهف / ۴۶)

الدَّرْس الثالث

المعرفة و النكرة

بِيَدِهِ كِتَابٌ.



فِي الصَّفِّ طَالِبٌ.

- ١- دو کلمه «طالِبٌ» و «كِتَابٌ» چه نوع کلمه‌ای هستند؟ اسم، فعل یا حرف؟
- ٢- آیا دو کلمه «طالِبٌ» و «كِتَابٌ» بر دانش آموز و کتاب معینی دلالت می‌کنند؟
- ٣- منظور از «طالِبٌ» و «كِتَابٌ» کدام دانش آموز و کدام کتاب است؟

به اسم‌هایی که بر شخص یا شیء نامشخصی دلالت دارند «نكرة» می‌گوییم.

❓ آیا همه اسم‌ها نكرة هستند؟
به تصاویر زیر توجه کنید.



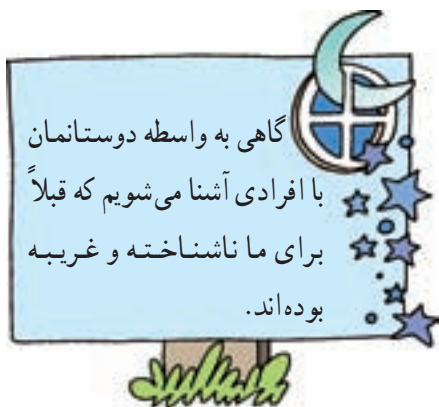
١



٢

- ١- چه تفاوتی بین تصاویر ردیف اول و ردیف دوم وجود دارد؟
- ٢- آیا تصاویر ردیف اول بر خانه، نقشه کشور و کتاب معینی دلالت دارند؟
- ٣- تصاویر کدام یک از دو ردیف برای شما شناخته شده و مشخص است؟

به اسم‌هایی که بر شخص یا شیء مشخصی دلالت دارند «معرفة» می‌گوییم.



آیا اسم های نکره را می توان معرفه کرد؟



اسم های نکره با دو واسطه می توانند معرفه شوند.

۲

نکره + معرفه = معرفه، معرفه		
کتابُ =	المعلّم	کتابُ +
قلمُ =	ك	قلمُ +
.....

۱

ال + نکره = معرفه		
الرجُل =	رجُلٌ	ال +
القَوْم =	قَوْمٍ	ال +
.....

به اسم معرفه در حالت اول «معرف به ال» و

در حالت دوم «معرف به اضافه» می گوئیم.

اما برخی از اسم ها به خودی خود معرفه و شناخته شده هستند، مانند :

عَلَم، ضمیر، اشاره، موصول

در سال های گذشته با ضمائر، اشاره و موصولات آشنا شدیم.

به اسم‌هایی که بر «جنس» یک شخص یا یک شیء دلالت می‌کنند در عربی
اسم جنس و در زبان فارسی **اسم عام** گفته می‌شوند، مانند: **مرد**، **زن**، **کشور**، **کوه**،
 رود.

حال اگر از میان یک جنس یک «فرد» یا یک «واحد» را جدا کنیم و نامی بر
 او بنهیم این نام را در عربی **اسم علم** و در فارسی **اسم خاص** می‌نامند هرچند افراد
 متعددی با این نام خوانده شوند، مانند: **حسن**، **زینب**، **ایران**، **البرز**، **کارون**.
 علم یکی از معارف است.
 هر اسمی که جزء معارف فوق نباشد نکره است خواه تنوین داشته باشد یا
 نداشته باشد.



لَا فَرْقَ بَيْنَ غَنِيٍّ وَفَقِيرٍ

سَلَّمَ رَجُلٌ فَقِيرٌ عَلَى أَحَدِ الصَّحَابَةِ فِي الطَّرِيقِ، فَرَدَّ الصَّحَابِيُّ السَّلَامَ بِرُودَةٍ.
 بعد مُدَّةٍ سَلَّمَ رَجُلٌ غَنِيٌّ عَلَى ذَلِكَ الصَّحَابِيِّ فَهَضَّ الصَّحَابِيُّ مِنْ مَكَانِهِ وَ
 رَدَّ السَّلَامَ عَلَيْهِ بِحَرَارَةٍ وَصَافَحَهُ بِاحْتِرَامٍ وَ رَحَّبَ بِهِ ...
 لَمَّا وَصَلَ الْخَبْرُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) تَأَسَّفَ وَقَالَ:
 «مَنْ لَقِيَ فَقِيرًا مُسْلِمًا فَسَلَّمَ عَلَيْهِ خِلَافَ سَلَامِهِ عَلَى الْأَغْنِيَاءَ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ
 يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانٌ».

الرَّجُلُ الْمُحْسِنُ؟!

أَخَذَتْ رَجُلٌ مُحْسِنٌ مَسْجِداً. فَسَأَلَهُ بُهْلُولٌ^١ عَنْ سَبَبِ بِنَاءِ الْمَسْجِدِ.
فَقَالَ الرَّجُلُ : أَحَدَثُهُ لِكِتَابِ الثَّوَابِ.
فَصَدَّ بُهْلُولُ اخْتِبَارَ الرَّجُلِ وَ مِقْدَارِ إِخْلَاصِهِ فِي الْعَمَلِ . فَكَتَبَ فِي لَيْلَةٍ عَلَى
جِدَارِ الْمَسْجِدِ :

«قَدْ أَحَدَثَ هَذَا الْمَكَانَ الْمُقَدَّسَ الرَّجُلُ الْمُحْسِنُ بُهْلُولٌ».
فِي الصَّبَاحِ لَمَّا انْتَشَرَ الْخَبْرُ ذَهَبَ النَّاسُ إِلَى بُهْلُولٍ لِتَهْنِئَتِهِ عَلَى عَمَلِهِ الْحَسَنِ .
سَمِعَ الرَّجُلُ الْمُحْسِنُ هَذَا الْخَبَرَ فغَضِبَ شَدِيداً وَ ذَهَبَ إِلَى بُهْلُولٍ وَ شَتَمَهُ وَ
قَالَ لَهُ : أَيُّهَا الْمَكَارُ لَقَدْ ضَيَّعْتَ أَمْوَالِي وَ جَعَلْتَ نَفْسَكَ شَهيراً بَيْنَ النَّاسِ .
فَذَهَبَ إِلَى الْمَسْجِدِ بِسُرْعَةٍ وَ حَذَفَ اسْمَ بُهْلُولٍ وَ كَتَبَ اسْمَهُ بَدَلَهُ وَ عِنْدئذٍ شَعَرَ
بِالرَّاحَةِ!!

و لَمَّا شَاهَدَ بُهْلُولُ هَذَا الْعَمَلَ ابْتَسَمَ وَ قَالَ :
﴿إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ:

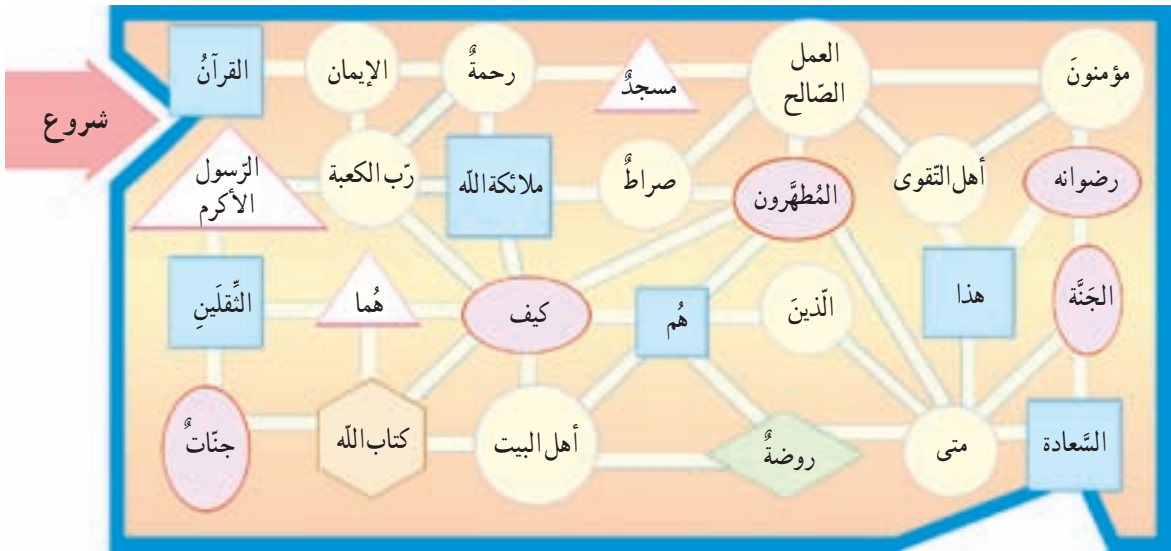
- ١- مَا فَعَلَ الصَّحَابِيُّ حِينَ سَلَّمَ عَلَيْهِ الرَّجُلُ الْفَقِيرُ؟
- ٢- مَا فَعَلَ الرَّجُلُ حِينَ هَنَأَ النَّاسُ بُهْلُولاً عَلَى عَمَلِهِ الْحَسَنِ؟
- ٣- مَا قَالَ الرَّجُلُ لِبُهْلُولٍ حِينَ سَأَلَهُ عَنْ سَبَبِ بِنَاءِ الْمَسْجِدِ؟

١- بُهْلُولٌ هُوَ مِنْ عُقْلَاءِ الْمَجَانِينِ كَانَ يَعِيشُ فِي عَصْرِ هَارُونَ الرَّشِيدِ وَ قَدْ نُقِلَتْ عَنْهُ حِكَايَاتٌ كَثِيرَةٌ.

التمرین الأول

دانش آموزی در نظر دارد با استفاده از معارف به سعادت برسد آیا می توانید او را

راهنمایی کنید؟



التمرین الثاني

املاً الفراغ بما يناسب من الموصولات:

١- الْعَمَلُ هُمْ ... يُوصِلُونَ الْبِلَادَ إِلَى الْاِكْتِفَاءِ الْذَاتِيِّ. الَّذِي اللَّتَيْنِ ٢- الْمَرَأَةُ الْمُسْلِمَةُ هِيَ ... تَعْرِفُ رِسَالَتَهَا فِي الْمُجْتَمَعِ.

٣- قَرَأْتُ الْمَجْلَتَيْنِ ... فِي الْمَكْتَبَةِ. الَّتِي الَّذِينَ ٤- الْمُؤْمِنُ هُوَ ... آمَنَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ.

التدريب الثالث

استخرج المعارفَ و اكتبها في المكان المناسب:

العلم

.....

المُعَرَّف بالإضافة

.....

الضمير

.....

الموصول

.....

المُعَرَّف بـ «أل»

.....

١- ﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ﴾ (آل عمران/١٢٣)

٢- ﴿وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا

فِي الْأَرْضِ﴾ (الحجرات/١٤)

٣- ﴿كَذَّبَتْ قَوْمُ نوحٍ الْمُرْسَلِينَ﴾ (الشعراء/١٠٥)

٤- ﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا

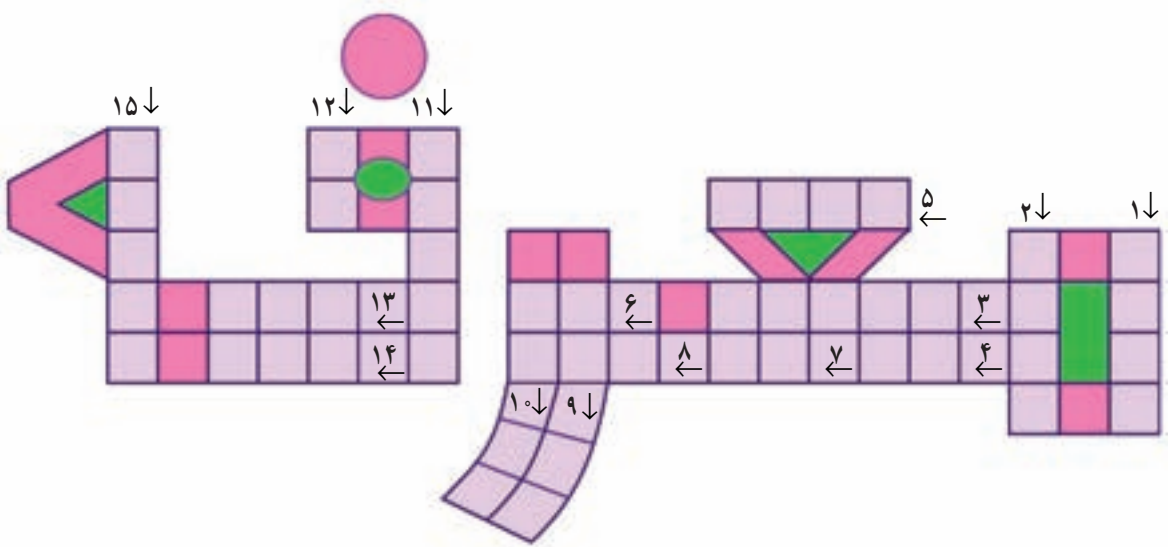
رَبُّكُمْ...﴾ (الأنبياء/٩٢)

الإشارة

.....

املا الجدول:

- ١- ضميرٌ منفصلٌ للمخاطبينَ
- ٢- ضميرٌ منفصلٌ للنصبِ
- ٣- إشارةٌ لجمع البعيدِ
- ٤- موصولٌ عامٌّ لغيرِ العاقلِ
- ٥- كلمةٌ تأتي في مكانِ الاسمِ الظاهرِ
- ٦- موصولٌ عامٌّ للعاقلِ
- ٧- ضميرٌ للغائبِ
- ٨- إشارةٌ للقريبةِ
- ٩- ضميرٌ متصلٌ مرفوعٌ للمُخاطبينَ
- ١٠- ضميرٌ متصلٌ للغائبةِ
- ١١- من المعارفِ هو المُعرَّفُ بالـ ...
- ١٢- ضميرٌ متَّصلٌ، يأتي للرفعِ و للنصبِ وللجرِّ
- ١٣- إشارةٌ للبعيدةِ
- ١٤- «اسم خاص» في العربيةِ
- ١٥- من المعارفِ التي لا تأتي بِدُونِ صلةٍ



- در ترجمه اسم های نکره معمولاً از «ی، یک» استفاده می کنیم :
- قرأتُ مقالةً في مجلّةٍ : مقاله ای را در یک مجله خواندم.
- مشارالیه هرگاه دارای (ال) باشد، اسم اشاره آن به صورت مفرد ترجمه می شود هرچند مثنی یا جمع باشد، که در این صورت با صفت اشاره یا اسم اشاره فارسی مطابقت می کند :
- هذا الفلاحُ ... هذانِ الفلاحانِ ... هؤلاءِ الفلاحونَ ...
این کشاورز ... این دو کشاورز ... این کشاورزان ...
- مشارالیه هرگاه بدون (ال) باشد، اسم اشاره آن عیناً ترجمه می شود و در این صورت با ضمیر اشاره فارسی مطابقت می کند :
- هذا فلاحٌ : این کشاورز است. هذانِ فلاحانِ : این ها دو کشاورزند.
هؤلاءِ فلاحونَ : این ها کشاورزند.

للتّرجمة

- افقرأ العبارات التالية ثمّ عین ترجمتها الصحيحة:
- ۱- ﴿قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُبِينٌ﴾ (المائدة/۱۵)
- الف) براستی از سوی خداوند روشنایی و کتاب روشنگر برای شما آمد.
- ب) براستی شما را از سوی خدا نوری و کتابی روشنگر آمده است.
- ۲- ﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ﴾ (الإسراء/۹)
- الف) همانا این قرآن به آیینی که استوارتر است راهنمایی می کند.
- ب) همانا این، قرآنی است که به بهترین روش راهنمایی می کند.
- ۳- ﴿هَذَانِ خَصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ﴾ (الحج/۱۹)
- الف) این ها دو گروه دشمن یکدیگرند که درباره پروردگارشان با هم ستیز کردند.
- ب) این، دو گروه دشمن یکدیگر هستند که درباره پروردگارشان با هم ستیز کردند.

اقرأ العبارات التالية ثم ترجمها إلى الفارسية بعبارات مألوفة:

* مَنْ صَارَعَ الْحَقَّ صَرَعَهُ.

* مَنْ نَظَرَ فِي عُيُوبِ النَّاسِ فَأَنكَرَهَا ثُمَّ رَضِيَهَا لِنَفْسِهِ فَذَلِكَ الْأَحْمَقُ.

* الطَّامِعُ فِي وِثَاقِ الدُّلِّ.

* مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ وَمَنْ شَاوَرَ الرِّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا.

صَارَعَ : گلاويز شد

صَرَعَ : زمین زد

وِثَاقِ الدُّلِّ : بند دلت

الف) تعداد اسم‌های معرفه در کدام آیه درست بیان شده است:

- ۱- ﴿وَهَدَيْنَاهُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ (الصافات/ ۱۱۸) ☐ ۳
- ۲- ﴿خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ﴾ (الرُّم/ ۵) ☐ ۳
- ۳- ﴿لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ﴾ (الكافرون/ ۶) ☐ ۳

ب) در کدام یک از آیات، کلمات درست ترجمه نشده است؟

- ۱- ﴿وَأَذْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ...﴾ (المزمل/ ۸) ☐ نام پروردگارت را ذکر کن ...
- ۲- ﴿وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ...﴾ (الملک/ ۵) ☐ همانا آسمان دنیا را با چراغ‌هایی بیاراستیم.
- ۳- ﴿وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً...﴾ (المؤمنون/ ۱۸) ☐ و از آسمان آب را فرو فرستادیم.

الدَّرْس الرَّابِع

أنواع الإعراب (١)



١



٢



٣



در هر کدام از
تصاویر چه کسانی
را می بینید؟

آیا می توانید شغل
آن ها را حدس
بزنید؟

در تصویر اول، از ظاهر شخص، براحتی می توان دریافت که او پزشک است.

در تصویر دوم، از محل و موقعیت فرد، می توان حدس زد که شخص مورد نظر، روزنامه فروش است.

اما در تصویر سوم نشانه و علامت خاصی وجود ندارد و شغل او بر ما مخفی و پنهان است.

همانطور که می توان موقعیت اجتماعی افراد را با نشانه هایی شناخت، نقش و موقعیت کلمات را نیز می توان با علامت ها و نشانه های خاصی شناخت. این نشانه ها، همان اعراب کلمات است.

اعراب کلمات دارای سه نوع است :

١- **ظاهری** : برای اسم های معربی که علامت اعراب بر آن ها ظاهر می شود.

٢- **محلی** : برای اسم های مبني که علامت اعراب را نمی پذیرند.

٣- **تقدیری** : برای اسم های معربی که علامت اعراب در آن ها ظاهر نمی شود.

؟

آیا می دانید، چه چیزی، تعیین کنندهٔ اعراب کلمه است؟ نقش کلمه در جمله □ معنای کلمه □

می دانیم «شجرة» اسمی معرب است.

اکنون در عبارات زیر نقش و اعراب کلمه «شجرة» را تعیین نمایید.

العصفورُ على الشجرة.



مجرور به حرف جر ○ مضاف الیه ○

منصوب ○ مجرور ○

غرسَ الفلاحُ الشجرة.



فاعل ○ مفعول ○

مرفوع ○ منصوب ○

هذه شجرةٌ في الحديقة.



مبتدا ○ خبر ○

مرفوع ○ منصوب ○

← نقش

← اعراب

همانطور که دقت نمودید

علامت های اعراب، متناسب با نقش کلمه «شجرة» در آخر آن، ظاهر شده است.

به اعرابی که در آن علامت های اصلی اعراب (َ ُ ِ ِ)

که نشان دهندهٔ نقش کلمه می باشند، «اعراب ظاهری اصلی» می گویند.

آیا می توانید نقش و اعراب کلمات معین شده را در آیات شریفهٔ قرآن بیابید؟

﴿قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ﴾ (النساء/۱۷۴)

﴿وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا﴾ (النساء/۱۷۴)

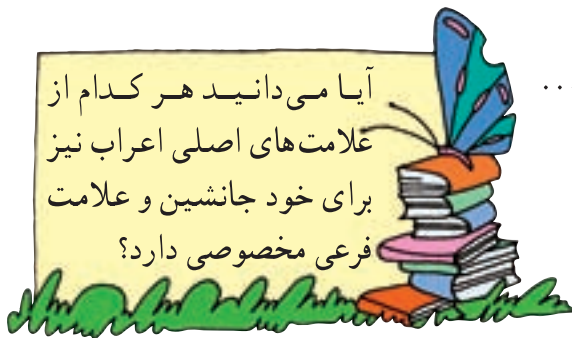
﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا﴾ (آل عمران/۱۰۳)



- این بازیکنانی که روی نیمکت نشسته‌اند چه کسانی هستند؟
- مگر بازیکنان اصلی، کافی نیستند؟

؟

هر بازیکن اصلی، برای خود بازیکنی ذخیره و نیابی (با همان ویژگی) دارد، که به جای او وارد میدان می‌شود.



آیا می‌دانید هر کدام از
علامت‌های اصلی اعراب نیز
برای خود جانشین و علامت
فرعی مخصوصی دارد؟

آیا می‌دانید ...

؟



جاءُ الْمُعَلِّمُونَ



جاءُ الْمُعَلِّمَانِ



جاءُ الْمُعَلِّمِ

- کلمات (المُعَلِّم، الْمُعَلِّمَانِ، الْمُعَلِّمُونَ) چه نقشی دارند؟
- در کدام مورد فاعل با علامت ُ مرفوع شده است؟
- دو کلمه (المُعَلِّمَانِ، الْمُعَلِّمُونَ) به جای ُ با چه علامتی مرفوع شده‌اند؟

؟

برخی از اسم‌های معرب به جای علامت‌های اصلی اعراب، علامت‌های دیگری نیز می‌گیرند که به آن‌ها «**علامت‌های فرعی اعراب**» گفته می‌شود.

دارای اعراب فرعی هستند؟

کدام یک از
اسم‌های
معرب

آیا می‌دانید

مثنی با دو علامت «**انِ**، **ینِ**» ساخته می‌شود مانند «**المسافرانِ**»،
«**المسافرینِ**» به معنای دو مسافر.
اکنون که معنای آن‌ها یکسان است، پس چه تفاوتی میان (انِ، ینِ) وجود دارد و کاربرد هر کدام چیست؟

می‌دانیم

مثنی



اما



سَلَّمْتُ عَلَى الْمُسَافِرِ.

سَلَّمْتُ عَلَى الْمُسَافِرِينَ.

رَأَيْتُ الْمُسَافِرَ.

رَأَيْتُ الْمُسَافِرِينَ.

جَاءَ الْمُسَافِرُ.

جَاءَ الْمُسَافِرُونَ.

مفرد

مثنی

المسافرُ و المسافرین هر دو مجرور هستند اما علامت جرّ آن‌ها متفاوت است.

المسافرُ با کسره اصلی
المسافرین با یاء فرعی

المسافر و المسافرین هر دو مفعول هستند اما علامت نصب آن‌ها متفاوت است.

المسافرَ با فتحه اصلی
المسافرین با یاء فرعی

المسافر و المسافرانِ هر دو فاعل هستند. اما علامت رفع آن‌ها مختلف است.

المسافرُ با ضمه اصلی
المسافرانِ با الف فرعی

هرگاه اسمی مثنی شود: «**الف**» ⇐ نشانه رفع

«**ياء**» ⇐ نشانه نصب و جرّ آن می‌باشد.

می دانیم : جمع مذكر سالم با دو علامت (وَنَ، يَنَ) ساخته می شود، مانند (المُجَاهِدُونَ) — (المُجَاهِدِينَ) به معنای رزمندگان.

○ این دو علامت چه فرقی با هم دارند آیا تفاوت آن ها در معناست و یا در کاربرد؟
به تبدیل اسم مفرد به جمع مذكر سالم توجه کنید :



سَلَّمْتُ عَلَى الْمُجَاهِدِ.

سَلَّمْتُ عَلَى الْمُجَاهِدِينَ.

شَاهَدْتُ الْمُجَاهِدِ.

شَاهَدْتُ الْمُجَاهِدِينَ.

حَضَرَ الْمُجَاهِدِ.

حَضَرَ الْمُجَاهِدِينَ.

مفرد

جمع

(ياء)

جانشین چه حرکتی
شده و نشانه چیست؟

(ياء)

جانشین چه حرکتی
شده و نشانه چیست؟

(واو)

جانشین چه حرکتی
شده و نشانه چیست؟

هر گاه اسمی را به جمع مذكر سالم تبدیل کنیم
واو ← نشانه رفع ياء ← نشانه نصب و جرّ آن است.

حتماً با کلمات «أبوطالب، أباطالب، أبي طالب» آشنا هستید.

○ چرا این کلمات با شکل های مختلف نوشته شده اند؟

○ آیا از جهت معنی با یک دیگر فرق دارند یا یکسان هستند؟

○ حتماً تفاوتی میان آن ها وجود دارد، آیا شما تفاوت آن را می دانید؟

پس توجه کنید ← کلمه «أب» مفرد است به معنای «پدر» و اعراب ظاهری دارد. اما اگر

مضاف به غیر یاء متکلم شود، چگونه؟!...

سَلَّمْتُ عَلَى الْأَبِ.

سَلَّمْتُ عَلَى أَبِيكَ.

رَأَيْتُ الْأَبَ.

رَأَيْتُ أَبَاكَ.

جَاءَ الْأَبَ.

جَاءَ أَبُوكَ.

← مفرد

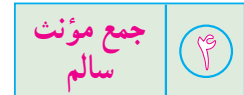
← مضاف

هر گاه کلمه «أب» : مفرد، مضاف و مضاف به غیر ضمیر «ياء» متکلم باشد :

واو ← نشانه رفع الف ← نشانه نصب ياء ← نشانه جرّ آن است.

اعراب کلماتی مانند «أَخ، ذُو، فُو، حَم» نیز مانند «أَب» فرعی است. به این پنج اسم «أَسْمَاءُ خَمْسَهُ» می‌گویند. اکنون برای جای خالی، کلمه مناسبی را انتخاب کنید :

— هو (أَخُوكَ، أَخَاكَ، أَخِيكَ)



جمع مؤنث سالم نیز از اسم‌هایی است که اعراب فرعی دارد.
 آیا علامت جمع مؤنث سالم را می‌دانید؟
 به اعراب آن در حالت‌های مختلف توجه نمایید.

إِسْتَمَعْتُ إِلَى آيَةٍ قُرْآنِيَةٍ.	حَفِظْتُ آيَةً مِنَ الْقُرْآنِ.	هَذِهِ آيَةٌ قُرْآنِيَّةٌ.
إِسْتَمَعْتُ إِلَى آيَاتٍ قُرْآنِيَةٍ.	حَفِظْتُ آيَاتٍ مِنَ الْقُرْآنِ.	هَذِهِ آيَاتٌ قُرْآنِيَّةٌ.
کلمه آیات با چه علامتی مجرور شده است؟	کلمه آیات با چه علامتی منصوب شده است؟	کلمه آیات با چه علامتی مرفوع شده است؟

در کدام حالت کلمه «آیات» اعراب اصلی نپذیرفته است؟

جمع مؤنث سالم فقط در حالت نصب اعراب فرعی دارد.
 و هرگاه منصوب شود به جای — ← می‌گیرد.

برای کلمات رنگی حرکت مناسبی را قرار دهید.

حَضَرَتِ الْمُؤْمِنَاتُ فِي الْمَسْجِدِ. قَرَأْتُ الْمَجَلَاتِ فِي الْمَكْتَبَةِ. نَظَرْتُ إِلَى الشَّجَرَاتِ.

به اعراب کلمه «ایران» در عبارت‌های زیر

توجه کنید :



فِي إِيْرَانٍ مُّعَادُنْ كَثِيْرَةٌ

أُحِبُّ إِيْرَانٍ

إِيْرَانٌ وَطَنِي

○ نقش کلمه ایران در سه جمله به ترتیب چیست؟

○ آیا در هر سه جمله متناسب نقش خود حرکت گرفته است؟

○ در کدام مورد با علامت اصلی اعراب نپذیرفته است؟

کلمه ایران هرگاه مجرور شود به جای کسره — ← فتحه فرعی — می گیرد.
به چنین اسم‌هایی غیر منصرف (ممنوع من الصرف) می گویند. این اسم‌ها هیچگاه تنوین نمی گیرند.

آیا اسم‌های
غیر منصرف را
می شناسید؟
در این صورت بهتر
است با مهمترین
آنها آشنا شوید.

«السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ»

۱- علم مؤنث : فاطمة، حمزة

۲- علم غیر عربی : یوسف، یعقوب، فرعون ﴿وَأَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رُسُلًا﴾ (المزمل/۱۵)

۳- نام شهرها و کشورها : طهران، مکه ﴿وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا﴾ (الاعراف/۸۵)

۴- صفت بر وزن أَفْعَل : أكبر، أبيض ﴿أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ﴾ (الانعام/۵۳)

۵- جمع مکسر هم وزن مَفَاعِل و مَفَاعِل ﴿وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ﴾ (فصلت/۱۲)

اسم‌های غیر منصرف در صورت گرفتن الف و لام و یا مضاف واقع شدن

در حالت جرّ کسره می پذیرند :

فِي الْمَسَاجِدِ مُصَلِّونَ كَثِيرُونَ. فِي مَسَاجِدِ الْمَدِينَةِ مَكْتُبَاتٌ قِيَمَةٌ.

بدانیم

خير مُعين!

مَنْ كَانَ قَرِيباً مِنْ رَبِّهِ
وَالرَّحْمَةُ تَسْكُنُ فِي قَلْبِهِ
وَأَتَى بِالْمَالِ عَلَى حُبِّهِ

فَاللَّهُ يُبَارِكُ فِي كَسْبِهِ

مَنْ كَانَ صَدِيقَ الْمَسْكِينِ
وَمُعِيتَ الْإِخْوَةِ فِي الدِّينِ
فَاللَّهُ لَهُ خَيْرُ مُعِينٍ

يَجْزِيهِ وَيَصْفَحُ عَنْ ذَنْبِهِ

الْمُؤْمِنُ صَاحِبُ إِفْضَالٍ
يُعْطِي بِيَمِينٍ وَشِمَالٍ
وَيُجِيبُ السَّائِلَ فِي الْحَالِ

وَيُخَفِّفُ عَنْهُ مِنْ كَرْبِهِ

الْبِرُّ دَلِيلُ الْعِرْفَانِ
وَزَكَاتُكَ شَرْطُ الْإِيمَانِ
وَاللَّهُ وَلِيُّ الْإِحْسَانِ

وَالْمُحْسِنُ يَطْمَعُ فِي قُرْبِهِ

مُعْجَزَةُ الْأَنْبِيَاءِ

سَأَلَ رَجُلٌ الْإِمَامَ الرَّضَا (ع) :

لِمَاذَا جَعَلَ اللَّهُ مُعْجَزَةَ مُوسَى (ع) إِبْطَالَ السَّحْرِ وَ مُعْجَزَةَ عِيسَى (ع) شِفَاءَ
الْمَرْضَى وَ مُعْجَزَةَ مُحَمَّدٍ (ص) الْقُرْآنَ؟
فَقَالَ (ع) :

عِنْدَمَا بَعَثَ اللَّهُ مُوسَى (ع) كَانَ لِلْسَّحْرِ مَنَزِلَةٌ عَظِيمَةٌ عِنْدَ النَّاسِ فَأَبْطَلَ سِحْرَهُمْ
بِهَذِهِ الْمُعْجَزَةِ.

وَعِنْدَمَا بَعَثَ عِيسَى (ع) كَانَ لِلطَّبِّ دَوْرٌ كَبِيرٌ بَيْنَ النَّاسِ بِسَبَبِ شُيُوعِ الْأَمْرَاضِ
الْمُخْتَلِفَةِ فَأَظْهَرَ مُعْجَزَتَهُ بِشِفَاءِ الْمَرْضَى وَ إِحْيَاءِ الْمَوْتَى .
وَبَعَثَ مُحَمَّدًا (ص) فِي وَقْتٍ كَانَ لِلْبَيَانِ وَ الْفَصَاحَةِ اهْتِمَامٌ بِالْعُمَمِ بَيْنَ النَّاسِ
فَأَنْزَلَ اللَّهُ الْقُرْآنَ فَأَظْهَرَ عَجْزَهُمْ عَنِ الْإِتْيَانِ بِمِثْلِهِ.

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ:

١- مَنْ الْمُؤْمِنُ؟

٢- مَا هِيَ مُعْجَزَةُ عِيسَى (ع)؟

٣- لِمَاذَا جَعَلَ اللَّهُ مُعْجَزَةَ مُحَمَّدٍ (ص) الْقُرْآنَ؟

التمرين الأول

عَيِّنْ عِلَامَاتِ الْإِعْرَابِ الْفَرَعِيَّةَ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:

- ١- ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ﴾
- ٢- ﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا﴾
- ٣- لِفَاطِمَةَ فَضَائِلُ لَا نَجِدُهَا فِي الْآخَرِينَ.
- ٤- أَكْرَمُ أَبَاكَ وَ إِنْ لَمْ يُكْرِمَكَ.

التمرين الثاني

اجْعَلْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً:

- ١- احْفَظْ... مِنْ الْأَذَى وَ جَالِسِ... (يَدِيكَ، يَدَاكَ - الصَّالِحُونَ، الصَّالِحِينَ)
- ٢- خَلَقَ اللَّهُ... السَّبْعَ. (السَّمَوَاتِ، السَّمَوَاتِ)
- ٣- ... يُدَافِعُونَ عَنِ الْوَطَنِ الْإِسْلَامِيِّ. (الْمُجَاهِدُونَ، الْمُجَاهِدِينَ)
- ٤- يَذْهَبُ كَثِيرٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ فِي ... إِلَى (ذَوِ الْحِجَّةِ، ذِي الْحِجَّةِ - مَكَّةَ، مَكَّةَ)

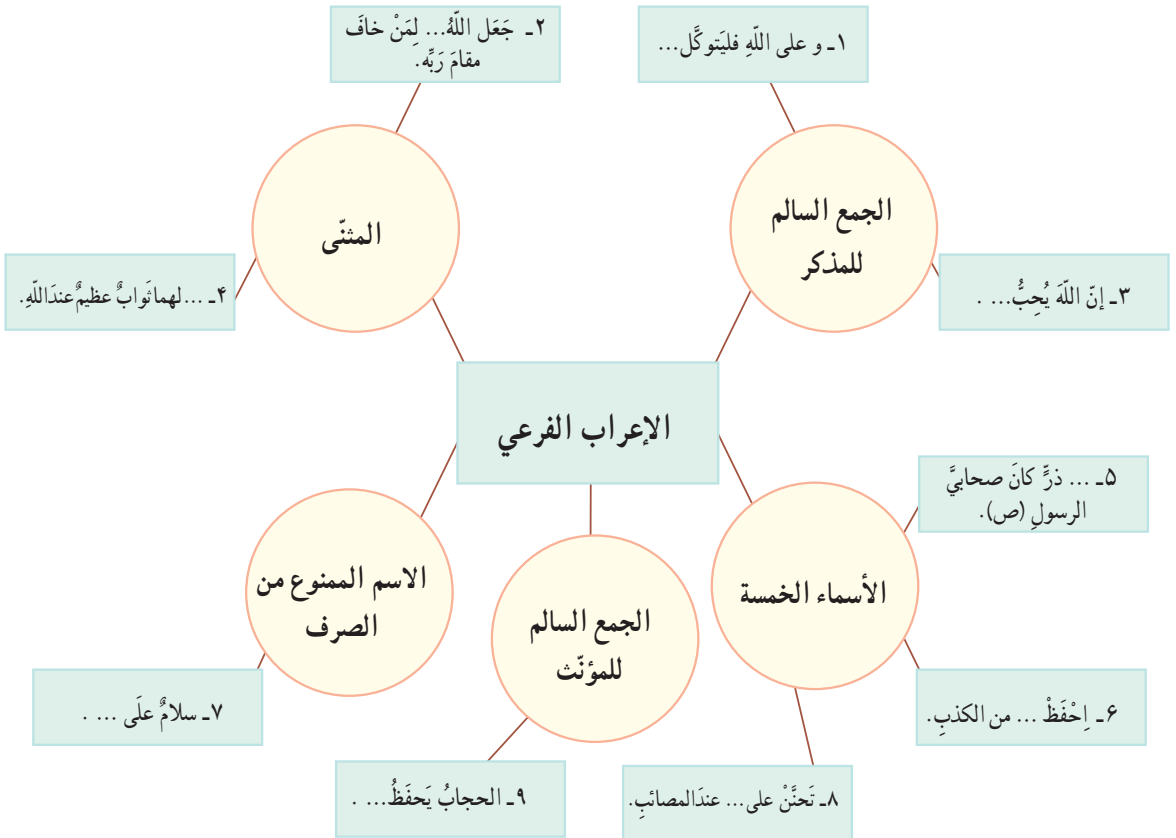
التمرين الثالث

صَحِّحِ الْأَخْطَاءَ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطٍّ مَعَ بَيَانِ السَّبَبِ:

- ١- يُجَاهِدُ الْمُسْلِمِينَ فِي فِلَسْطِينَ.
- ٢- الْحَسَنَاتُ يُذْهِبُ السَّيِّئَاتِ.
- ٣- رَأَيْتُ فِي أَخَوِكَ هِمَّةً عَالِيَةً.

اجعل في الفراغ كلمة مناسبة من الكلمات التالية:

فاك، جتّين، فوك، المسلمات، المؤمنون، المسلمات، إبراهيم، إبراهيم، أخيك،
التّواين، الوالدان، أبو، أبا



گزینه نادرست را در هر مجموعه، معین نمایید سپس علامت های خواسته شده را بنویسید.

① نَجَحَ

في الدرس.

- ☐ المجدون
- ☐ الطالبان
- ☐ التلاميذ
- ☐ أخوك

علامت های فرعی رفع

② شَهِدْتُ ...

في المكتبة.

- ☐ المعلمين
- ☐ التلميذين
- ☐ أخاك
- ☐ الطالبات

علامت های فرعی نصب

③ سَلَّمْتُ عَلَى ...

في المسجد.

- ☐ المؤمنين
- ☐ المعلمين
- ☐ إبراهيم
- ☐ أخيك

علامت های فرعی جرّ

تسلط بر زبان مادری شرط لازم در ترجمه موفق است. با این وسیله می توان مفاهیم زبان مبدأ را به نحو مطلوب به زبان مقصد ترجمه کرد.

للترجمة

- ۱- ﴿لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (آل عمران/ ۲۸)
- ۲- «الذَّاكِرُ بِلا عَمَلٍ كَالزَّامِي بِلا وَتَرٍ».
- ۳- مَنْ لَمْ يَصْبِرْ عَلَى تَعَبِ التَّعْلُمِ سَاعَةً بَقِيَ فِي تَعَبِ الْجَهْلِ أَبَدًا.

اِقْرَأِ الْعِبَارَاتِ ثُمَّ تَرْجِمْنَهَا إِلَى الْفَارْسِيَّةِ بِعِبَارَاتٍ مَأْلُوفَةٍ:

* عَاتِبْ أَخَاكَ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ وَارْزُدْ شَرَّهُ بِالْإِنْعَامِ عَلَيْهِ.

* مِنْهُوَ مَنْ لَا يَشْبَعَانِ : طَالِبُ عِلْمٍ وَ طَالِبُ دُنْيَا.

* الْحِلْمُ وَالْأَنَاءُ تَوْأَمَانِ يُنْتَجِبُهُمَا عُلُوُّ الْهَمَّةِ.

منهوم: حریص

الأناء: تأتی

يُنْتَجِبُهُمَا: آن ها را به وجود می آورد

عاتب: عتاب کن

ارزد: باز گردان

الإنعام: بخشش کردن

الف) ترجمه آیات زیر را با کلمه مناسب کامل کنید:

۱- ﴿وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ﴾ (آل عمران / ۱۷۴)

و خداوند بخشایش عظیم است.

۲- ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ...﴾ (الأنعام / ۱)

ستایش از آن خداوندی است که و زمین را آفرید.

۳- ﴿وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ (آل عمران / ۱۸۰)

و خداوند به آنچه آگاه است.

ب) کلمه مناسب و نقش آن را انتخاب و در جای خالی قرار دهید.

مفعول به

آيَاتًا

۱- ﴿وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ...﴾ (البقرة / ۹۹)

اسم مجرور

آيَاتٍ

هر آینه بر تو آیاتی را نازل کردیم.

اسم و مجرور

أَحْسَنَ

۲- ﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي... تَقْوِيمٍ﴾ (التين / ۴)

اسم و مجرور به فتحه

أَحْسَنَ

همانا انسان را در نیکوترین شکل آفریدیم.

الدّرس الخامس

أنواع الإعراب (٢)

دانستیم که

- ① اعراب دارای سه نوع است (١ ظاهری (٢ محلی (٣ تقدیری
- ② اعراب ظاهری شامل بیشتر اسم های معرب است و بر دو نوع است (١ اصلی (٢ فرعی

اما اعراب محلی و تقدیری شامل چه کلماتی است؟

اعراب محلی

- آیا اسم های مبنی را به خاطر می آورید؟
- « اسم مبنی، اسمی است که حرکت آخر آن ها در موقعیت های مختلف ... باشد»
- اگر علامت آخر کلمات مبنی تغییر نپذیر است پس چگونه می توان به نقش آن پی برد؟

به تصاویر زیر توجه کنید :



این افراد برای ما آشنا نیستند. اما از «محل» کار آن ها می توان دریافت که آن ها روزنامه فروش، راننده

و معلم هستند.

از آنجا که علامت آخر کلمات مبنی ثابت است، لذا برای شناختن اعراب و نقش آن‌ها باید به «محلّ» قرار گرفتن آن‌ها توجه کرد.

نَجَحَ التِّلْمِيزُ. رَأَيْتُ التِّلْمِيزَ. نَظَرْتُ إِلَى التِّلْمِيزِ.

نَجَحَ ذَلِكَ. رَأَيْتُ ذَلِكَ. نَظَرْتُ إِلَى ذَلِكَ.

آیا در ظاهر کلمه «ذلک» علامتی وجود دارد که با کمک آن بتوان اعراب آن را تشخیص داد؟ چگونه می‌توان به اعراب «ذلک» در سه جمله پی برد؟ آیا می‌توانید از موقعیت «ذلک» و مقایسه آن با «التلمیز» در جملات فوق اعراب آن را تشخیص دهید که رفع است یا نصب و یا جرّ؟



﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ﴾ (هود/۸۶)

حال حدس بزنید اسم‌های مبنی در دو آیه چه اعرابی دارند؟

﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ﴾ (البقرة/۲)

محلّاً
مجرور

محلّاً
منصوب

محلّاً
مرفوع

محلّاً
مجرور

محلّاً
منصوب

محلّاً
مرفوع



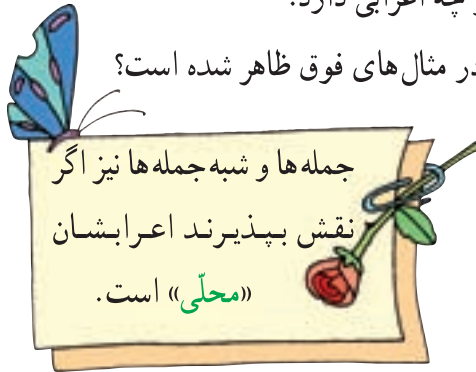
به این دو عبارت توجه کنید

– کلمات مشخص شده چه نقشی دارند؟

– آیا می دانید خبر چه اعرابی دارد؟



– آیا اعراب خبر در مثال های فوق ظاهر شده است؟



اعراب تقدیری

علامات آخر آن ها بر اساس نقشی که در
جمله دارند، ...
ثابت است ○ متغیّر است ○

کلمات معرب
کلماتی هستند که :

اکنون کلمات معرب را معین کنید :



● می دانیم که «الفتی» اسمی معرب است. حال اعراب «الفتی» را در جملات زیر

تعیین نمایید :

سَلَّمْتُ عَلَى الْفَتَى.

رَأَيْتُ الْفَتَى.

جاء الفتى.

چرا کلمه «الفتی» با وجود اینکه معرب است علامت‌های رفع، نصب و جر را نپذیرفته است؟



برخی کلمات با وجود معرب بودن علامت‌های اعراب را نمی‌پذیرند و اعراب آن‌ها را باید از نقش کلمه در جمله تشخیص داد. به چنین اعرابی اصطلاحاً «اعراب تقدیری» می‌گوییم.

مهمترین کلماتی که اعراب آن‌ها تقدیری است:

اسم مقصور	اسمی است معرب که به الف ختم شود. مانند: دنیا، کبری
اعراب	رفع: جاء الفتی.
در هر سه حالت اعراب تقدیری دارد.	نصب: رأیتُ الفتی.
	جر: سلّمت علی الفتی.
	فاعل، مرفوع تقدیراً
	مفعول به، منصوب تقدیراً
	مجرور به حرف جرّ تقدیراً

اسم منقوص	اسمی است معرب که به یاء ماقبل مکسور ختم شود. مانند: قاضی، هادی
اعراب	رفع: حَضَرَ القاضی.
در دو حالت رفع و جر اعراب تقدیری دارد.	نصب: شاهدتُ القاضی.
	جر: مررتُ بالقاضی.
	فاعل:
	... منصوب با فتحه
	مجرور به حرف جرّ

اسم مضاف به یاء متکلم	اسمی است معرب که به ضمیر متکلم وحده «ی» اضافه شود. مانند: صدیقی
اعراب	رفع: هذا کتابی.
در هر سه حالت اعراب تقدیری دارد.	نصب: قرأتُ کتابی.
	جر: القصةُ فی کتابی.
	... مرفوع تقدیراً
	مفعول به
 تقدیراً

در اعراب محلی و نیز در اعراب تقدیری باید به محل و موقعیت کلمه در جمله توجه کرد. پس فرق این دو در چیست؟

با مروری بر آنچه گذشت حتماً درمی یابید که :

اعراب محلی اصطلاحی است برای کلمات مبنی، جمله و شبه جمله.
اعراب تقدیری اصطلاحی است برای برخی کلمات معرب یعنی (مقصود، منقوص، مضاف به یاء متکلم).

اعراب اسم

مبنی

معرب

محلی

تقدیری

ظاهری

شامل

- ۱- ضمائر
- ۲- اسم موصول
- ۳- اسم اشاره
- ۴- اسم استفهام
- ۵- اسم شرط
- ۶- عدد مرکب

فرعی

اصلی

مقصود

در هر سه حالت
جاء الْفَتَى.
رأيتُ الْفَتَى.
سَلَّمْتُ عَلَى الْفَتَى.

منقوص

در دو حالت رفع و جرّ
جاء القَاضِي.
رأيتُ القَاضِي.
سَلَّمْتُ عَلَى القَاضِي.

مضاف به پای متکلم

در هر سه حالت
جاء مَعْلَمِي.
رأيتُ مَعْلَمِي.
سَلَّمْتُ عَلَى مَعْلَمِي.

مثنی

«الف» در حالت رفع
«ياء» در حالت نصب و جرّ

جمع مذکر سالم

«واو» در حالت رفع
«ياء» در حالت نصب و جرّ

أسماء خمسة

«واو» در حالت رفع
«الف» در حالت نصب
«ياء» در حالت جرّ

جمع مؤنث سالم

در حالت نصب

غير منصرف

در حالت جرّ

رفع رَفْعٌ

جاء المُعَلِّمِ.

نصب نَصْبٌ

رأيتُ المُعَلِّمِ.

جرّ جَرٌّ

سَلَّمْتُ عَلَى المُعَلِّمِ.

محلاً مرفوع
هَذَا كِتَابٌ.

محلاً منصوب
قَرَأْتُ هَذَا الْكِتَابَ.

محلاً مجرور
سَلَّمْتُ عَلَى هَذَا الرَّجُلِ.

يا إلهي

يا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ	يا إلهي يا إلهي
و كَثِيرَ الْبَرَكَاتِ	اجْعَلِ الْيَوْمَ سَعِيداً
و فَمِي بِالْبَسْمَاتِ	وأملاً الصِّدْرَ انْشِراحاً
فِي أَدَاءِ الْوَاجِبَاتِ	يا إلهي أَنْتَ عَوْنِي
بِالْعُلُومِ الْنافِعَاتِ	نُورِ الْعَقْلَ وَ قَلْبِي
و نَصِيبِي فِي الْحَيَاةِ	وَاجْعَلِ التَّوْفِيقَ حَظِّي

الأديب الملتزم

ذاتَ يَوْمٍ قَالَ الْمُتَوَكِّلُ الْعَبَّاسِيُّ لِوَزِيرِهِ :

أُرِيدُ مُعَلِّماً حَازِقاً لِتَرْبِيَةِ أَوْلَادِي وَ تَعْلِيمِهِمْ . فَمَا رَأَيْكَ؟

— لَا أَعْرِفُ أَفْضَلَ وَ أَغْلَمَ مِنْ ابْنِ السَّكِّيتِ^١ .

— طَيِّبٌ ، طَيِّبٌ ، إِذَنْ أَحْضِرْهُ لِتَعْلِيمِ أَوْلَادِي .

حَضَرَ ابْنُ السَّكِّيتِ لِتَرْبِيَةِ أَبْنَاءِ الْمُتَوَكِّلِ وَ تَعْلِيمِهِمْ .

فِي يَوْمٍ عِنْدَمَا كَانَ ابْنُ السَّكِّيتِ جَالِساً عِنْدَ الْمُتَوَكِّلِ دَخَلَ عَلَيْهِمَا وَلَدَاهُ^٢ .

— هَلْ وَلَدَايَ أَحَبُّ إِلَيْكَ أَوْ أَوْلَادُ عَلِيٍّ ؟

١- هو أديبٌ مُلتزمٌ كانَ يَعِيشُ فِي الْعَصْرِ الْعَبَّاسِيِّ وَ هُوَ كَانَ مُحِبّاً لِأَهْلِ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ (ص).

٢- تُحَدِّثُ النُّونُ مِنَ الْمَثْنَى وَ الْجَمْعُ السَّالِمُ لِلْمُذَكَّرِ عِنْدَ الْإِضَافَةِ .

غَضِبَ ابْنُ السَّكَيْتِ مِنْ كَلَامِ الْمُتَوَكِّلِ وَقَالَ بِجُرْأَةٍ :
وَاللَّهِ، إِنَّ قَنْبَرًا مَوْلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ لَأَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ هَذَيْنِ وَأَبِيهِمَا.
غَضِبَ الْخَلِيفَةُ غَضَبًا شَدِيدًا وَأَمَرَ الْجَلَّادِينَ بِقَطْعِ لِسَانِ هَذَا الْعَالِمِ الشُّجَاعِ.
فَفَازَ بِلِقَاءِ رَبِّهِ.

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ:

- ١- مَاذَا تَطْلُبُ مِنْ مَعْبُودِكَ؟
- ٢- مَنْ كَانَ ابْنُ السَّكَيْتِ؟
- ٣- مَا كَانَتْ عَاقِبَةُ ابْنِ السَّكَيْتِ؟

التمرين الأول

أنظر إلى الكلمات التي أُشير إليها بخط ثم أجب عما طُلب منك:

المثال:

﴿هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ﴾

سبب البناء

إعراب

ضمير

مبتدأ و
مرفوع محلاً

.....

.....

١- ﴿رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا﴾

.....

.....

٢- «أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا آدَابَهُمْ».

.....

.....

٣- احْتَرِمْ مَنْ يَعْمَلُ الْخَيْرَ.

التمرين الثاني

انتخب الإعراب المناسب لما أُشير إليه بخط:

١- ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى﴾

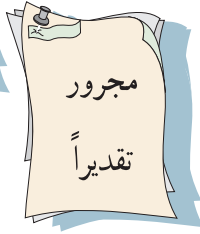
مبتدأ و
مرفوع
تقديرًا

٢- ﴿يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ﴾

مجرور
تقديرًا

مفعول به و
منصوب
بالفتحة

٣- «الدُّنْيَا مَرْعَى الْآخِرَةِ».



٤- «أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَنَظْمِ أَمْرِكُمْ»

٥- «يَا رَبِّ قَوِّ عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي»

التمرين الثالث

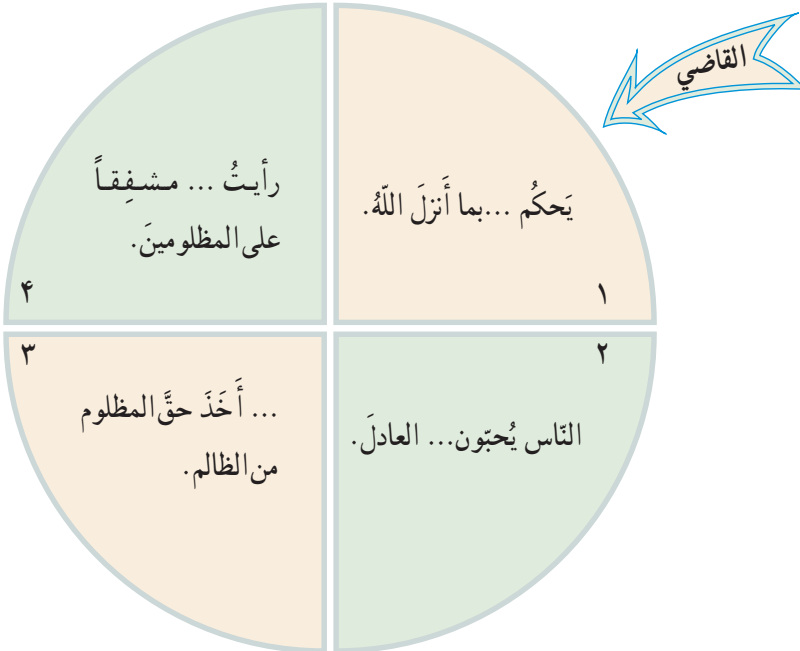
أَدْخِلْ كَلِمَةَ «الْقَاضِي» فِي كُلِّ جُمْلَةٍ ثُمَّ أَعْرِبْ ذَلِكَ حَسَبَ رَقْمِ الْجُمْلَةِ:

١- فاعلٌ و مرفوع تقديرًا

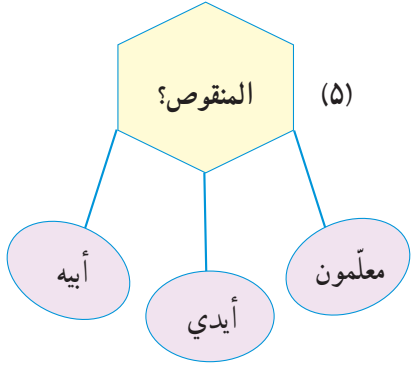
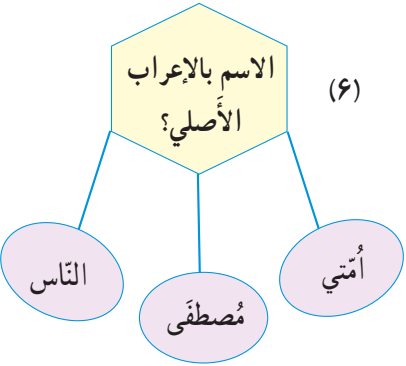
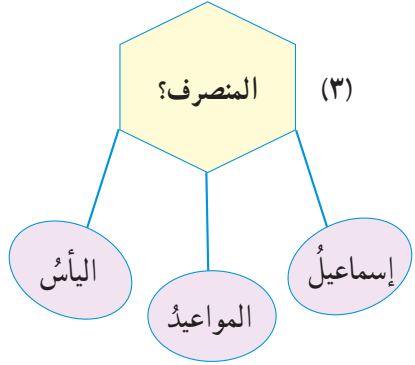
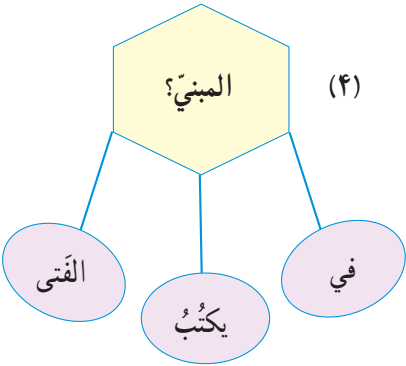
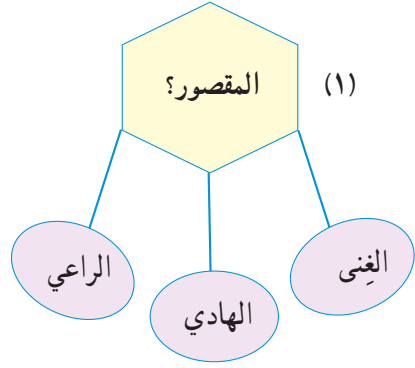
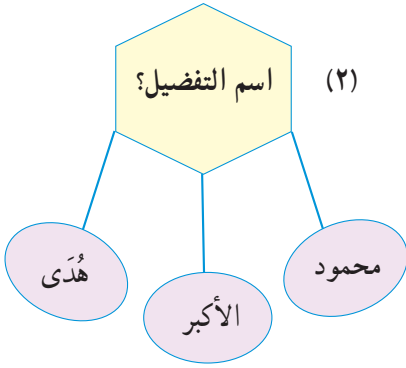
٢-

٣-

٤-



إِتَّخِبِ الصَّحِيحَ مِنْ كُلِّ شَكْلِ وَ اجْعَلْهُ فِي الْمَكَانِ الْمُنَاسِبِ :



قال الإمام عليّ (ع): ١ ٢ ٣ ٤ ٥ ٦

امیدهای آینده

- مراسم بزرگداشت روز دانش‌آموز در مدرسه برگزار می‌شود.
- چرا آن روز را روز دانش‌آموز می‌نامیم؟
- روز دانش‌آموز، روز شهادت گروهی از دانش‌آموزان است.
- دانش‌آموزان امیدهای آینده هستند.
- آری، آینده کشور به دست دانش‌آموزان است.
- آیا می‌دانی وظیفه ما چیست؟
- وظیفه ما درس خواندن و ساختن میهنی مستقل است^۱.

التمرین السادس

أُغْرِبَ مَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطٍّ:

۱- ﴿فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ﴾

۲- ﴿يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَىٰ﴾

۳- «الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَجَنَّةُ الْكَافِرِ»

۱- امیدهای آینده: آمال المستقبل، مراسم بزرگداشت: مراسيم التكریم، برگزار می‌شود: تَنَعَّقِدُ، می‌نامیم:

نُسَمِّي، شهادت: استشهاد، گروهی: جماعه، آینده کشور: مستقبل البلاد، وظیفه: وظیفه، واجب،

درس خواندن: الدَّرَاسَة، ساختن: بناء، میهن: وطن

برای ترجمه متن گاهی ناگزیر هستیم از فرهنگ لغت استفاده کنیم.
فرهنگ‌های زبان عربی معمولاً به یکی از دو روش زیر تدوین می‌شوند:
الف) برحسب ریشه: در این گونه فرهنگ‌ها کلمات برحسب ریشه و حروف اصلی آن‌ها تقسیم‌بندی می‌شوند و سپس مشتقات آن کلمات در پی می‌آیند. به عنوان مثال برای یافتن «استَعْلَمَ» باید به «عَلِمَ» مراجعه کنیم، مانند:

عَلِمَ : دانست.

أَعْلَمَ : فهماند، خبر داد.

تَعَلَّمَ : یاد گرفت.

استَعْلَمَ : پرسید، جویای خبر شد.

ب) برحسب ترتیب حروف: در این گونه فرهنگ‌ها کلمات فقط برحسب ترتیب قرارگرفتن حروف تقسیم‌بندی می‌شوند، مانند:

استَعْلَمَ : پرسید، جویای خبر شد.

أَعْلَمَ : فهماند، خبر داد.

تَعَلَّمَ : یاد گرفت.

عَلِمَ : دانست.

للترجمة

إِنَّ أَشْعَةَ الشَّمْسِ تُحَوِّلُ الْمَاءَ بُخَاراً يَتَصَاعَدُ فِي الْجَوِّ فَيُكَوَّنُ سَحَاباً هُنَاكَ، وَ
بُرُودَةُ الْجَوِّ تُحَوِّلُ السَّحَابَ إِلَى نُقْطِ مَاءٍ فَتَسَاقُطُ عَلَى الْأَرْضِ مَطَرًا يُنْعِشُ النَّبَاتَ
وَالْحَيَوَانَ وَالْبَشَرَ.

اِقْرَأِ الْعِبَارَاتِ ثُمَّ تَرْجِمْنَهَا إِلَى الْفَارْسِيَّةِ بِعِبَارَاتٍ مَأْلُوفَةٍ:

* لَا تَرَى الْجَاهِلَ إِلَّا مُفْرِطًا أَوْ مُفَرِّطًا.

* أَوْضَعَ الْعِلْمَ مَا وَقَفَ عَلَى اللِّسَانِ وَارْفَعَهُ مَا ظَهَرَ فِي الْجَوَارِحِ وَالْأَرْكَانِ.

* الصَّبْرُ صَبْرَانِ صَبْرٌ عَلَى مَا تَكْرَهُ وَصَبْرٌ عَمَّا تُحِبُّ.

مُفْرِطٌ: افراط‌گر، کسی که در کاری

زیاده‌روی کند

مُفَرِّطٌ: تفریط‌گر

أَوْضَعَ: پایین‌ترین، کم‌ارزش‌ترین

أَرْفَعَ: بالاترین

الْجَوَارِحُ: اعضای بدن

الْأَرْكَانُ: دست و پا

الف) در کدام آیه دو مفهوم با هم مقایسه نشده اند:

- ۱- ﴿هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ﴾ (الحديد / ۳)
- ۲- ﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (الزمر / ۹)
- ۳- ﴿فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ (النساء / ۹۵)

ب) نوع اعراب کدام کلمه مشخص شده، درست بیان نشده است:

محلی

- ۱- ﴿وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَى...﴾ (الواقعة / ۶۲)

شما از آفرینش نخست آگاهید.

ظاهری

- ۲- ﴿تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى﴾ (المائدة / ۲)

در نیکوکاری و تقوی همکاری کنید.

محلی

- ۳- ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ (الحمد / ۵)

تنها تو را عبادت می کنیم و تنها از تو یاری می جوئیم.

الدّرس السّادس

إعراب الفعل المضارع (١)

چه فرقی بین دو گروه از اسم‌ها می‌بینید؟

المعلّم
السّماء - حقّ
قلمّ

ذلك
هذه - أنت
الَّذي

کدام یک از دو گروه، معرب و کدام یک مبنی است؟

آیا می‌دانید به چه کلمه‌ای معرب گفته می‌شود؟

آیا فعل‌ها نیز برای خود معرب و مبنی دارند؟

کدام یک از فعل‌ها «معرب» و کدام یک «مبنی» هستند؟



دانستیم که

ماضی	مضارع	امر
مبنی	معرب (به جز دو صیغه جمع مؤنث)	مبنی

حال اگر فعل مضارع معرب باشد چه انتظاری از آن دارید؟ کدام مورد نادرست است؟

علامت‌های اعراب
را بپذیرد. ☐

مانند کلمات معرب، اعراب
آخر آن متغیّر باشد. ☐

علامت اعراب آن ثابت
باشد و تغییر نکند. ☐

حالت رفع و نصب و ...
داشته باشد. ☐

فعل مضارع از جهت اعراب بر سه نوع است :

- ۱- مضارع مرفوع،
- ۲- مضارع منصوب،
- ۳- مضارع مجزوم ؛

و هریک برای خود علامت‌های خاصی دارد.

مضارع مرفوع و علامت‌های آن

شاید تا به حال بارها فعل مضارع را به کار برده باشید.
فعل مضارع در حالت عادی مرفوع است.

خوب است نگاهی به صیغه‌های مختلف این فعل داشته باشیم.

يَكْتُبُ تَكْتُبُ
تَكْتُبَانِ تَكْتُبِينَ
يَكْتُبُونَ تَكْتُبِينَ

يَكْتُبُ أَكْتُبُ
تَكْتُبُ نَكْتُبُ

این فعل‌ها بعد از ضمائر «ا - و - ی»
دارای «نون اعراب» هستند.

آیا ثبوت نون اعراب نیز علامت رفع است؟

آخر این فعل‌ها ضمه دارد.

ضمه علامت رفع است.

آری ثبوت «نون اعراب» علامت

فرعی؟

اصلی؟

رفع است.

و می‌دانیم که «ضمه» علامت

فرعی؟

اصلی؟

رفع است.

علامت‌های
رفع در فعل
مضارع

رفع مضارع با یکی از دو علامت زیر نشان داده می‌شود:

اصلی «اُ»: يَذْهَبُ - تَذْهَبُ

فرعی «ثبوت نون اعراب»:

يَذْهَبَانِ - تَذْهَبُونَ - تَذْهَبِينَ

مضارع منصوب و علامت‌های آن

همان‌طور که دانستیم فعل مضارع در حالت عادی مرفوع است مگر این که بعد از عوامل خاصی قرار بگیرد.

به مثال‌های زیر توجه کنید:

﴿فَاصْبِرُوا حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ...﴾

﴿نَطْمَعُ أَنْ يُدْخِلَنَا رَبُّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ﴾

فعل‌های مضارع را پیدا کنید.

آیا علامت‌های رفع مضارع را می‌یابید؟

علامت «رفع» در کدام یک از فعل‌ها وجود ندارد؟

چه حروفی قبل از فعل‌هایی که علامت رفع ندارند، آمده است؟



گاهی حروفی قبل از فعل مضارع می‌آید و آن را منصوب می‌سازد.

«أَنْ، لَنْ، كَيْ و نِيز حَتَّى و لِ»

«که»، «هرگز»، «تا این که»، «تا، تا این که»، «برای، برای این که»

به کاربرد این حروف دقت کنید :

أَنْ يَذْهَبَا	يَذْهَبَانِ
لَنْ تَذْهَبَا	تَذْهَبَانِ
لَنْ يَذْهَبُوا	يَذْهَبُونَ
حَتَّى تَذْهَبُوا	تَذْهَبُونَ
لِتَذْهَبِي	تَذْهَبِينَ

با آمدن حروف ناصبه علامت
رفع «نون اعراب» حذف شد.

پس «حذف نون اعراب» علامت

فرعی؟

اصلی؟

نصب است.

أَنْ يَذْهَبَ	يَذْهَبُ
لَنْ تَذْهَبَ	تَذْهَبُ
حَتَّى أَذْهَبَ	أَذْهَبُ
لِنَذْهَبَ	نَذْهَبُ

با آمدن حروف ناصبه **ضمه** به
فتحه تبدیل شد.

و می دانیم که **فتحه** علامت

فرعی؟

اصلی؟

نصب است.

می گویند.

حروف ناصبه

به این حروف که باعث منصوب شدن فعل مضارع می شوند

**علامت های
نصب در فعل
مضارع**

نصب مضارع با یکی از دو علامت نشان داده می شود :

اصلی « َ » : أَنْ يَذْهَبَ، لَنْ تَذْهَبَ

فرعی «حذف نون اعراب» : أَنْ يَذْهَبَا، لَنْ تَذْهَبُوا

الضَّيْفُ

ذَهَبَ رَجُلٌ إِلَى بَيْتِ صَدِيقِهِ وَبَقِيَ عِنْدَهُ أَيَّاماً مُتَوَالِيَةً حَتَّى ضَجَرَ صَاحِبُ الْبَيْتِ مِنْ إِقَامَتِهِ فَفَكَّرَ فِي حِيلَةٍ لِيَتَخَلَّصَ مِنْهُ. فَأَقْتَرَحَ عَلَى ضَيْفِهِ أَنْ يَتَسَابَقَا فِي الْقَفْزِ غَدًا حَتَّى يَعْرِفَا مَنْ الْفَائِزُ؟ فَقَالَ لَوْلَدِهِ :

عِنْدَمَا يَقْفِزُ الضَّيْفُ إِلَى خَارِجِ الْبَيْتِ، أَغْلِقِ الْبَابَ.
صَبَاحَ الْغَدِ عِنْدَ السَّبَاقِ، قَفْزَ صَاحِبُ الْبَيْتِ ذِرَاعَيْنِ إِلَى خَارِجِ الْبَيْتِ أَمَّا الضَّيْفُ فَقَفْزَ ذِرَاعاً وَاحِدةً إِلَى دَاخِلِ الْبَيْتِ!
فَقَالَ صَاحِبُ الْبَيْتِ : أَنَا الْفَائِزُ، ذِرَاعَانِ مُقَابِلَ ذِرَاعٍ وَاحِدَةٍ! فَقَالَ الضَّيْفُ :
ذِرَاعٌ وَاحِدَةً إِلَى دَاخِلِ الْبَيْتِ خَيْرٌ مِنْ ذِرَاعَيْنِ إِلَى الْخَارِجِ.

الْحَاكِمُ الظَّالِمُ وَ الشَّيْخُ الْمَجْنُونُ

ذَاتَ يَوْمٍ خَرَجَ الْحَجَّاجُ بْنُ يُوسُفَ لِيَتَنَزَّهَ فَصَادَفَ شَيْخاً فَسَأَلَهُ :
— مِنْ أَينَ أَنْتَ يَا شَيْخُ؟
— مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ.
— مَا رَأَيْتُكَ فِي الْحَجَّاجِ؟
— هُوَ أَظْلَمَ الْحُكَّامِ. سَوَّدَ اللَّهُ وَجْهَهُ وَأَدْخَلَهُ النَّارَ!
— أَتَعْرِفُ مَنْ أَنَا؟

أنا الحجاج.

— أنا فداك. وَ هَلْ تَعْرِفُ مَنْ أَنَا؟

أنا رَجُلٌ مِنْ هَذِهِ الْقَبِيلَةِ. أُصْبِحُ مَجْنُونًا كُلَّ يَوْمٍ مَرَّةً فِي مِثْلِ هَذِهِ السَّاعَةِ!!

أجب عن الأسئلة التالية:

١- ما اقترحَ صاحبُ البيتِ على ضيفه؟

٢- إلى أين قَفَزَ الضَّيْفُ؟

٣- ما كَانَ رأيُ الشيخِ في الحجاج؟

٤- ماذا قالَ الرجلُ حينَ عَرَفَ الحجاجَ؟

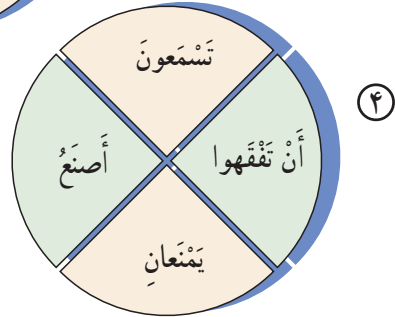
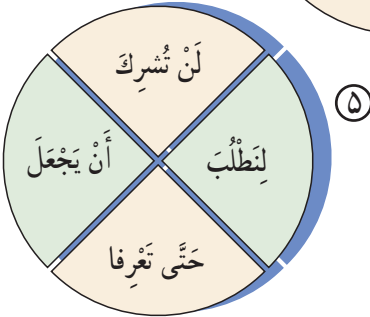
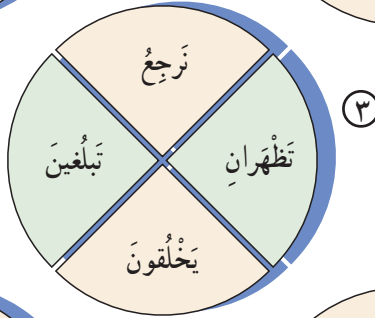
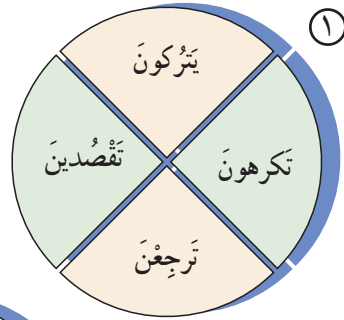
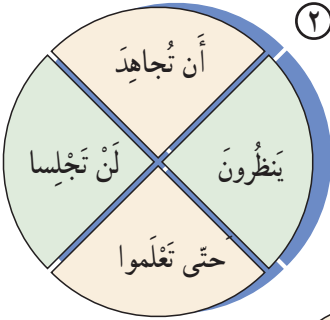
التمرين الأول

ترجم ما بين القوسين إلى العربية ثم أجعله في الفراغ:

- ١- نُجَاهِدُ فِي سَبِيلِ الْحَقِّ (تا پیروز شویم : انتصر)
- ٢- الْمُؤْمِنُونَ فِي الْأَكْلِ وَالشُّرْبِ. (اسراف نخواهند کرد : أسرف)
- ٣- أَنْتِ اللَّهُ عَلَى نِعَمِهِ. (سیاسگزارى مى کنى : شَكَرُ)

التمرين الثاني

في كل شكل فعل واحد يُخْتَلَفُ عَنْ بَقِيَّةِ الْأَفْعَالِ، عَيِّنْ ذَلِكَ وَادْكُرْ وَجْهَ الْاِخْتِلَافِ:



التمرين الثالث

عَيِّن الأفعال المضارعة و إعرابها في الجمل الآتية:

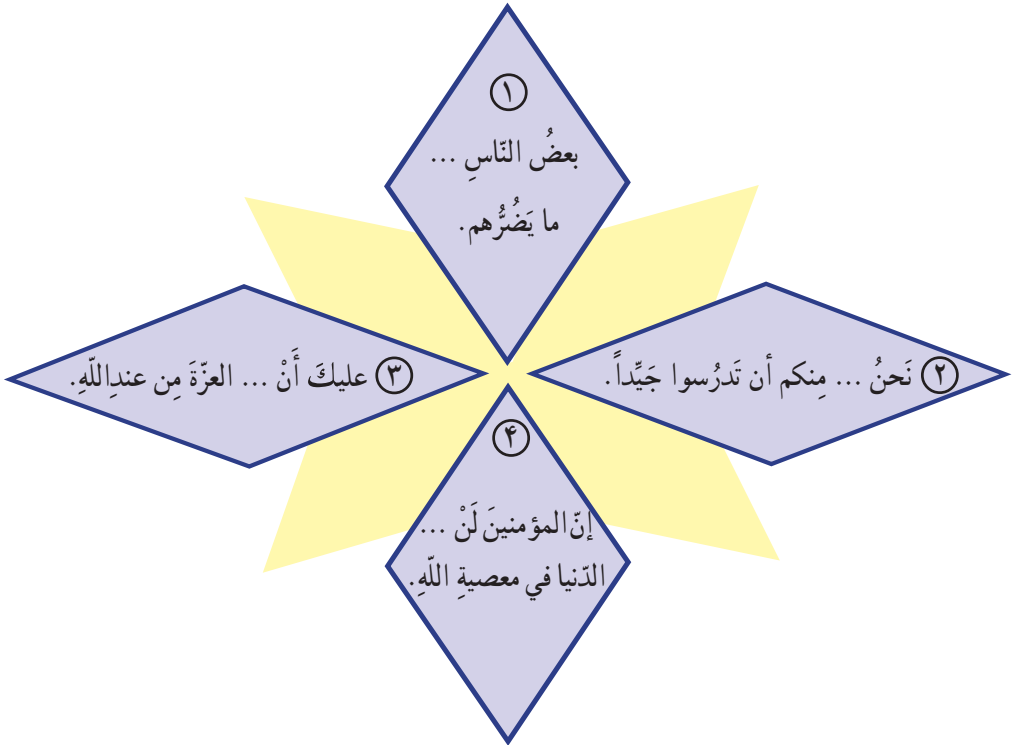
١- أمر الله المسلمين أَنْ يَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى.

٢- اللَّهُمَّ أَسْأَلُكَ أَنْ تُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ.

٣- الدَّهْرُ يُخْلِقُ الْأَبْدَانَ وَ يُجَدِّدُ الْأَمَالَ.

التمرين الرابع

أَكْمِلِ الْفَرَاقَاتِ بِفَعْلِ مُضَارِعٍ مُنَاسِبٍ مِنْ «طَلَبَ ؕ»:



التمرين الخامس

للإعراب و التحليل الصرفي:

«لا يَعدِمُ الصَّبْرُ الظَّفَرَ»

— فعل مضارع هرگاه با یکی از ادوات ناصبه «أَنْ، كَيْ، حَتَّى، لِ» به کار رود معادل مضارع التزامی زبان فارسی ترجمه می گردد :

أَنْ يَكْتُبَ : بنویسد، که بنویسد. كَيْ يَذْهَبُوا : بروند، برای این که بروند.
و هرگاه با «لَنْ» به کار رود معادل مستقبل منفی فارسی ترجمه می گردد :

لَنْ يَذْهَبَ : نخواهد رفت.

صَحَّحَ مَا تَرَاهُ مِنَ الْأَخْطَاءِ فِي تَرْجُمَةِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:

۱- ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾

هرگز به نیکی دست نیافتید مگر از آن چه برای خود دوست داشتید انفاق کرده باشید.

۲- ﴿فَاصْبِرُوا حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ﴾

صبر کنید، خداوند میان ما داوری می کند و او بهترین داوران است.

۳- «مِنْ أَخْلَاقِ الْجَاهِلِ : الْإِجَابَةُ قَبْلَ أَنْ يَسْمَعَ وَ الْمُعَارَضَةُ قَبْلَ أَنْ يَفْهَمَ وَالْحُكْمُ بِمَا لَا يَعْلَمُ».

از خصلت های نادان این است که : قبل از آن که می شنود پاسخ می گوید و قبل از آن

که می فهمد مخالفت می کند و درباره آن چه نمی داند داوری می کند.

إِقرأ العبارات ثُمَّ تَرجمها إلى الفارسیّة بِعباراتٍ مألوفةٍ:

* لَا تَصْحَبِ المائِقَ فَإِنَّهُ يُزَيِّنُ لَكَ فِعْلَهُ وَ يَوَدُّ أَنْ تَكُونَ مِثْلَهُ.

* الكلامُ فِي وِثاقِكَ ما لَمْ تَتَكَلَّمْ بِهِ فَإِذا تَكَلَّمْتَ بِهِ صِرْتَ فِي وِثاقِهِ فَأُخْزِنُ لِسانَكَ كما تَخْزِنُ ذَهَبَكَ.

وِثاق : بند	لَا تَصْحَبْ : هم نشینی نکن
صِرْتَ : می شوی	المائق : احمق
أُخْزِنُ : نگه دار	يَوَدُّ : دوست دارد

کدام جمله مفهوم صحیح آیه را می‌رساند؟

الف) ﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا... لَتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَ

الْحِسَابَ﴾ (یونس / ۵)

۱- خورشید منشأ روشنایی ماه است. ☐

۲- خورشید و ماه پایه و اساس تقویم نگاری هستند. ☐

ب) ﴿لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ﴾ (یس / ۴۰)

۱- بر عالم آفرینش، نظم حکم فرما است. ☐

۲- شب و روز از حرکت خورشید و ماه بوجود آمده است. ☐

ج) ﴿فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ. وَخَسَفَ الْقَمَرُ. وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ﴾ (القیامة / ۷-۹)

۱- خسوف و کسوف ماه و خورشید را بیان می‌کند. ☐

۲- حوادث روز قیامت را بیان می‌کند. ☐

کدام عبارت برای معنی آیه مناسب است؟

الف) ﴿كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا﴾ (الأعراف / ۳۱)

۱- بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید. ☐

۲- خوردند و آشامیدند و اسراف نکردند. ☐

ب) ﴿إِنَّكَ لَنْ تَخِرْقَ الْأَرْضَ﴾ (الإسراء / ۳۷)

۱- به‌راستی که تو زمین را نشکافتی (کنایه از مغرور نشدن). ☐

۲- به‌راستی که تو زمین را نخواهی شکافت (کنایه از تکبر نورزیدن). ☐

ج) ﴿أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ﴾ (النور / ۲۲)

۱- آیا دوست ندارید که خداوند شما را ببامرزد؟ ☐

۲- آیا دوست دارید خداوند شما را ببامرزد؟ ☐

إعراب الفعل المضارع (٢)

مضارع مجزوم و علامت‌های آن

«لَا تَحْزَنْ، إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا»

آیا این فعل را به خاطر می‌آورید؟ و می‌توانید آن را معنا کنید.

دانستیم:

اگر بخواهیم شخصی را از عملی بازداریم از مفهوم نهی استفاده می‌کنیم.
آیا روش ساختن نهی را از فعل مضارع به یاد دارید؟

نهی	←	مضارع	+	لا نهی
لَا تَحْزَنْ		تَحْزَنْ		لا

با آمدن «لا»ی نهی، آخر فعل ساکن شد که این سکون علامتی برای جزم است.

در این حالت به [لا ← حرف ناهیه جازمه] می‌گویند.
[فعل مضارع ← فعل مضارع مجزوم]

حروف دیگری نیز وجود دارند که مانند «لا»ی نهی عمل می‌کنند. که عبارتند از «لَمَّا، لَمْ، لام امر».

دقت کنید:

لَمْ يَكْتُبَا
لَمَّا تَكْتُبِي
لِيَكْتُبُوا

علامت جزم این
فعل‌ها مانند نصب
آن‌ها است یعنی
چگونه است؟

اصلی؟
فرعی؟

لَمْ يَكْتُبْ
لَمَّا تَكْتُبْ
لِيَكْتُبْ

علامت جزم
این فعل‌ها
سکون است.

اصلی؟
فرعی؟

علامت‌های
جزم در فعل
مضارع

جزم مضارع معمولاً با یکی از دو علامت زیر نشان داده می‌شود :
[اصلی « َ » : لَمْ يَذْهَبْ ، لَا تَذْهَبْ
فرعی «حذف نون اعراب» : لَمْ يَذْهَبَا ، لَا تَذْهَبُوا]

به این عبارت از

زبان فارسی توجه کنید :

اگر درس بخوانی ، موفق می‌شوی .

○ در این عبارت چند فعل وجود دارد؟

○ آیا با یک فعل معنای آن کامل می‌شود؟

○ عبارت فوق با چه کلمه‌ای آغاز شده است؟

○ آیا موفق شدن قطعی است یا مشروط؟



بدانیم

به چنین جملاتی که وقوع آن مشروط باشد

جملات شرطی

می‌گویند. جملات شرطی دارای ۳ رکن است :

جواب شرط

فعل شرط

ادوات شرط

موفق می‌شوی

درس بخوانی

اگر

آیا در زبان عربی هم جملات شرطی وجود دارند؟

شاید به راحتی
بتوانید مثال‌هایی مانند
جملهٔ بالا از زبان
فارسی بیابید.

إِنْ تَدْرُسْ ، تَنْجَحْ .

به معادل جمله
شرطی بالا در زبان
عربی دقت کنید.

کلماتی که در آغاز جمله‌های شرطیه می‌آیند «ادوات شرط» نامیده می‌شوند،

مانند: **إِنْ، مَنْ، مَا، أَيْنَمَا**

«اگر» «هرکه» «هرچه» «هرجا»

اکنون به کاربرد ادوات شرط نظری می‌افکنیم

﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ﴾

﴿وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمْهُ اللَّهُ﴾

مَنْ يَزْرَعْ شَرًّا يَحْصُدْ نَدَامَةً.

- در هر عبارت چند فعل وجود دارد؟ یک فعل ○ دو فعل ○ سه فعل
- این فعل‌ها چه نوع فعل‌هایی هستند؟ ماضی ○ امر ○ مضارع
- آیا ادوات شرط تأثیری در اعراب فعل‌ها داشته است؟
- آری ○ خیر
- اعراب فعل‌ها چگونه است؟ مرفوع ○ منصوب ○ مجزوم

ادوات شرط از کلمات جازمه‌ای هستند

که دو فعل مضارع بعد از خود را مجزوم

می‌کنند. اولی به عنوان **فعل شرط** و دومی

به عنوان **جواب شرط**.

❓ اگر فعل شرط یا جواب شرط ماضی باشد

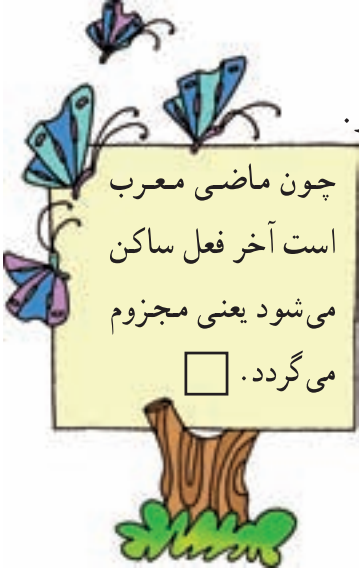
کدام یک از دو حالت رخ می دهد؟

إِنْ صَبَرْتُ، أَدْرَكَتْ بِصَبْرِكَ مَنَازِلَ الْأَبْرَارِ.

چون ماضی مبنی است
حرکت آن تغییر نمی کند
بنابراین محلاً مجزوم
است. ☐



چون ماضی معرب
است آخر فعل ساکن
می شود یعنی مجزوم
می گردد. ☐



❗ یکی از موارد جزم فعل مضارع زمانی است که در جواب طلب (امر، نهی و ...)

بیاید :

أَدْرُسُ تَنْجَحُ : درس بخوان تا موفق شوی.

فعل طلبی جواب طلب

لَا تَكْذِبُ يُخْبِتُكَ اللَّهُ : دروغ نگو تا خدا تو را دوست بدارد.

فعل طلبی جواب طلب

إِنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ

اجْتَمَعَ قَوْمٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ حَوْلَ نَبِيِّهِمْ فَقَالُوا :
يَا نَبِيَّ اللَّهِ! إِنَّ الْعَدُوَّ أَخْرَجَنَا مِنْ بِلَادِنَا وَدِيَارِنَا. ﴿۱﴾ ابْعَثْ لَنَا مَلِكًا يُقَاتِلُ فِي
سَبِيلِ اللَّهِ ﴿۲﴾

قال النبي : إِنِّي أَعْلَمُ إِنَّ يَكْتُمُ اللَّهُ عَلَيْكُمُ الْقِتَالَ فَإِنَّكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ .
القوم : لِمَاذَا لَا نُقَاتِلُ أَعْدَاءَنَا ، لَقَدْ أَخْرَجُونَا مِنْ بِلَادِنَا وَدِيَارِنَا .

فَلَمَّا كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْقِتَالَ أَعْرَضَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ وَ لَمْ يُقَاتِلُوا .

قال النبي : ﴿۳﴾ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا ﴿۴﴾

القوم : كَيْفَ يُمَكِّنُ أَنْ يَكُونَ طَالُوتُ مَلِكًا عَلَيْنَا وَ هُوَ فَقِيرٌ لَا يَمْلِكُ شَيْئًا .

فَتَبَاحَثُوا كَثِيرًا فَلَمْ يَتَّبِعْ طَالُوتَ إِلَّا قَلِيلٌ مِنْهُمْ .

فِي سَاحَةِ الْقِتَالِ عِنْدَمَا شَاهَدُوا كَثْرَةَ أَعْدَائِهِمْ وَ قِلَّةَ عَدَدِهِمْ طَلَبُوا مِنَ اللَّهِ أَنْ

يُثَبِّتَ أَقْدَامَهُمْ وَ قَالُوا : ﴿۵﴾ انْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿۶﴾

وَ قَالَ الْمُؤْمِنُونَ مِنْهُمْ : إِنْ تَصْبِرُوا تَتَغَلَّبُوا عَلَيْهِمْ . فَقَاتَلُوهُمْ بِشِدَّةٍ وَ هَزَمُوهُمْ .

كَمَا قَالَ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى : ﴿۷﴾ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ ﴿۸﴾

طريق المودة

نَصَحَ أَحَدُ الْحُكَمَاءِ ابْنَهُ قَائِلًا :

يَا بُنَيَّ! أَحْبَبْ قَوْمَكَ يُحِبُّوكَ وَ تَوَاضَعْ لَهُمْ يَرْفَعُوكَ وَ ابْسُطْ لَهُمْ وَجْهَكَ يَحْتَرِمُوكَ

وَأَكْرَمُ صِغَارِهِمْ - كَمَا تُكْرِمُ كِبَارَهُمْ - يُكْرِمُكَ كِبَارُهُمْ وَيَكْبُرُ عَلَى مَوَدَّتِكَ صِغَارُهُمْ
وَإِبْذُلْ مَالَكَ وَأَعِزِّزْ جَارَكَ فَبِذَلِكَ تَنْبُتُ لَكَ سَيَادَتُكَ.

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ:

- ١- مَا قَالَ بَنُو إِسْرَائِيلَ لِنَبِيِّهِمْ؟
- ٢- هَلْ قَبِلَ النَّاسُ طَالُوتَ مَلِكاً عَلَيْهِمْ؟ وَلِمَاذَا؟
- ٣- مَا كَانَ سَبَبُ انتِصَارِ الْمُؤْمِنِينَ؟
- ٤- كَيْفَ تَنْبُتُ السِّيَادَةُ؟

التمرين الأول

إِسْتَخْرِجْ مِنَ النَّصِّ الْأَوَّلِ ثَلَاثَةَ أَفْعَالٍ مُضَارَعَةٍ ثُمَّ أَعْرِبْهَا.

التمرين الثاني

عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ لِلْأَسْئَلَةِ وَفَقًّا لِمَاجَاءِ فِي النَّصِّ:

١- مَيِّزْ إِعْرَابَ «قَوْمٌ» :

(الف) خبر مفرد (ب) فاعل

(ج) مبتدأ (د) مفعول به

٢- كَمْ مَعْرِفَةً فِي آيَةِ ﴿إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلَكًا﴾؟

(الف) ١ (ب) ٢ (ج) ٣ (د) ٤

٣- عَيِّنِ الْخَطَأَ عَنِ «طَالُوتَ» :

(الف) معرب (ب) جامد (ج) عَلِمَ (د) منصرف

٤- عَيِّنِ الْمَفْعُولَ بِهِ فِي عِبَارَةِ «فَلَمَّا كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْقِتَالَ أَعْرَضَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ وَ لَمْ

يُقَاتِلُوا» :

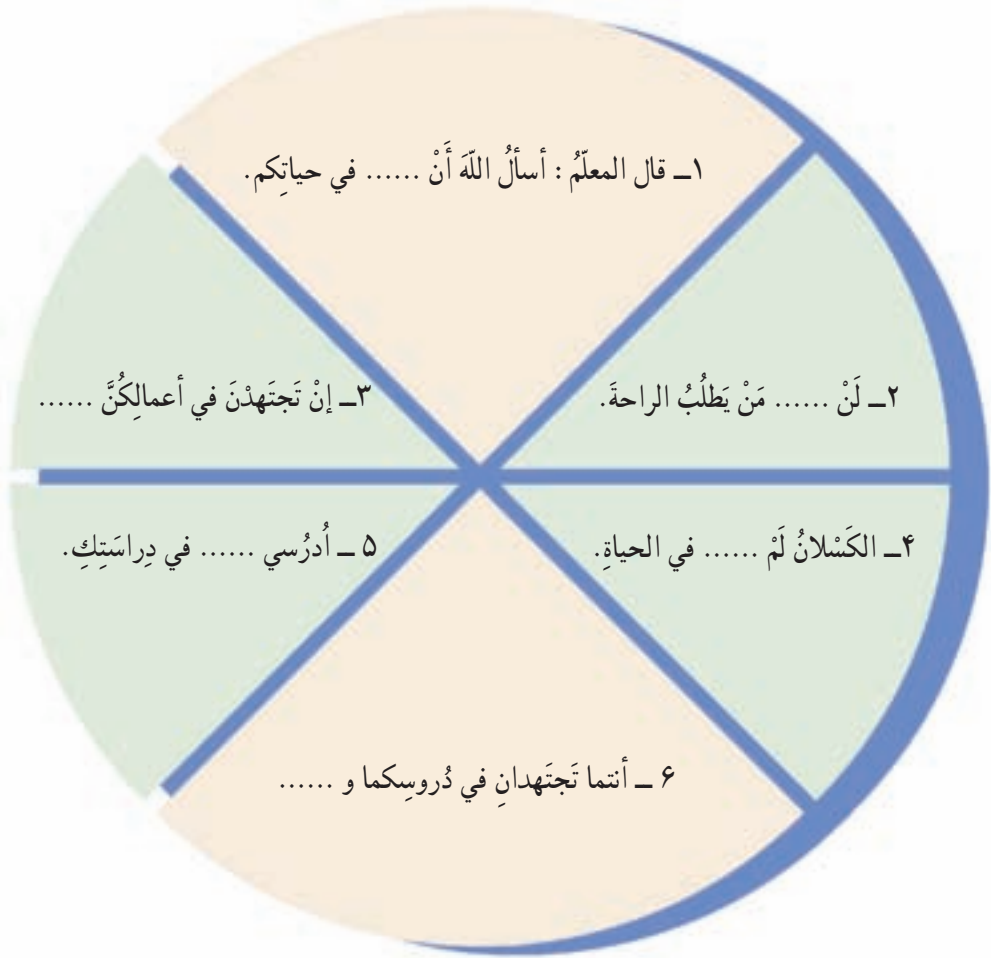
(الف) الله (ب) الْقِتَالَ (ج) كَثِيرٌ (د) هُم

٥- مَا نَوْعُ الْإِعْرَابِ فِي «تَتَغَلَّبُوا»؟

(الف) فرعي (ب) تقديري (ج) محلي (د) أصلي

التدريب الثالث

أكمل الفراغ بفعلٍ مضارعٍ مناسبٍ من «نَجَحَ»:



التدريب الرابع

للإعراب و التحليل الصّرفي:

« تَوَاضَعَ يَرْفَعُكَ اللهُ »

إِقرأ النَّصَّ التَّالِيَّ وَ تَرَجِّمهُ ثُمَّ صَحِّحِ الأَخْطَاءَ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطٍّ:

الجُود

خَرَجَ رَجُلٌ مَعَ ابْنِهِ إِلَى الصَّحْرَاءِ وَ هُمَا يُرِيدَانِ أَنْ يَصِيدَا فَنَزَلَا عِنْدَ رَجُلٍ. كَانَ لَهُذَا الرَّجُلِ غَنَزَةٌ فَذَبَحَهُ لَهُمَا فَأَكَلَا مِنْهَا.

عِنْدَمَا أَرَادَ الضَّيْفُ أَنْ يَتْرُكَ الرَّجُلَ قَالَ لِابْنِهِ: إِدْفَعْ لَهُ مِائَةَ دِينَارٍ فَقَالَ وَلَدُهُ: هُوَ فَقِيرٌ يَقْنَعُ بِالْقَلِيلِ. فَأَجَابَ: أَنَا لَا أَقْبَلُ أَنْ أُدْفَعَ لَهُ الْقَلِيلَ لِأَنَّهُ ذَبَحَ لَنَا كُلَّ مَا كَانَ عِنْدَهُ.

للتعريب:

تلاش رمز موفقیت است

- رمز موفقیت تو در درس چیست؟
- من تلاش می کنم. هر کس تلاش کند موفق می شود.
- آیا مرا در درس ها کمک می کنی؟
- البته، با کمال میل.
- سپاسگزارم. دوست دارم که در همه درس ها قبول شوم.
- چه وقت شروع کنیم؟
- امروز
- بسیار خوب، من در خدمت شما هستم.
- متشکرم.^۱

۱- تلاش: الاجتهاد - رمز موفقیت: سَر النَّجَاح - کمک می کنی: تُسَاعِدُ - البته: طَبَعاً - با کمال میل: بِكُلِّ سُرُورٍ (بكل رغبة) - قبول شوم: أَنْ أَنْجَحَ - بسیار خوب: جَيِّدٌ جَدًّا - خدمت شما: خِدْمَتُكَ

— فعل مضارع مجزوم به «لم» معمولاً معادل ماضی منفی است :

لم یکتُبْ = ما کَتَبَ : ننوشت لم یذهبوا = ما ذهبوا : نرفتند

لم یتکاسلنْ = ما تکاسلنَ : تنبلی نکردند.

— فعل شرط و جواب شرط هرگاه ماضی باشند معمولاً معنای مضارع می دهند :

﴿إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ﴾ : اگر نیکی کنید، به خود نیکی می کنید.

— فعل مضارع مجزوم به لام امر مانند مضارع التزامی فارسی ترجمه می شود :

لِيَنْهَضْ : باید برخیزد لِيَعْلَمُوا : باید بدانند

لِنَذْهَبْ : باید برویم

صَحَّحْ مَا تَرَاهُ مِنَ الْأَخْطَاءِ فِي تَرْجُمَةِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:

۱- ﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا﴾

اعراب گفتند : ما ایمان می آوریم، بگو شما ایمان نمی آورید بلکه بگویید اسلام می آوریم.

۲- لِيَكُنْ أَحَبُّ الدَّخَائِرِ إِلَيْكَ ذَخِيرَةُ الْعَمَلِ الصَّالِحِ.

محبوب ترین توشه ها در نزد تو توشه کار نیک است.

۳- مَنْ ظَلَمَ عِبَادَ اللَّهِ كَانَ اللَّهُ حَصْمَهُ.

هرکس به بندگان خدا ستم کرد، خداوند دشمن او بود.

إِقْرَأِ الْعِبَارَاتِ ثُمَّ تَرْجِمُهَا إِلَى الْفَارْسِيَّةِ بِعِبَارَاتٍ مَأْلُوفَةٍ:

* يَا بُنَيَّ أَحِبِّ لِعَیْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَأَكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لَهَا وَلَا تُظْلَمْ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ وَأَحْسِنْ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ وَاسْتَقْبَحْ مِنْ نَفْسِكَ مَا تَسْتَقْبَحُ مِنْ غَيْرِكَ.

* وَأَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ تَكُنْ مِنْ أَهْلِهِ وَأَنْكِرِ الْمُنْكَرَ بِيَدِكَ وَلِسَانِكَ وَبَايْنُ فِعْلُهُ.

يُحْسَنَ إِلَيْكَ: به تو نیکی شود

إِسْتَقْبَحَ: ناپسند بدار

بَايْنُ: دور شو

أَنْ تُظْلَمَ: مورد ستم واقع شوی

۱- با انتخاب کلمه مناسب ترجمه آیات زیر را کامل کنید.

الف ﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾ (الطلاق / ۳)

و به خدا توکل کند خدا او را کفایت می کند.

هر کس

چه کسی

ب ﴿إِنْ تَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً يُّضَاعِفْهُ لَكُمْ﴾ (التغابن / ۱۷)

..... به خداوند وامی نیکو دهید خداوند آن را برای شما دو برابر می کند.

که

اگر

ج ﴿وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾ (آل عمران / ۹۲)

..... انفاق کنید پس خداوند به آن آگاه است.

هر آن چه

اگر

۲- آیات زیر را با فعل مناسب کامل کنید.

الف ﴿وَمَا ... مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾ (البقرة / ۲۱۵)

و هر آن چه را از کار نیک انجام دهید خداوند بی شک به آن آگاه است.

تَفْعَلُونَ

تَفْعَلُوا

ب ﴿فَاذْكُرُونِي ... كُمْ﴾ (البقرة / ۱۵۲)

پس مرا یاد کنید تا من نیز شما را یاد کنم.

أَذْكُرُ

أَذْكُرْ

ج ﴿فَمَنْ مَثَلُ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ﴾ (الزلزال / ۷)

و هر کس به وزن ذره ای نیکی کند آن را می بیند.

يَعْمَلُ

يَعْمَلْ

الدَّرْس الثامن

المبنيُّ للمعلوم و المبنيُّ للمجهول

هر روز در اطراف ما کارهای زیادی صورت می گیرد.
آیا ما از همه آن ها باخبریم و انجام دهنده آن ها را می شناسیم.



چه کسی کتاب را
خریداری می کند؟



چه کسی گل می کارد؟



چه کسی تدریس می کند؟

آیا مشخص است عمل تدریس، گل کاری و خرید کتاب را چه کسانی انجام می دهند؟



چه کسی نامه را
فرستاده است؟



چه کسی زنگ را می زند؟



چه کسی تابلو را نقاشی
کرده است؟

آیا می دانید عمل نقاشی کردن، زنگ را به صدا درآوردن و فرستادن نامه را چه کسی
انجام داده است؟ آیا فاعل آن ها را می شناسید؟

چه تفاوتی بین فعل‌های گروه اول و گروه دوم وجود دارد؟ کدام مورد زیر نادرست است؟

گاهی فاعل را
نمی‌شناسیم.

فاعل کلمه‌ای است
که کار بر او واقع
می‌شود.

گاهی فاعل را
می‌شناسیم.

هر فعلی معمولاً
فاعلی دارد.

فعل‌ها از جهت فاعل بر دو نوع هستند.

۱- فعلی که فاعل و انجام‌دهنده آن مشخص است نام دارد.

۲- فعلی که فاعل و انجام‌دهنده آن نامشخص است نام دارد.

مَبْنِيّ لِلْمَجْهُول

مَبْنِيّ لِلْمَعْلُوم

چگونه و با چه علامت‌هایی می‌توان فعل مجهول را شناخت؟

؟

آیا می‌توانید فعل‌های مجهول را در جمله‌های زیر تشخیص دهید؟

درس داده می‌شود.

معلم درس می‌دهد.

نهالی کاشته شد.

باغبان نهالی کاشت.

کتابی خریده می‌شود.

دانش‌آموز کتابی می‌خرد.

در کدام قسمت فاعل و انجام‌دهنده کار «معلوم» است؟

در کدام قسمت فاعل و انجام‌دهنده کار «مجهول» است؟

چه تفاوتی میان فعل‌ها مشاهده می‌کنید؟

در زبان فارسی فعل‌ها را می‌توان با فعل کمکی «شدن» مجهول نمود.

در زبان عربی چگونه می توان فعل ها را مجهول ساخت؟

؟

روش مجهول نمودن فعل

مضارع

عين الفعل را فتحه می دهیم.

فقط حرف مضارعه را مضموم می کنیم.

يَخْلُقُ : می آفریند

يُخْلَقُ : آفریده می شود

يَحْتَرَمُ = احترام می کند

..... =

ماضی

عين الفعل را كسره می دهیم.

حروف متحرك ماقبل را مضموم می کنیم.

خَلَقَ : آفرید

خُلِيَ : آفریده شد

احْتَرِمَ = احترام کرد

..... =

بنابراین:

با مجهول شدن فعل و حذف فاعل آیا جمله ناقص نمی شود و معنی لطمه نمی خورد؟

دانستیم:

که فعل مجهول فعلی است که فاعل آن مجهول است و در جمله وجود ندارد.

اگر مدیر مدرسه در محل کار خود حاضر نباشد
چه کسی به جای او انجام وظیفه می کند؟





اگر خلبان هواپیما به عللی نتواند هواپیما را
هدایت کند چه کسی جانشین او می شود؟



اگر چرخ اتومبیلی پنجر شود آیا باید اتومبیل
را رها کرد؟

در جمله مجهول پس از حذف فاعل، باید کلمه دیگری را جانشین آن نمود تا فعل را به آن نسبت دهیم.
به نظر شما کدام یک از این کلمات جانشین فاعل (نایب فاعل) می شود؟

خبر

مفعول به

مبتدا

بنابراین برای مجهول کردن یک جمله مراحل زیر به ترتیب انجام می شود :

حذف فاعل	فاعل در جمله حذف می شود.	عَرَسَ	فَالَاخُ	شَجَرَةً	فِي الْحَدِيقَةِ.
		فعل	فاعل	مفعول به	جار و مجرور

تعیین نایب فاعل	مفعول به به عنوان نایب فاعل در جای فاعل قرار گرفته مرفوع می شود.	عَرَسَ فَالَاخُ شَجَرَةً فِي الْحَدِيقَةِ.	عَرَسَ شَجَرَةً فِي الْحَدِيقَةِ.
-----------------	--	---	-----------------------------------

تغییر حرکات و صیغه فعل	حرکات فعل متناسب با ماضی و یا مضارع بودن آن تغییر می کند و از نظر مذکر و مؤنث بودن با نایب فاعل مطابقت می کند.	عَرَسَتْ	شَجَرَةً	فِي الْحَدِيقَةِ.
		فعل مبني للمجهول	نائب فاعل	جار و مجرور

آیا می دانید چرا به **مفعول به** ← **نایب فاعل** گفته می شود؟

به سؤالات پاسخ دهید

۱ بعد از حذف فاعل چه کلمه ای جای آن را می گیرد؟

بعد از حذف فاعل فعل از چه کلمه ای تبعیت می کند؟

۲ چه کلمه ای اعراب فاعل را گرفته مرفوع می شود؟

.....

حال که بعد از حذف فاعل، مفعول به از جهت مکان، اعراب و تبعیت فعل و جنس، احکام فاعل را دارد شایسته است آن را جانشین فاعل یعنی «**نایب فاعل**» بنامیم.

آیا احکام دیگری نیز برای فاعل سراغ دارید؟ آیا انواع فاعل را به یاد می آورید؟

اسم ظاهر **كُتِبَ الدَّرْسُ**.

ضمیر بارز **الْأَعْدَاءُ قُتِلُوا فِي الْحَرْبِ**.

ضمیر مستتر **الْصَّدِيقُ يُعْرِفُ عِنْدَ الشَّدَائِدِ**. (هو)

انواع نایب فاعل

نایب فاعل
از جهت
نوع نیز مانند
فاعل است.

البوصيرِيّ

وُلِدَ الإمامُ شرفُ الدينِ مُحَمَّدُ البوصيرِيُّ في عام ١٦٠٨ هـ لِلهِجْرَةِ. سَكَنَ البوصيرِيُّ القُدْسَ و مَكَّةَ و المَدِينَةَ و مِصْرَ و افْتَتَحَ في مِصْرَ مَكْتَباً للقرآنِ الكريمِ. كَانَ البوصيرِيُّ فقيهاً و كاتباً و رياضياً و شاعراً ولكنّه عُرِفَ في الشعرِ و في مَدَحِ الرِّسُولِ خاصَّةً. و له قصيدةٌ في ١٨٠ بيتاً^٢ أَنشَدَهَا حينَمَا كَانَ فَالِجاً فَاسْتَشْفَعَ بِهَا إِلَى اللَّهِ لِإِعَافِيَةِ فَرَأَى فِي الْمَنَامِ النَّبِيَّ (ص) يَمْسُحُ عَلَى بَدَنِهِ بِيَدِهِ الْمُبَارَكَةِ ثُمَّ أَلْبَسَهُ بُرْدَةً فَعِنْدَمَا اسْتَيْقَظَ، شَعَرَ بِأَنَّهُ قَدْ سَلِمَ مِنْ هَذَا الْمَرَضِ فَحَمِدَ اللَّهَ عَلَى ذَلِكَ. تُوفِّيَ البوصيرِيُّ في القَاهِرَةِ و هو كَانَ في السَّادِسَةِ و الثَّمَانِينَ مِنْ عُمرِهِ. إِلَيْكَ بَعْضُ آيَاتٍ مِنْ قَصِيدَتِهِ «الْبُرْدَةُ» :

مُحَمَّدٌ سَيِّدُ الْكَوْنَيْنِ و النَّفْلَيْنِ —	نِ و الْفَرِيقَيْنِ مِنْ عُرْبٍ و مِنْ عَجَمٍ
نَبِيُّنَا الْآمِرُ النَّاهِي فَلَا أَحَدٌ	أَبَرَّ فِي قَوْلٍ «لَا» مِنْهُ و لَا «نَعَمٍ»
هُوَ الْحَبِيبُ الَّذِي تُرْجَى شَفَاعَتُهُ	لِكُلِّ هَوَلٍ مِنْ الْأَهْوَالِ مُقْتَحِمٍ
دَعَا إِلَى اللَّهِ فَالْمُسْتَمْسِكُونَ بِهِ	مُسْتَمْسِكُونَ بِحَبْلِ غَيْرِ مُنْقَصِمٍ
فَاقَ النَّبِيِّينَ فِي خَلْقٍ و فِي خُلُقٍ	و لَمْ يُدَانُوهُ فِي عِلْمٍ و لَا كَرَمٍ

١- سِتِّمَائَةٍ و ثَمَانِيَةٍ

٢- مَائَةٌ و ثَمَانِينَ بَيْتاً

مَنْ هُوَ أَحَقُّ بِالْجَنَّةِ ؟

رُويَ أَنَّ النَّبِيَّ (ص) ذَهَبَ إِلَى الْمَسْجِدِ لِيُصَلِّيَ صَلَاةَ الصُّبْحِ. فَوَجَدَ رَجُلًا يَتَعَبَّدُ وَيُصَلِّي. وَعِنْدَمَا عَادَ الرَّسُولُ (ص) لِيُصَلِّيَ صَلَاةَ الظُّهْرِ وَجَدَ ذَلِكَ الرَّجُلَ مازالَ يَتَعَبَّدُ وَعِنْدَمَا وَجَدَهُ فِي الْمَغْرِبِ يَتَعَبَّدُ وَيُصَلِّي أَيْضًا قَالَ لَهُ : إِنَّكَ دَائِمًا فِي الْمَسْجِدِ ! أَلَيْسَ لَكَ عَمَلٌ ؟ فَقَالَ الرَّجُلُ : إِنِّي أَتَعَبَّدُ لِكَي يُدْخِلَنِي اللَّهُ الْجَنَّةَ. فَسَأَلَهُ النَّبِيُّ (ص) : مَنْ يَتَكَفَّلُ مَعَاشَ أَهْلِكَ ؟ فَقَالَ الرَّجُلُ : أَخِي ! فَقَالَ النَّبِيُّ (ص) : إِنَّ أَخَاكَ لَأَحَقُّ مِنْكَ بِالْجَنَّةِ.

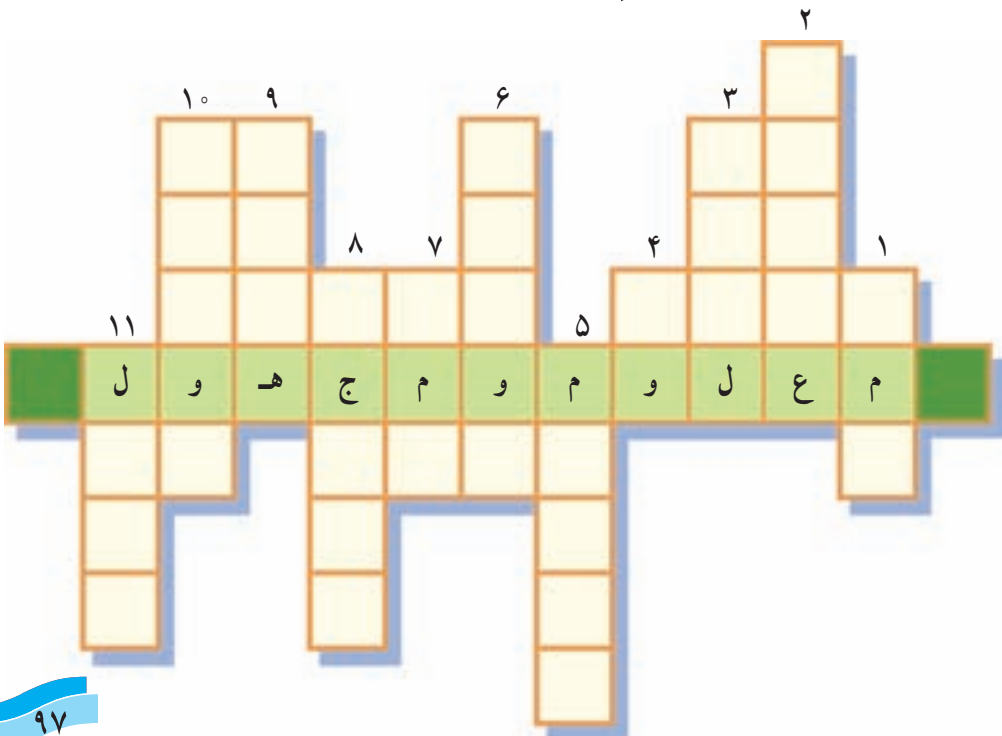
أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ:

- ١- أَيْنَ كَانَ الْبوصيرِيُّ يَسْكُنُ؟
- ٢- مَا رَأَى الْبوصيرِيُّ فِي الْمَنَامِ؟
- ٣- مَاذَا وَجَدَ النَّبِيُّ (ص) فِي الْمَسْجِدِ حِينَ عَادَ لِيُصَلِّيَ صَلَاةَ الظُّهْرِ؟
- ٤- مَا كَانَ هَدَفُ الرَّجُلِ مِنَ الْعِبَادَةِ الْكَثِيرَةِ؟

التفسير الأول

إِمْلاً الْفَرَائِغَ فِي الْجَدُولِ:

- ۱- حَرَكَةُ الحَرْفِ الْأَوَّلِ مِنَ الْمَبْنِيِّ لِلْمَجْهُولِ
- ۲- إعراب نائبِ الفاعلِ
- ۳- انجام دهنده کار در اصطلاح نحوی
- ۴- ضمیرٌ منفصلٌ مرفوعٌ للغائبِ
- ۵- فعلٌ يحتاجُ إلى الفاعلِ و المفعولِ به
- ۶- جانشین فاعل می شود.
- ۷- ال... لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
- ۸- مصدر «جلس» من بابِ إفعال
- ۹- حَرَكَةُ عَيْنِ الْفِعْلِ فِي الْمَضَارِعِ الْمَجْهُولِ
- ۱۰- إعرابُ المفعولِ به
- ۱۱- فعلٌ يحتاجُ إلى الفاعلِ فقط



مجموعه‌ای که همه کلمات آن از جهت اعراب شرایط نایب فاعل را دارند بیاید و در

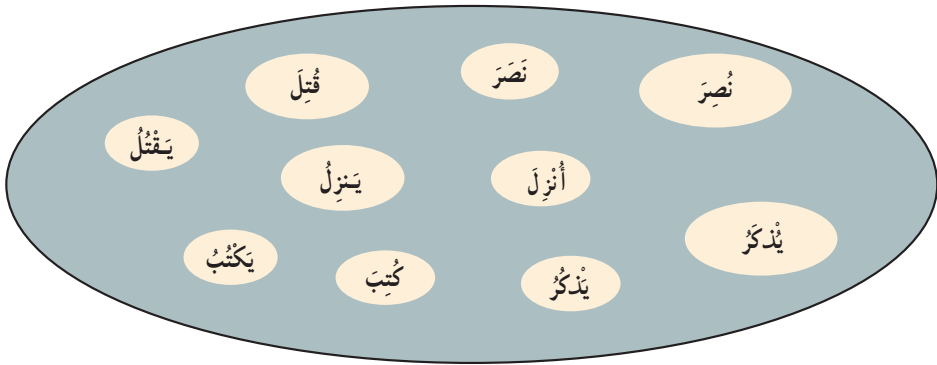
ردیف پایین بنویسید.

(۴)	(۳)	(۲)	(۱)
المؤمنين	المؤمنون	المؤمنون	المؤمنون
أخوك	اللَّهُ	الأعمال	اللَّهُ
الصالحين	الشهداء	الصالحين	الكتاب
أبيكم	الصيام	القرآن	الصالحات
الشهداء	القرآن	الصيام	أباك

۱- المؤمنون ۲- ۳- ۴- ۵-

اکنون برای هریک از نایب فاعل‌های فوق فعل مجهول مناسبی از میان فعل‌های زیر

بیاید و در جاهای خالی جملات زیر قرار دهید :



۱- نُصِرَ المؤمنون بِبِدْرِ.

۲- في الدعاء.

۳- في سبيلِ الله.

۴- عليكم.

۵- على النبي.

غَيَّرَ أَفْعَالَ الْجُمَلِ مِنَ الْمُبْنِيِّ لِلْمَعْلُومِ إِلَى الْمُبْنِيِّ لِلْمَجْهُولِ مُسْتَعِينًا بِالصُّوَرِ:



١- تُرْشِدُ الْمُعَلِّمَةُ التَّلَامِيذَاتِ.

.....



٢- يَقْرَأُ الطَّالِبُ الْقُرْآنَ كُلَّ صَبَاحٍ.

.....



٣- نَصَرَ اللَّهُ الْمُسْلِمِينَ فِي غَزْوَةِ بَدْرٍ.

.....

غَيَّرَ أَفْعَالَ الْجُمَلِ مِنَ الْمَبْنِيِّ لِلْمَجْهُولِ إِلَى الْمَبْنِيِّ لِلْمَعْلُومِ مُسْتَعِينًا بِالصُّوَرِ :

١-

كُتِبَ الدَّرْسُ.



٢-

يُحَصِّدُ الزَّرْعُ.

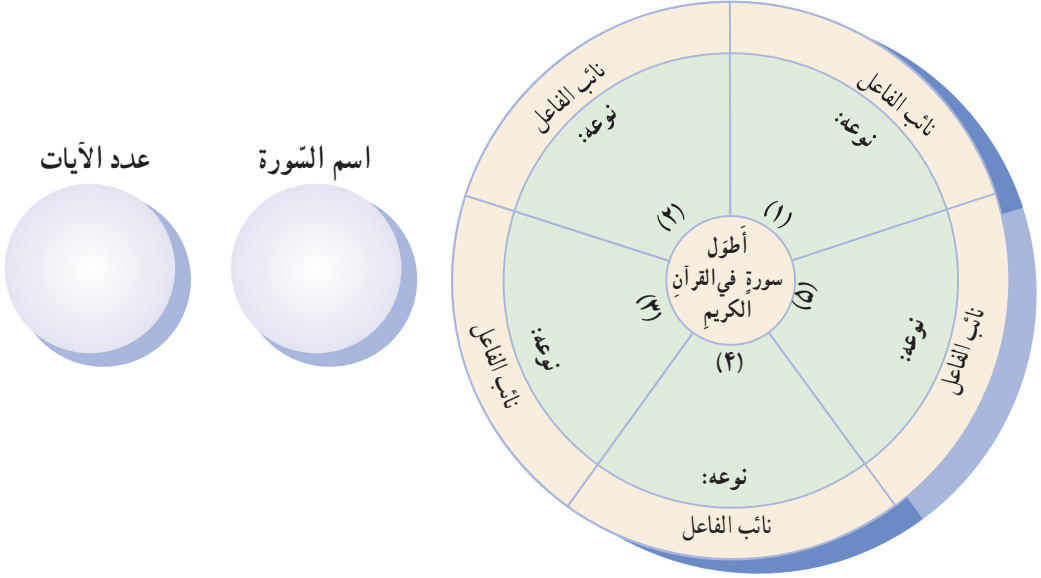


٣-

سُمِعَ صَوْتُ الْجَرَسِ.



أَكْمِلِ الدَّوَائِرَ التَّالِيَةَ ثُمَّ اكْتُبِ اسْمَ السُّورَةِ وَ عِدَدَ آيَاتِهَا:



- ١- ﴿قَالُوا وَمَا لَنَا أَلَّا نُفَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أَخْرَجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَاءَنَا﴾
- ٢- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ﴾
- ٣- ﴿قَالُوا نُوْمِنُ بِمَا أُنْزِلَ عَلَيْنَا﴾
- ٤- ﴿وإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ﴾
- ٥- ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ﴾

— در ترجمه افعال مجهول از صیغه‌های «شدن» استفاده می‌کنیم :

أُنْزِلَ الْقُرْآنُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) : قرآن بر پیامبر خدا (ص) نازل شد.

— نایب فاعل همانند فاعل اگر مفرد باشد، فعل آن را به صورت مفرد و اگر مثنی یا

جمع باشد فعل را به صورت جمع ترجمه می‌کنیم :

أُكْرِمَ الضَّيْفُ : مهمان مورد اکرام واقع شد.

أُكْرِمَ الضَّيْفَانِ : دو مهمان مورد اکرام واقع شدند.

أُكْرِمَ الضُّيُوفُ : مهمانان مورد اکرام واقع شدند.

صَحَّحْ مَا تَرَاهُ مِنَ الْأَخْطَاءِ فِي تَرْجُمَةِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:

۱- تُصَدَّرُ بَعْضُ الْمُنْتَجَاتِ الْإِيرَانِيَّةِ إِلَى خَارِجِ الْبِلَادِ.

برخی از فراورده‌های ایرانی را به خارج کشور صادر می‌کنند.

۲- ﴿وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾

و چون قرآن می‌خوانند به آن گوش سپاریم و خاموش باشیم شاید که مورد رحمت

قرار گیریم.

۳- تُنْزَلُ عَلَيْنَا النِّعْمُ السَّمَاوِيَّةُ.

نعمت‌های آسمانی بر ما نازل شد.

إِقْرَأِ الْعِبَارَاتِ ثُمَّ تَرَجِّمْنَاهَا إِلَى الْفَارْسِيَّةِ بِعِبَارَاتٍ مَأْلُوفَةٍ:

* مَنْ سَلَّ سَيْفَ الْبَغْيِ قُتِلَ بِهِ.

* تَكَلَّمُوا تُعْرِفُوا فَإِنَّ الْمَرْءَ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ.

* كُلُّ وَعَاءٍ يَضِيقُ بِمَا جُعِلَ فِيهِ إِلَّا وَعَاءَ الْعِلْمِ فَإِنَّهُ يَتَّسِعُ بِهِ.

* السَّعِيدُ مَنْ وُعِظَ بِغَيْرِهِ وَ الشَّقِيُّ مَنْ انْخَدَعَ لِهُوَاهُ.

سَلَّ: برکشید	البغي: تجاوز	المَرء: انسان
مخبوء: پنهان	وعاء: ظرف	وُعِظَ: پند گرفت
الشقي: بدبخت	انخدع: فریب خورد	

۱- کدام آیه مفهوم معاد را تأکید می‌کند؟

☐ ﴿رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ﴾ (الإسراء / ۸۰)

☐ ﴿وَوَظَّنُوا أَنَّهُمْ إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ﴾ (القصص / ۳۹)

☐ ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَافِظِينَ﴾ (المطففين / ۳۳)

۲- در کدام آیه فعل مجهول به کار نرفته است؟

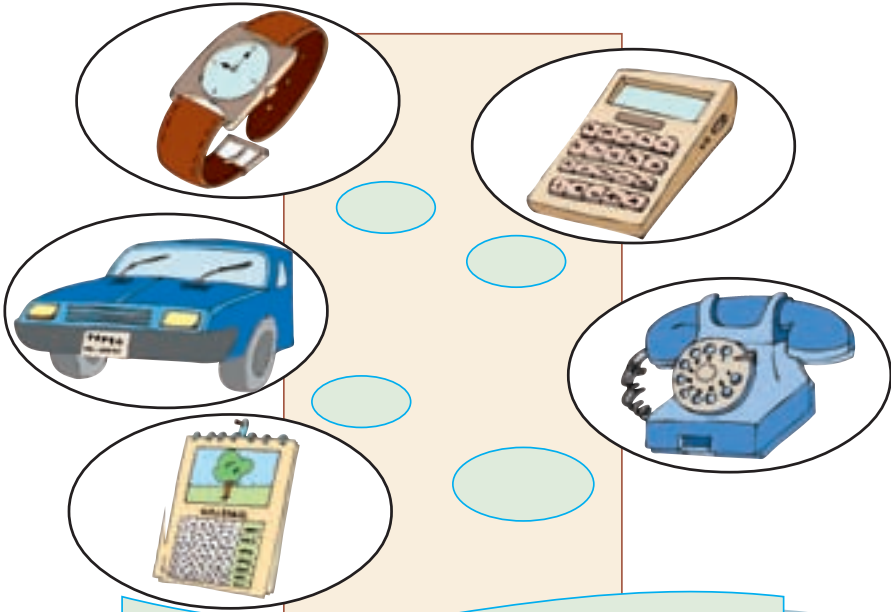
☐ ﴿اتَّبِعُوا مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ﴾ (الأعراف / ۳)

☐ ﴿جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ﴾ (المائدة / ۹۷)

☐ ﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ (آل عمران / ۱۳۲)

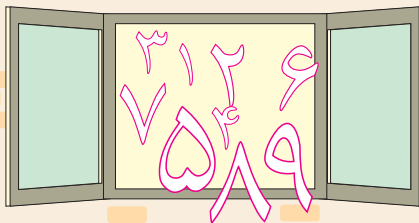
الدّرس التّاسع

العدد



هر کدام از این وسیله‌ها برای چه منظوری به کار می‌روند و
با چه چیزی سروکار دارند؟

پیشرفت انسان روز به روز بر اهمیت اعداد در زندگی افزوده
است. آیا امروزه زندگی، بدون تأثیر شگفت اعداد امکان‌پذیر
است؟ شاید با کمی تأمل شما نیز بتوانید چند کاربرد مهم
اعداد را نام ببرید.



بیاید نگاهی به دنیای
اعداد بیاندازیم.

آیا نام اعداد را در زبان عربی می دانید؟ کار مشکلی نیست.

برای آشنایی بیشتر با عدد به جدول زیر توجه کنید.

عدد	واحد	اِثنان	ثلاثة	أربعة	خَمسة	سِتَّة	سَبعة	ثمانية	تِسعة	عَشرة
هم خانواده	أحد	مِئَتِي	ثُلث	رُبْع	خامِس	سادِس	أُسْبوع	ثامِن	تاسِع	أعشار
شماره	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰

از آنجا که مذکر و مؤنث بودن در زبان عربی کاربردی فراگیر و گسترده دارد، اعداد نیز از این قاعده مستثنی نبوده و به دو صورت مذکر و مؤنث به کار می روند.

بعد از آشنایی مختصر با عدد اکنون به معرفی اعداد «۱ تا ۱۲» می پردازیم.

ج

ب

الف

۱۱ و ۱۲		
عدد	مذکر	مؤنث
۱۱	أَحَدَ عَشَرَ	إِحْدَى عَشَرَ
۱۲	اثنا عَشَرَ	إِثْنَا عَشَرَ
	إِثْنِي عَشَرَ	إِثْنَتِي عَشَرَ

۳ تا ۱۰		
عدد	مذکر	مؤنث
۳	ثَلَاث	ثَلَاثَة
۴	أَرْبَع	أَرْبَعَة
۵	خَمْس	خَمْسَة
۶	سِت	سِتَّة
۷	سَبْع	سَبْعَة
۸	ثماني	ثمانية
۹	تِسْع	تِسْعَة
۱۰	عَشْر	عَشْرَة

۱ و ۲		
عدد	مذکر	مؤنث
۱	وَاحِد	وَاحِدَة
۲	إِثْنان	إِثْنَتان
	إِثْنَيْن	إِثْنَتَيْن

مفرد

به اعداد ۱ تا ۱۰ که از یک جزء ساخته شده‌اند عدد گویند.

مرکب

مفرد

به اعداد ۱۱ و ۱۲ که از دو جزء تشکیل شده‌اند عدد گویند.

مرکب

○ در کدام ردیف اعداد به صورت یک جزء به کار رفته‌اند؟

○ کدام اعداد از دو جزء تشکیل شده‌اند؟

آیا اعداد دو ردیف «الف» و «ب» را با هم مقایسه کردید؟

؟ آیا در زبان فارسی نیز اعداد مفرد و مرکب داریم؟

برای پاسخ، خوب است به اعداد ۱ تا ۱۲ زبان فارسی نیز نگاهی بیافکنیم.

یک دو سه چهار پنج شش هفت هشت نه ده
یازده دوازده

چه نکته‌ای را دریافتید؟

بخوانید
و پاسخ
دهید.

«یک ... دوازده ... دارد و هر ماه از سی ... تشکیل شده است.»

○ آیا عبارت فوق عبارت کاملی است؟ بلی خیر

○ آیا اعداد به تنهایی معنای کاملی دارند؟ بلی خیر

اکنون عبارت را با کلمات مناسب کامل کنید.

○ با اعداد «یک، دوازده و سی» چه چیزی را شمرده‌اید؟

به کلماتی که شمرده می‌شوند «معدود» گفته می‌شود.
معدود بر وزن «مفعول» به معنای «شمرده شده» است.

﴿وَالْهَكُمُ إِلَهُ وَاحِدًا﴾

﴿لَا تَتَّخِذُوا إِلَهِينَ اثْنَيْنِ^۲﴾

﴿قَالَ آيَتُكَ إِلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ^۳﴾

﴿فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ^۴﴾

﴿يُمَدِّدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ^۵﴾

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ^۶﴾

﴿سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ^۷﴾

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ^۸﴾

﴿فَكَفَّرْنَاهُ بِإِطْعَامِ عَشْرَةِ مَسَاكِينَ^۹﴾

﴿إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا^{۱۰}﴾

در قرآن کریم نیز از
اعداد بسیار استفاده
شده است. بعد از
قرائت آیات شریفه،
عدد و محدود به کار
رفته در آنها را
مشخص کنید.

۱- معبودتان یک خدا است. (البقرة / ۱۶۳)

۲- دو معبود برای خود برگزینید. (التحل / ۵۱)

۳- گفت: نشانه تو این است که سه روز با مردم سخن نگویی. (آل عمران / ۴۱)

۴- چهار ماه در زمین بگردید. (التوبة / ۲)

۵- خدایان با پنج هزار فرشته شما را یاری می کند. (آل عمران / ۱۲۵)

۶- او کسی است که آسمان ها و زمین را در شش روز آفرید. (هود / ۷)

۷- هفت شب و هشت روز طوفان را بر آنان مسلط ساخت. (الحاقة / ۷)

۸- حقیقتاً نه نشانه آشکار به موسی بخشیدیم. (الاسراء / ۱۰۱)

۹- پس کفاره آن، اطعام ده مسکین است. (المائدة / ۸۹)

۱۰- من یازده ستاره را دیدم. (یوسف / ۴)

جدول کاربرد اعداد ۱ تا ۱۰ با معدود مذکر و معدود مؤنث

<p>قَرَأْتُ مَجْلَةً وَاحِدَةً.</p>	<p>قَرَأْتُ كِتَابًا وَاحِدًا.</p>	<p>۱</p> <p>و</p> <p>۲</p>	<p>هر اسم مفردی بر «یک» بودن دلالت می‌کند و هر مثنایی بر «دو» بودن دلالت دارد.</p> <p>لذا این دو عدد «یک و دو» را می‌توان پس از اسم مفرد یا مثنی برای تأکید کردن آورد.</p>
<p>هَاتَانِ مَجْلَتَانِ اثْنَتَانِ.</p> <p>قَرَأْتُ مَجْلَتَيْنِ اثْنَتَيْنِ.</p>	<p>هَذَانِ كِتَابَانِ اثْنَانِ.</p> <p>قَرَأْتُ كِتَابَيْنِ اثْنَيْنِ.</p>		
<p>کاربرد عدد با معدود مؤنث</p>	<p>کاربرد عدد با معدود مذکر</p>	<p>شرایط معدود</p>	<p>شرایط عدد</p>
<p>قَرَأْتُ ثَلَاثَ مَجَلَّاتٍ.</p> <p>قَرَأْتُ أَرْبَعَ مَجَلَّاتٍ.</p> <p>قَرَأْتُ خَمْسَ مَجَلَّاتٍ.</p> <p>قَرَأْتُ سِتَّ مَجَلَّاتٍ.</p> <p>قَرَأْتُ سَبْعَ مَجَلَّاتٍ.</p> <p>قَرَأْتُ ثَمَانِيَةَ مَجَلَّاتٍ.</p> <p>قَرَأْتُ تِسْعَ مَجَلَّاتٍ.</p> <p>قَرَأْتُ عَشْرَ مَجَلَّاتٍ.</p>	<p>قَرَأْتُ ثَلَاثَةَ كُتُبٍ.</p> <p>قَرَأْتُ أَرْبَعَةَ كُتُبٍ.</p> <p>قَرَأْتُ خَمْسَةَ كُتُبٍ.</p> <p>قَرَأْتُ سِتَّةَ كُتُبٍ.</p> <p>قَرَأْتُ سَبْعَةَ كُتُبٍ.</p> <p>قَرَأْتُ ثَمَانِيَةَ كُتُبٍ.</p> <p>قَرَأْتُ تِسْعَةَ كُتُبٍ.</p> <p>قَرَأْتُ عَشْرَةَ كُتُبٍ.</p>	<p>جمع و مجرور</p>	<p>۳</p> <p>۴</p> <p>۵</p> <p>۶</p> <p>۷</p> <p>۸</p> <p>۹</p> <p>۱۰</p> <p>اما اعداد از سه تا ده همراه معدود به کار می‌روند.</p> <p>این اعداد بر عکس معدود خود به کار می‌روند. یعنی برای معدود مذکر با «تاء» و برای معدود مؤنث بدون «تاء» استفاده می‌شوند.</p> <p>نقش:</p> <p>متناسب با نیاز جمله</p>

جدول کاربرد اعداد ۱۱ و ۱۲ با معدود مذکر و معدود مؤنث

کاربرد عدد با معدود مؤنث	کاربرد عدد با معدود مذکر	شرایط معدود	شرایط عدد
قَرَأْتُ إِحْدَى عَشْرَةَ مَجْلَةً.	قَرَأْتُ أَحَدَ عَشَرَ كِتَابًا.	مفرد و منصوب	برای معدود مذکر: أَحَدَ عَشَرَ برای معدود مؤنث: إِحْدَى عَشْرَةَ (هر دو جزء مبنی بر فتح)
هُنَا اثْنَتَا عَشْرَةَ مَجْلَةً. قَرَأْتُ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ مَجْلَةً.	هُنَا اثْنَا عَشَرَ كِتَابًا. قَرَأْتُ اثْنَتَيْ عَشَرَ كِتَابًا.	مفرد و منصوب	برای معدود مذکر: [اثْنَا عَشَرَ إِثْنَيْ عَشَرَ] برای معدود مؤنث: [اثْنَتَا عَشْرَةَ إِثْنَتَيْ عَشْرَةَ] (جزء دوم مبنی بر فتح)

وظیفه اعداد در ساختار جمله چیست و چه سهمی در ساختن آن دارند؟

؟

آیا

نقش و اعراب نگرفته و سهمی در ساختن جمله ندارند؟

یا

به عنوان عضوی از اعضای جمله نقش پذیرفته و انجام وظیفه می کنند؟

برای یافتن پاسخ بعد از مقایسه این عبارات با قضاوت کنید.

سَلَّمْتُ عَلَى الطَّلَابِ.

رَأَيْتُ الطَّلَابَ فِي الْمَدْرَسَةِ.

خَرَجَ الطَّلَابُ مِنَ الْبَيْتِ.

سَلَّمْتُ عَلَى أَرْبَعَةِ طُلَّابٍ.

رَأَيْتُ أَرْبَعَةَ طُلَّابٍ فِي الْمَدْرَسَةِ.

خَرَجَ أَرْبَعَةُ طُلَّابٍ مِنَ الْبَيْتِ.

چه نتیجه‌ای
گرفتید؟

عدد نیز به عنوان عضوی از اعضای جمله
نقش پذیرفته و انجام وظیفه می‌کند.

اعراب عدد

از جهت اعراب تابع ماقبل خود است :
هذا قَلَمٌ **وَاحِدٌ** . قرأتُ **مَجْلَتَيْنِ** **اِثْنَتَيْنِ** .

۱ و ۲

متناسب نیاز جمله نقش می‌گیرد و می‌تواند مرفوع یا منصوب و یا مجرور شود. مانند :
حَضَرَ **ثَلَاثَةٌ** مُعَلِّمِينَ و **ثَلَاثٌ** مُعَلِّمَاتٍ . - رأيتُ **ثَلَاثَةً** مُعَلِّمِينَ و **ثَلَاثَ** مُعَلِّمَاتٍ .

۳ تا ۱۰

متناسب نیاز جمله نقش پذیرفته اما هر دو جزء آن مبنی بر فتح است لذا اعراب آن در هر سه حالت محلی است.
حَضَرَ **أَحَدٌ عَشَرَ** فَلَاحاً . رأيتُ **أَحَدَ عَشَرَ** فَلَاحاً . سَلَّمْتُ عَلَى **أَحَدٍ عَشَرَ** فَلَاحاً .

۱۱

متناسب با نیاز جمله نقش می‌پذیرد. اما جزء اول «معرّب» و جزء دوم مبنی بر فتح است.
جاء **اِثْنَا عَشَرَ** طَالِباً . رأيتُ **اِثْنَتَيْ عَشْرَةٍ** طَالِبَةً . سَلَّمْتُ عَلَى **اِثْنَتَيْ عَشْرٍ** مُعَلِّمًا و **اِثْنَتَيْ عَشْرَةٍ** مُعَلِّمَةً .

۱۲

هل تعلم...

- أَنَّ نَوْعاً مِنَ الْكَنْغَرِ يَقْدِرُ أَنْ يَقْفِزَ إِلَى الْأَعْلَى أَكْثَرَ مِنْ ثَلَاثَةِ أَمْتَارٍ وَأَكْثَرَ مِنْ اثْنَيْ عَشَرَ مِثْراً إِلَى الْأَمَامِ، وَذَلِكَ فِي قَفْزَةٍ وَاحِدَةٍ؟!
- أَنَّ قَلْبَ الْإِنْسَانِ إِلَى نِهَائِهِ عُمره يَضْحُكُ مِنَ الدَّمِ مَا يُعَادِلُ مِلاًءَ أَكْثَرَ مِنْ عَشْرِ نَاقِلَاتٍ نَفْطٍ كَبِيرَةٍ، حَجمُ كُلِّ مِنْهَا مِليونُ بِرْمِيلٍ؟!
- أَنَّ الْقِطْعَةَ تَرَى فِي الظَّلَامِ أَفْضَلَ مِنَ الْإِنْسَانِ بَسْبَعِ مَرَّاتٍ وَالسَّبَبُ يَعُودُ إِلَى تَوْسِعِ الْحَدَقَتَيْنِ عِنْدَ وَصُولِ الضَّوءِ وَتَأَثْرِ الْخَلَايا الْمَوْجُودَةِ فِي عُيُونِ الْقِطْعَةِ الَّتِي تَعْمَلُ كِمِرْآةٍ تَعْكِسُ الْأَضْوَاءَ.

أكمل كل جملة بانتخاب عددٍ أو مغلودٍ مناسبٍ:

في البيتِ خمسةُ ...

مصابيحٍ

مصابيحٍ

مصابيحٍ

لكل فصلٍ ... أشهرٍ.

ثلاثة

ثلاث

ثلاثة

رأيتُ في الموقفِ ... سيارةً.

اثني عشر.

اثني عشر

اثنا عشر

نتعلمُ في المدرسةِ لغتينِ ...

اثنتين

اثنتان

اثنتين

أهديتُ ... كتاباً إلى مكتبةِ المدرسةِ.

اثني عشر

اثنا عشر

اثني عشر

في الحديقةِ ... شجرةً.

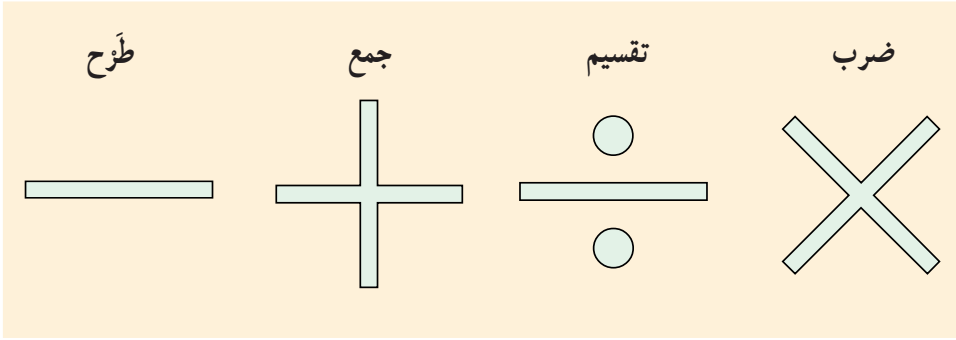
إحدى عشر

إحدى عشر

أحد عشر

اقرأ المسائل ثم أجب عن الأسئلة:

مسائل في الرياضيات



١- لأختي مجلتان ثم منحتها أربع مجلاتٍ أخرى. كم مجلةً عندها الآن؟

الجواب: عندها

٢- كان في السيارة عشرة ركابٍ ثم نزل خمسةٌ منهم في الموقف. كم راكباً

في السيارة؟

الجواب: في السيارة

٣- هؤلاء ثلاثة طلابٍ. لكل واحدٍ منهم ثلاثة كتبٍ. كم كتاباً عندهم؟

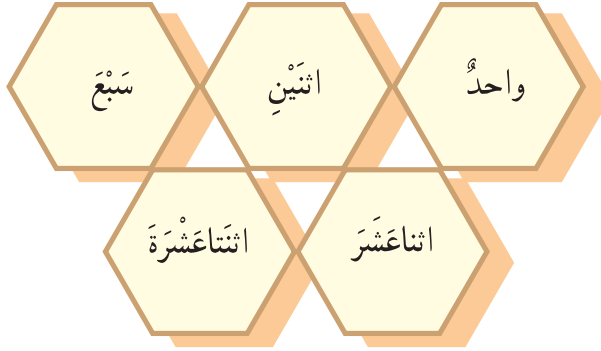
الجواب: عندهم

٤- لنا اثنتا عشرة تفاحةً، قسمها على ستة أشخاصٍ. كم تفاحةً لكل واحدٍ منهم؟

الجواب: لكل واحدٍ منهم

التمرين الثالث

انتخب للفراغ عدداً مناسباً:



- ١- ﴿فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ عَيْنًا﴾ (البقرة / ٦٠)
- ٢- ﴿أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَمَاوَاتٍ طَبَاقًا﴾ (نوح / ١٥)
- ٣- ﴿قَالَ اللَّهُ لَا تَتَّخِذُوا إِلَهِينَ إِنَّمَا هُوَ إِلَهُ﴾ (النحل / ٥١)
- ٤- ﴿إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ شَهْرًا﴾ (التوبة / ٣٦)



التمرين الرابع

أكمل الفراغ بالعدد المناسب:

كرة السلة

- | | |
|-----------------------|---------------------------------------|
| (اثنان، اثنان، اثنان) | تدور مباراة كرة السلة بين فريقين |
| (خمس، خمسة، خمسة) | ويتألف كل فريق من لاعبين. |
| (واحد، واحدة، واحد) | يُشرف على المباراة حكم |
| (اثنان، اثنان، اثنان) | ويُساعدُه حَكَمَانِ |

أَكْمِلِ الْفَرَاغَ بِالْمَعْدُودِ الْمُنَاسِبِ:

مُبَارَاةٌ رِيَاضِيَّةٌ

«أُجْرِيَتْ خِلَالَ وَاحِدَةٍ،	«عَامٌ، سَنَةٍ، سَنَةٍ»
خَمْسُ رِيَاضِيَّةٍ فِي مَدْرَسَتِنَا»	«مَسَابَقَاتٍ، مَسَابَقَةٍ، مَسَابَقَتَانِ»
«اشْتَرَكْتُ فِيهَا أَكْثَرَ مِنْ أَحَدٍ عَشَرَ»	«فَرِيقَانِ، فَرِيقًا، فَرِيقٌ»
«فِي كُلِّ فَرِيقٍ سَبْعَةٌ»	«لَاعِبًا، لَاعِبَاتٍ، لَاعِبِينَ»
«وَحَصَّصَ الْمَدِيرُ اثْنَتَيْنِ لِلْفَائِزَيْنِ	«جَائِزَةً، جَائِزَتَيْنِ، جَوَائِزَ»
فِي وَاحِدَةٍ»	«لُعْبَةٍ، أَلْعَابٍ، لُعْبَتَانِ»

الْتَمِيزُ الْفَامِسُ

مَيِّزِ الصَّحِيحَ مِنَ الْخَطَأِ ثُمَّ اكْتُبْهُ فِي الْمَكَانِ الْمُنَاسِبِ:

صحيح خطأ الشكل الصحيح

<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>
<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>
<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>
<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>
<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>

- ١- قَرَأْتُ خُطْبَةً وَاحِدَةً مِنْ نَهْجِ الْبَلَاغَةِ.
- ٢- حَفِظْنَا جُزْأَيْنِ اثْنَتَيْنِ مِنَ الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ.
- ٣- أُسْتُشْهِدَ فِي سَاحَةِ الْجِهَادِ اثْنَا عَشَرَ مُجَاهِدًا.
- ٤- فِي مَكْتَبَتِي أَكْثَرَ مِنْ عَشْرَةِ مَجَلَّاتٍ.
- ٥- فِي الْمَسْبَحِ اثْنِي عَشَرَ سَابِحًا.

آمادگی برای امتحان

للتعريب:

- سه ماه دیگر امتحانات شروع می شود.
- بله، می دانم.
- آیا شما برای امتحان آماده ای؟
- بله، من هر روز چهار ساعت درس می خوانم.
- بسیار خوب، چند ساعت عربی می خوانی؟
- یک ساعت عربی می خوانم.
- زبان عربی از درس های مهم است.
- ما همیشه به این زبان نیاز داریم.
- بله، زبان عربی زبان دین و فرهنگ ماست^۱.

۱- آمادگی: الاستعداد - سه ماه دیگر: بعد ثلاثة أشهر - آماده: مستعد - درس می خوانم: أدرس - چند ساعت: كم ساعة - همیشه: دائماً - نیاز داریم به: نحن بحاجة إلى ... - فرهنگ: ثقافة

— در زبان فارسی معدود فقط یک حالت دارد و آن مفرد است لذا معدود عربی به هر شکل باشد به صورت مفرد ترجمه می شود :

خمسُهُ کُتِبَ : پنج کتاب اِثْنَتَا عَشْرَةَ تَلْمِیذَةٌ : دوازده دانش آموز

— اعداد ترتیبی در زبان عربی عبارتند از : اَوَّل، ثانی ... عاشر، حادی عَشَرَ، ثانی عَشَرَ، ... :

قرأتُ الصفحةَ الثانیةَ من الدرسِ الثالثِ : صفحه دوم از درس سوم را خواندم.

للترجمة

- ۱- فی مَدْرَسَتِنَا أَكْثَرُ مِنْ إِحْدَى عَشْرَةَ مُعَلِّمَةً.
- ۲- أُسْتُشْهِدَ الْإِمَامُ الْحُسَيْنُ (ع) فِي الْيَوْمِ الْعَاشِرِ مِنْ شَهْرِ مُحَرَّم.
- ۳- دُفِنَ أَرْبَعُهُ أَتَمَّةٌ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ (ع) فِي الْبَقِيعِ.

إِقْرَأِ الْعِبَارَاتِ ثُمَّ تَرْجِمْنَهَا إِلَى الْفَارْسِيَّةِ بِعِبَارَاتٍ مَأْلُوفَةٍ:

- * الْإِيْمَانُ عَلَى أَرْبَعِ دَعَائِمَ : عَلَى الصَّبْرِ وَالْيَقِينِ وَالْعَدْلِ وَالْجِهَادِ.
 - * النَّاسُ ثَلَاثَةٌ : فَعَالِمٌ رَبَّانِيٌّ وَ مُتَعَلِّمٌ عَلَى سَبِيلِ نَجَاةٍ وَ هَمَجٌ رِعَاعٌ ...
- يَمِيلُونَ مَعَ كُلِّ رِيحٍ.

ريح: باد، نسیم

دعائم: ج دعامة، ستون

هَمَجٌ رِعَاعٌ: انسان های بی مایه و اختیار

الف) کدام مفهوم به آیات زیر نزدیک تر است؟

۱- ﴿إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ﴾ (يوسف / ۴)

☐ الف) عزّت یافتن حضرت یوسف

☐ ب) سجده ستارگان

۲- ﴿إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا﴾ (التوبة / ۳۶)

☐ الف) وجود نظم در جهان آفرینش

☐ ب) مشخص کردن ماه‌های قمری

۳- ﴿وَأَمَّا عَادٌ فَأُهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ. سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ﴾ (الحاقة / ۶ و ۷)

☐ الف) همواره بادهای سرد و سخت هفت شبانه روز می‌وزند.

☐ ب) نافرمانی قوم عاد از فرامین الهی موجب نزول عذاب بر آنها گردید.

ب) عدد مناسب را در جای خالی آیات زیر قرار دهید:

۱- ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى ... آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ﴾ (الاسراء / ۱۰۱)

تسَع

تسعة

۲- ﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي أَيَّامٍ﴾

سِتَّ

سِتَّة

(الأعراف/ ۵۴)

الدّرس العاشر

الأفعال الناقصة

آیا برای شما پیش آمده که به قصد حرکت آماده خروج از منزل باشید؟



اگر ناگهان مهمانانی از راه دور برسند
چه خواهید کرد؟

- آیا بدون توجه به مهمانان، به حرکت خود جهت خروج از منزل ادامه می دهید؟
- یا با آمدن مهمان، برنامه حرکت خود را تغییر می دهید؟

أَنْ يَذْهَبَ
 لم يَجْلِسْ
 في المدرسة

أَنْ + يَذْهَبُ
 لم + يجلسُ
 في + المدرسة

يَذْهَبُ
 يَجْلِسُ
 المدرسة



گاهی برای فعل ها و اسم ها نیز مهمانانی از راه می رسند و در حرکت آن ها تغییر ایجاد می کنند.

○ آیا مهمانان را شناختید؟

- أَنْ، لَمْ و في از چه نوع حروفی هستند؟
- با آمدن این کلمات علاوه بر تغییر در معنی، چه تغییری در اعراب کلمه ایجاد شده است؟

آیا فقط برای فعل ها و اسم ها مهمان می آید یا شامل حال جملات نیز می شود؟

كان الْجَوُّ بارداً.
 («دیروز»)

←

كان + الْجَوُّ بارداً.

←

الْجَوُّ بارداً.

←

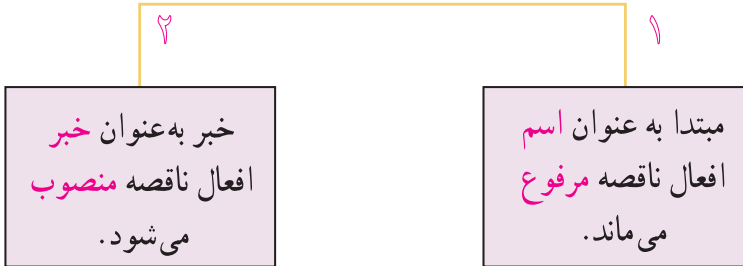
توجه کنید
 («در حال حاضر»)

برای جملات نیز گاهی مجبوریم مهمان دعوت کنیم. مثلاً اگر بخواهیم آن را به گذشته تبدیل کنیم، ناچار فعل «كان» را به کار می بریم؛ مانند مثال های فوق. این مهمان علاوه بر تأثیر در معنی، اعراب کلمه را نیز تغییر می دهد.

- حتماً مهمان را در جمله بالا شناخته اید.
- این مهمان بر سر چه نوع جمله ای آمده است اسمیه یا فعلیه؟
- نقش دو کلمه «الجو» و «بارد» چیست؟
- با آمدن «كان» در کدام یک تغییر ایجاد شده است؟ مبتدا یا خبر؟

کان

از افعال ناقصه است که چون بر سر مبتدا و خبر وارد شود :



آیا می دانید اسم افعال ناقصه از جهت احکام و اعراب (قرار گرفتن بعد از فعل)، با کدام یک از موارد زیر شباهت دارد؟



ليس المؤمنُ معتدياً.

اسم ظاهر

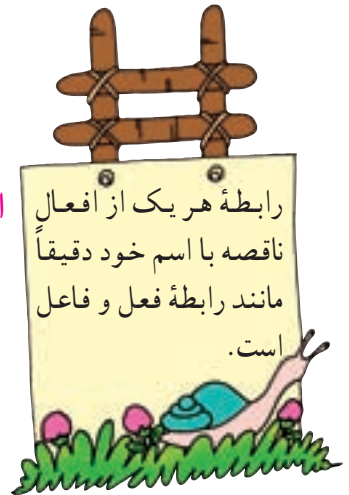
كنتُ نشيطاً في الدرسِ.

ضمير بارز

اسم افعال
ناقصه

كُنْ (أنتَ) صادقاً في عملك.

ضمير مستتر



هرگاه مبتدا ضمیر منفصل باشد، برای این که اسم افعال ناقصه قرار گیرد، باید فعل را متناسب با آن صیغه آورد.

هُم نَاجِحُونَ. ← أَصْبَحُوا نَاجِحِينَ.

أَنْتَنَ نَاجِحَاتٌ. ← أَصْبَحْتُنَّ نَاجِحَاتٍ.

نکته

انواع خبر افعال ناقصه

كَانَ الْفَلَّاحُ وَاقِفًا.

مفرد

كَانَ الْفَلَّاحُ يَزْرَعُ الْأَرْضَ.

جمله

كَانَ الْفَلَّاحُ فِي الْمَرْعَةِ.

شبه جمله

به فعل های این جملات توجه کنید:

أَصْبَحَ التَّلْمِيزَانِ نَاجِحِينَ. أَصْبَحَ الْجَوُّ بَارِدًا.
لَيْسَ الطَّالِبُ حَاضِرًا. لَيْسَ الطَّالِبُ حَاضِرًا.
صَارَ الْمُسْلِمُونَ مُتَقَدِّمِينَ فِي الْعَالَمِ. صَارَتِ الْأَرْضُ خَضِرَاءَ.

مهمترین فعل هایی که مانند «کان» عمل می کنند و آن ها را «أَخَوَاتِ کَانَ» می نامند عبارتند از:

«صَارَ، لَيْسَ، أَصْبَحَ، مَادَامَ، مَازَالَ»

تَضَحِيَّةُ الْأُمِّ

كَانَتْ أُمِّي تَشْتَغِلُ بِحَيَاكَةِ الْمَلَابِسِ وَتَعْرِضُهَا لِلْبَيْعِ لِتَحْصُلَ عَلَى النُّقُودِ اللَّازِمَةِ لِشِرَاءِ حَاجَاتِ الْبَيْتِ وَكَانَتْ تُتْعِبُ نَفْسَهَا فِي الْعَمَلِ لَيْلاً وَنَهَاراً.
سَأَلْتُ وَالِدَتِي :

لِمَاذَا تُتْعِبِينَ نَفْسَكَ فِي الْعَمَلِ الْمُتَوَاصِلِ يَا أُمِّي!
فَقَالَتْ :

إِنَّ الْعَمَلَ شَيْءٌ حَسَنٌ، وَأَنَا أَعْمَلُ كَثِيراً حَتَّى أُوقِرَ الطَّعَامَ وَالْمَلَابِسَ وَاللُّوْازِمَ الْمَدْرَسِيَّةَ.

وَكَانَتْ تَطْلُبُ مِنِّي دَائِماً أَنْ أَكْتُبَ دُرُوسِي وَأَعْمَلَ بِوَاجِبَاتِي الْمَدْرَسِيَّةِ وَكَانَتْ تَقُومُ هِيَ بِتَحْضِيرِ الطَّعَامِ وَإِدَارَةِ الْبَيْتِ وَفِي اللَّيَالِي تَسْهَرُ وَتَعْمَلُ مِنْ أَجْلِ رَاحَتِي.
وَكُنْتُ أَشَاهِدُ مِقْدَارَ الْجُهْدِ الَّذِي تَبْذُلُهُ لِكَيْ تُوفِّرَ لِي السَّعَادَةَ وَالْحَيَاةَ الْكَرِيمَةَ.
يَا لَهَا مِنْ أُمٍّ حَنُونٍ!
وَأَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُوفِّقَنِي لِحِدْمَتِهَا فِي الْمُسْتَقْبَلِ.

اللِّسَانُ

كَانَ لُقْمَانُ تَلْمِيزاً فِي صِغَرِهِ عِنْدَ أَحَدِ الْأَطْبَاءِ فَأَرْسَلَ الْأُسْتَاذُ تَلْمِيزَهُ إِلَى السُّوقِ وَطَلَبَ مِنْهُ أَنْ يَشْتَرِيَ لَهُ أَجُودَ قِطْعَةٍ مِنْ ذَبِيحَةٍ فَذَهَبَ وَرَجَعَ وَمَعَهُ لِسَانُ خُرُوفٍ.

و في اليوم الثاني

أَرْسَلَهُ إِلَى السُّوقِ وَ طَلَبَ مِنْهُ أَنْ يَشْتَرِيَ أَرْدَاً قِطْعَةً مِنَ الذَّبِيحَةِ. فَذَهَبَ وَ رَجَعَ
وَ مَعَهُ لِسَانُ خُرُوفٍ أَيْضاً. فَتَعَجَّبَ الْأُسْتَاذُ مِنْ عَمَلِ تَلْمِيذِهِ.
فَقَالَ : مَا وَجَدْتُ فِي جِسْمِ الذَّبِيحَةِ قِطْعَةً أَجْوَدَ وَ أَرْدَاً مِنَ اللِّسَانِ، فَاللسانُ
الكَاذِبُ التَّمَامُ يُؤْذِي النَّاسَ وَ يُغْضِبُ اللَّهَ وَ اللِّسَانُ الصَّادِقُ الْمُصْلِحُ يَنْفَعُ النَّاسَ وَ
يُرْضِي اللَّهَ.

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ:

١- ماذا طَلَبَ الْأُسْتَاذُ مِنْ لُقْمَانَ حِينَ أَرْسَلَهُ إِلَى السُّوقِ؟

٢- مَنْ تَعَجَّبَ مِنْ عَمَلِ لُقْمَانَ؟

٣- ما هُوَ أَجْوَدُ وَ أَرْدَاً قِطْعَةً مِنَ الذَّبِيحَةِ حَسَبَ رَأْيِ لُقْمَانَ؟

التمرين الأول

إِتَّخِذِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ:

(١) الف) كَانَ التَّلْمِيذُ يُطَالِعُ تَحْتَ الشَّجَرَةِ.

ب) التَّلْمِيذُ كَانَ يُطَالِعُ تَحْتَ الشَّجَرَةِ.

(٢) الف) أَصْبَحَتِ الْعَصَافِيرُ تُغَرِّدُ.

ب) أَصْبَحَتِ الْعَصَافِيرُ تُغَرِّدُ.

(٣) الف) مَازَالَ الطُّلَّابُ يَدْرُسُونَ بِجِدٍّ وَنَشَاطٍ.

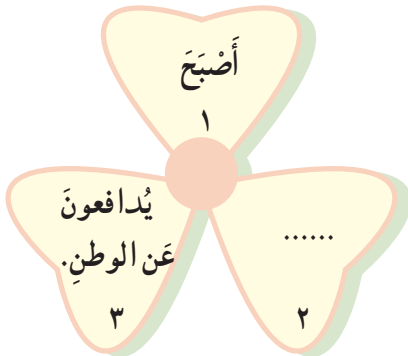
ب) مَازَالُوا الطُّلَّابُ يَدْرُسَانِ بِجِدٍّ وَنَشَاطٍ.

(٤) الف) الْعَذْرُ لَيْسَتْ صِفَةً مَحْمُودَةً.

ب) لَيْسَ الْعَذْرُ صِفَةً مَحْمُودَةً.

التمرين الثاني

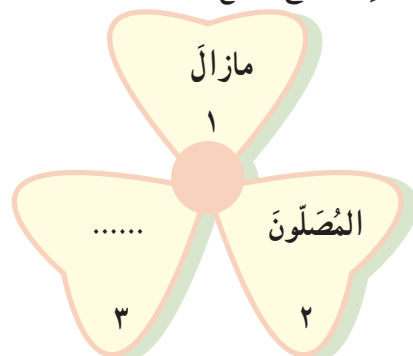
أَكْمِلِ الْفَرَاغَ لِتَصْنَعَ جُمْلًا مَفِيدَةً:



٢- المُجَاهِدَانِ

١- المُجَاهِدَيْنِ

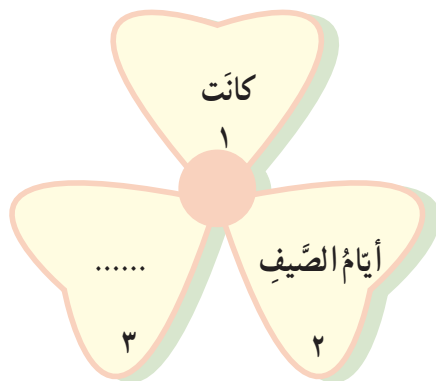
٣- المُجَاهِدُونَ



١- فِي الْمَسْجِدِ

٢- حَاضِرُونَ فِي الْمَسْجِدِ

٣- تَجْلِسُونَ خَلْفَ الْإِمَامِ



الشمس الثالث

The left diagram shows a Young diagram for a partition of 10. The rows have lengths 3, 1, and 3. The columns have heights 4, 2, 1, 1, and 1. The cells are labeled with numbers 1 through 10. The right diagram shows a Young diagram for a partition of 12. The rows have lengths 4, 4, 1, and 1. The columns have heights 4, 4, 1, 1, 1, and 1. The cells are labeled with numbers 1 through 12.

- ١ و ٢ = فعل «كُنْتُ» دون الضمير
- ٣ إلى ٨ = اسم الفاعل من «ظلم» معرّفاً بـ «ال» و مجروراً بـ «لِ»
- ٩ إلى ١٢ = صفة مشبّهة من «خصومة» على وزن فَعْل منصوباً
- ١٣ = حرف «ربط» مشترك بين الفارسيّة والعربيّة.
- ١٤ إلى ٢٠ = اسم المفعول من «ظلم» معرّفاً بـ «ال» و مجروراً بـ «لِ»
- ٢١ إلى ٢٤ = الحروف الأصلية لكلمة «تعاون» منصوبة
- ٢٥ إلى ٢٨ = المفرد من «أئمة»
- ٢٩ إلى ٣١ = فاتح «خَيْر»
- ٣٢ = مختصر (عليه السلام)
- ترجمة الجدول : دشمن ستمگر و ياور ستمديده باش!

التدريب الرابع

اُكْتُبْ إعراب الكلمات التي أُشير إليها بخطّين والتحليل الصّرْفِيّ للكلمات التي أُشير إليها بخطّ واحد:

- ١- تُصْبِحُ الرَّهْرَةُ ثَمَرَةً فِي الرَّبِيعِ.
- ٢- كَانَ الطَّالِبُ قَدْ كَتَبَ آيَةً كَرِيمَةً عَلَى اللُّوحِ.
- ٣- لَيْسَ النَّفَاقُ صِفَةً مَحْمُودَةً بَيْنَ النَّاسِ.

التدريب الخامس

- احذف الأفعال الناقصة من الجمل التالية و غَيِّرْ ما يلزمُ تَغْيِيرُهُ:
- ١- صارَ البوصيرِيُّ مَعْرُوفاً بِقَصِيدَتِهِ «الْبُرْدَةِ».
 - ٢- صارَ الْأَغْنِيَاءُ يُسَاعِدُونَ الْفُقَرَاءَ.
 - ٣- أَصْبَحْنَا أَحْرَاراً بَعْدَ ثَوْرَتِنَا الْإِسْلَامِيَّةِ.

– خبر کَانَ اگر فعل مضارع باشد معادل ماضی استمراری و هرگاه فعل ماضی باشد معادل ماضی بعید زبان فارسی خواهد بود، مانند :

کَانَ التِّلْمِیْذُ یَقْرَأُ دَرَسَهُ : دانش‌آموز درس خود را می‌خواند.

کَانَ التِّلْمِیْذُ قَدْ قَرَأَ دَرَسَهُ : دانش‌آموز درس خود را خوانده بود.

لِلتَّرْجُمَةِ

إِقْرَأِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ ثُمَّ عَيِّنْ تَرْجُمَتَهَا الصَّحِيحَةَ:

۱- ﴿وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ﴾ (مریم / ۵۵)

- الف) خانواده‌اش را به نماز و زکات فرمان داده بود.
- ب) خانواده‌اش را به نماز و زکات فرمان می‌داد.

۲- کَانَ الْمُسْلِمُونَ اِكْتَسَبُوا مَكَانَةً عِلْمِيَّةً رَفِيعَةً فِي الْقُرُونِ الْأُولَى.

- الف) مسلمانان در سده‌های نخستین جایگاه علمی والایی به دست آورده بودند.
- ب) مسلمانان جایگاه علمی رفیعی در سده‌های نخستین به دست آوردند.

۳- کَانَ الْفَلَاحَانِ يَحْصُدَانِ الزَّرْعَ.

- الف) دو کشاورز محصول را درو می‌کردند.
- ب) دو کشاورز محصول را درو کرده بودند.

اقْرَأِ الْعِبَارَاتِ ثُمَّ تَرْجِمُهَا إِلَى الْفَارْسِيَّةِ بِعِبَارَاتٍ مَأْلُوفَةٍ:

* إِنَّ كَلَامَ الْحُكَمَاءِ إِذَا كَانَ صَوَابًا كَانَ دَوَاءً وَإِذَا كَانَ خَطَأً كَانَ دَاءً.

* كُنْ سَمِيحًا وَلَا تَكُنْ مُبَدِّرًا وَكُنْ مُقْتَصِدًا وَلَا تَكُنْ مُقْتَرًّا.

* مَنْ كَتَمَ سِرَّهُ كَانَتْ الْخَيْرَةُ بِيَدِهِ.

سَمِيح: سخاوتمند

مُبَدِّر: مسرف، اسراف كننده

مُقْتَصِد: صرفه جو

مُقْتَر: خسيس

الْخَيْرَةُ: اختيار

الف) با توجه به معانی آیات، هر آیه از ستون «الف» را به آیه ای از ستون «ب» وصل کنید:

«الف»

«ب»

۱- ﴿وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ﴾

ولم يَكُنْ جَبَّاراً عَصِيّاً ﴿ (مریم/۱۴)

نزدیک این درخت نشوید

و ستمگر و نافرمان نبود.

۲- ﴿وَكَانَ تَقِيّاً وَبِراً بِوَالِدَيْهِ﴾

غليظَ القلبِ لَانْفَاضُوا مِنْ حَوْلِكَ ﴿

(آل عمران/۱۵۹)

و او نسبت به پدر و مادرش نیکوکار بود و سخت دل، مردم از گرد تو پراکنده می شدند.

۳- ﴿وَلَوْ كُنْتَ فَظاً﴾

فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿ (الأعراف/۱۹)

و اگر تندخوی بودی

که به این سبب از ستمکاران خواهید بود.

ب) با انتخاب فعل ناقصه مناسب آیات زیر را کامل کنید:

۱- ﴿فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ ف.....﴾ (الأعراف/۷۸)

أَصْبَحُوا

لَيْسُوا

پس زلزله آن ها را دربرگرفت تا آن که همه در خانه های خود از پای درآمدند.

۲- ﴿و.....﴾ (النساء/۱۰۵)

لَا تَكُونُ

لَا تَكُنْ

و طرفدار خیانتکاران مباش!

۳- ﴿أ.....﴾ (التین/۸)

لَيْسَ

صَارَ

آیا خدا بهترین داوران نیست؟!

الدَّرْس الحادي عشر

الحروف المشبهة بالفعل

این جملات را با
یکدیگر
مقایسه
کنید.

الرَّيْعُ جَمِيلٌ.

كَانَ الرَّيْعُ جَمِيلاً.

إِنَّ الرَّيْعَ جَمِيلٌ.

جمله اول چه نوع جمله ای است؟

جمله دوم و سوم با چه کلمه ای آغاز شده اند؟

کدام جمله برایتان تازگی دارد؟

این جمله با چه کلمه ای آغاز شده است؟

حدس می زنید چه

اتفاقی افتاده است؟

○ بله، کاملاً درست است برای جمله اسمیه مهمان دیگری دعوت کرده ایم.

﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ﴾
﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ﴾
﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ﴾

به آیاتی آشنا
از قرآن کریم
توجه کنید.

إِنَّ :

از حروف مشبّهه بالفعل است که برای رساندن مفهوم تأکید بر سر مبتدا و خبر درمی آید.

با آمدن إِنَّ

خبر

به عنوان خبر إِنَّ مرفوع باقی
می ماند.

مبتدا

به عنوان اسمِ إِنَّ منصوب
می شود.

و

عَالِمٌ

اللَّهُ

إِنَّ

خبر إِنَّ و
مرفوع

اسمِ إِنَّ و
منصوب

از حروف
مشبّهه بالفعل

عَالِمٌ

اللَّهُ

خبر

مبتدا

«إِنَّ» أَخَوَاتٌ دِیْگَرِی نِیْز دَارَد.

كَأَنَّ الْعِلْمَ نُورٌ .
لَعَلَّ الْمَطَرَ نَازِلٌ .
لَيْتَ الْامْتِحَانَ سَهْلٌ .
جَاءَ الرَّبِيعُ وَلَكِنَّ الْجَوَّ
بَارِدٌ .
عَلِمْتُ أَنَّ الْعِلْمَ نَافِعٌ .

آیا با دقت در این عبارات
می‌توانید آن‌ها را پیدا کنید؟

بدانیم

أَنَّ ، لَكِنَّ ، لَيْتَ ، لَعَلَّ ، كَأَنَّ
(که، اینکه) (لیکن) (کاش) (شاید) (گویا، مثل اینکه)
از دیگر حروف مشبّهه بالفعل می‌باشند.

اسم و خبر حروف
مشبّهه بالفعل

إِنَّ الْمُؤْمِنَ صَادِقٌ .	اسم ظاهر
إِنَّكَ صَادِقٌ .	ضمیر متصل
لَعَلَّ الطَّالِبَ نَاجِحٌ .	مفرد
لَعَلَّ الطَّالِبَ يَنْجِحُ .	جمله
لَعَلَّ الطَّالِبَ مِنَ النَّاجِحِينَ .	شبه جمله

اسم حروف مشبّهه بالفعل

خبر حروف مشبّهه بالفعل

رابطه میان اسم و خبر حروف مشبّهه بالفعل دقیقاً مانند رابطه مبتدا و خبر است.

به این جملات توجه نمایید:

إِنَّ اللَّهَ عَالِمٌ : همانا خداوند عالم است.

○ چه تفاوتی در دو جمله می بینید؟

إِنَّمَا اللَّهُ عَالِمٌ : فقط خداوند عالم است.

○ در جمله دوم چه کلمه ای اضافه شد؟

○ با آمدن «ما» چه تغییری در معنای جمله ایجاد شد؟

○ با آمدن «ما» چه تغییری در اعراب کلمات ایجاد شد؟

برای منحصر کردن مفهوم خبر برای مبتدا، می توان به إِنَّ و أَنَّ
«ما» افزود که به این «ما» مای کافّه یعنی بازدارنده می گویند.

به این «ما» کافّه و بازدارنده
گفته اند چون مانع عمل
«إِنَّ»... می شود و بعد از
آن ممکن است :

جمله فعلیه (فعل + فاعل + ...) بیاید

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ	إِخْوَةٌ
از حروف مای کافّه	مبتدا و خبر و مرفوع
مشبهة بالفعل	

و یا

جمله اسمیه (مبتدا + خبر) بیاید

إِنَّمَا	المؤمنون	إِخْوَةٌ
از حروف مای کافّه	مبتدا و خبر و مرفوع	
مشبهة بالفعل		

إِنَّمَا و أَنَّمَا را مجموعاً أدوات حصر گویند.



الوالي المتواضع

قَدِمَ رَجُلٌ مِنَ الشَّامِ وَمَعَهُ حِمْلٌ تَمْرٍ وَأَشْيَاءُ أُخْرَى.

في السُّوقِ

إِلَهِي! هَذَا الْحِمْلُ ثَقِيلٌ. مَنْ يُسَاعِدُنِي؟

فَوَقَعَ نَظْرُهُ عَلَى رَجُلٍ حَسِبَهُ فَقِيرًا.

هَلْ تُسَاعِدُنِي وَتَحْمِلُ لِي هَذَا الْحِمْلَ؟

فَأَجَابَهُ الرَّجُلُ : نَعَمْ، بِكُلِّ سُورٍ.

فَحَمَلَهُ وَ ذَهَبَا مَعًا ... وَ فِي الطَّرِيقِ شَاهِدًا جَمَاعَةً مِنَ النَّاسِ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْأَمِيرُ!

فَتَعَجَّبَ الشَّامِيُّ : إِلَهِي! مَنْ هَذَا؟

أَسْرَعَ النَّاسُ نَحْوَهُ لِيَأْخُذُوا مِنْهُ الْحِمْلَ.

فَعِنْدَمَا شَاهَدَ الشَّامِيُّ النَّاسَ قَدِ اجْتَمَعُوا حَوْلَ هَذَا الرَّجُلِ، سَأَلَهُمْ عَنْهُ، فَأَجَابُوهُ :

إِنَّهُ أَمِيرُ الْمَدَائِنِ، إِنَّهُ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ . فَحَجَلَ الرَّجُلُ وَاعْتَذَرَ مِنْهُ وَ قَصَدَ أَنْ

يَأْخُذَ الْحِمْلَ . وَلَكِنَّ سَلْمَانَ رَفَضَ وَ قَالَ لَهُ : سَأَحْمِلُهُ إِلَى مَقْصَدِكَ .

فَتَعَجَّبَ الشَّامِيُّ مِنْ تَوَاضُعِ الْأَمِيرِ.

أهل مَدِين

مَدِينُ كَانَتْ مَدِينَةً كَبِيرَةً فِي الشَّامِ وَ كَانَ أَهْلُهَا فِي أَوَّلِ أَمْرِهِمْ أَهْلَ صَلَاحٍ وَ

تَقْوَى، يَعْْبُدُونَ اللَّهَ وَ لَا يُشْرِكُونَ بِهِ شَيْئاً وَ كَانُوا تُجَاراً.
وَ مَعَ مُرُورِ الْآيَامِ تَغْلَبَ عَلَيْهِمُ الطَّمَعُ وَ اتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ وَ تَرَكُوا عِبَادَةَ اللَّهِ وَ
كَانُوا يَنْقُصُونَ فِي الْمِيزَانِ.

فَبَعَثَ اللَّهُ تَعَالَى شُعَيْباً لِهَدَايَتِهِمْ إِلَى الْحَقِّ وَ النَّهْيِ عَنِ الشَّرِكِ بِاللَّهِ.
فَكَانَ شُعَيْبٌ يُخَاطِبُ النَّاسَ فِي الْأَسْوَاقِ وَ يَأْمُرُهُم بِالْعَدْلِ وَ يَمْنَعُهُم عَنِ الْمُنْكَرِ.
فِي أَحَدِ الْآيَامِ قَالَ لَهُ رَجُلٌ :

يَا نَبِيَّ اللَّهِ : إِنَّ هَؤُلَاءِ الْقَوْمَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَ أَنَا غَرِيبٌ فِي هَذِهِ الدِّيَارِ . اِشْتَرَيْتُ
مِنْهُمْ مِقْدَاراً مِنَ التَّمْرِ وَلَكِنَّهُمْ نَقَصُوا فِي الْوِزْنِ وَ عِنْدَمَا اعْتَرَضْتُ عَلَى هَذَا الْعَمَلِ
ضَرَبُونِي وَ هَدَّدُونِي .

فَخَرَجَ شُعَيْبٌ مَعَهُ إِلَى السُّوقِ وَ سَأَلَهُمْ عَنْ قِصَّةِ الرَّجُلِ فَلَمْ يُنْكِرُوها . وَ قَالُوا :
إِنَّ هَذِهِ طَرِيقَةُ آبَائِنَا وَ نَحْنُ نَعْمَلُ بِهَا .

فَظَلُّوا عَلَى هَذِهِ الطَّرِيقَةِ فَحَذَّرَهُمْ شُعَيْبٌ مِنْ غَضَبِ اللَّهِ وَ لَكِنَّهُمْ لَمْ يَسْتَمِعُوا
إِلَيْهِ . فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ وَ تَهَدَّمَتْ أَسْوَاقُهُمْ وَ بُيُوتُهُمْ فِي زَلْزَلَةٍ شَدِيدَةٍ وَ رِيحٍ
حَارِقَةٍ ... !

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ:

- ١- مِنْ أَيِّ شَيْءٍ تَعَجَّبَ الشَّامِيُّ؟
- ٢- كَيْفَ كَانَ أَهْلُ مَدْيَنَ فِي أَوَّلِ أَمْرِهِمْ؟
- ٣- مَاذَا عَمِلَ أَهْلُ مَدْيَنَ حِينَ اعْتَرَضَ الرَّجُلُ الْغَرِيبَ عَلَى عَمَلِهِمْ؟
- ٤- كَيْفَ كَانَتْ عَاقِبَةُ أَهْلِ مَدْيَنَ؟

التمرين الأول

اِنتْخِبِ الكَلِمَةَ الْمُنَاسِبَةَ ثُمَّ اذْكُرْ إِعْرَابَهَا:

١- إِنْكَ الدُّعَاءُ.

٢- إِنَّمَا دَارُ مَمَرٍّ.

٣- لَا تَكُنْ لِغَيْرِ اللَّهِ.

٤- كَأَنَّ السَّمَاءَ مَرْفُوعٌ.

٥- لَيْتَنِي قَوِيٌّ كَيْ أَسَاعِدَ الضُّعَفَاءَ.

سَمِيعٌ

عَبْدًا

عَبْدٌ

الدُّنْيَا

سَقْفٌ

ي

سَمِيعٌ

سَقْفًا

التمرين الثاني

فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ جُمْلَةٌ مُفِيدَةٌ اكِتُبْهَا ثُمَّ رَتِّبِ الْكَلِمَاتِ الْبَاقِيَةَ لِتُشَاهِدَ حَدِيثًا نَبَوِيًّا:

٢

إِنْكَ

طَالِبَةٌ

مُؤَدَّبَةٌ

يَهْدِي
إِلَى الْبِرِّ

١

مُحِبُّو

لَيْسَ

الْصَّدَقُ

الظَّالِمُ

٤

الطَّالِبِينَ

لَيْتَ

الْبِرِّ

يَجْتَهِدَانِ
فِي دَرَسِهِمَا

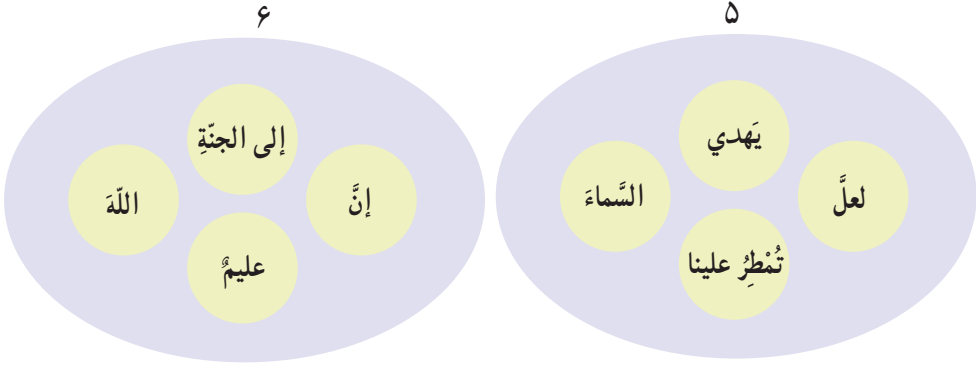
٣

يُؤْمِنُ
بِاللَّهِ

لَعَلَّ

الْكَافِرُ

وَإِنْ

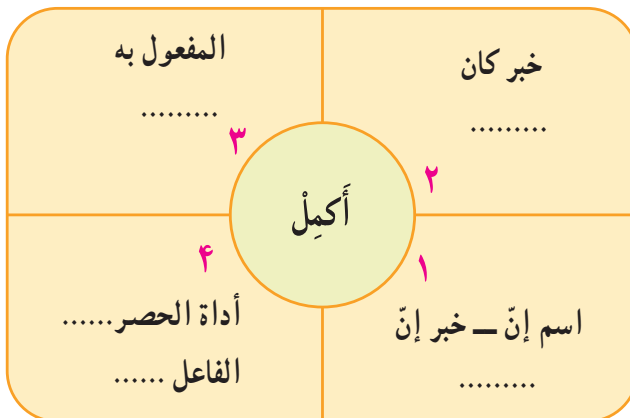


قال الرسولُ (ص):

التمرين الثالث

اُكْتُبْ مَا طُلِبَ مِنْكَ فِي مَكَانِهِ الْخَاصَّ :

- ١- ﴿إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾
- ٢- ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى﴾
- ٣- ﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾
- ٤- ﴿إِنَّ الْمَسَاجِدَ بُيُوتُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ﴾



التمرين الرابع

حَوِّلِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ مِنَ الْمَفْرَدِ إِلَى الْمُثْنَى فَالْجَمْعِ:

١- إِنَّ الْجُنْدِيَّ يُدَافِعُ عَنِ الْوَطَنِ بِرُوحِهِ.

٢- لَيْتَكَ تَنْصُرُ الْمَظْلُومِينَ.

التمرين الخامس

اجْعَلْ حَرْفًا مُشَبَّهًا بِالْفِعْلِ مَحَلَّ الْفِعْلِ النَّاqِصِ ثُمَّ غَيِّرْ مَا يَلْزَمُ تَغْيِيرُهُ:

١- مَا زَالَ الْحَسَدُ يَقْتُلُ صَاحِبَهُ.

٢- كُنْتُ قَدْ نَجَحْتُ فِي الْحَيَاةِ بِجِدِّكَ.

التمرين السادس

صَحِّحِ الْأَخْطَاءَ مَعَ بَيَانِ السَّبَبِ:

١- إِنَّ الْمُسْلِمُونَ مُتَفَرِّقِينَ مَا دَامُوا بَعِيدُونَ عَنِ الْإِسْلَامِ.

٢- إِنَّ مُمَرِّضَاتِ الْمُسْتَشْفَى سَاهَرَاتٍ طَوْلَ اللَّيْلِ.

٣- لَيْسَ الْأَعْدَاءُ قَادِرُونَ عَلَى هَزِيمَتِنَا.

التمرين السابع

اُكْتُبْ إِعْرَابَ الْكَلِمَاتِ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطِّينِ وَالتَّحْلِيلَ الصَّرْفِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطِّ

وَاحِدٍ:

﴿ إِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَ أَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ ﴾

— «إِنَّ» معمولاً در آغاز عبارت می‌آید و بیانگر معنای تأکید است :
 إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ : قطعاً خداوند نیکوکاران را دوست دارد.
 — «أَنَّ» به معنای «که» یا «این‌که» است و معمولاً میان دو عبارت می‌آید و معادل حرف
 ربط زبان فارسی است :
 عَلِمْتُ أَنَّهُا قَدْ نَجَحَتْ فِي الْامْتِحَانِ : دانستم که او در امتحان قبول شده است.
 — خبر «لَيْتَ» و «لَعَلَّ» در صورتی که مضارع باشد معمولاً در ترجمه آن از مضارع
 التزامی استفاده می‌کنیم :
 لَيْتَ السَّلَامَ يَسْتَقِرُّ فِي الْعَالَمِ : کاش صلح در جهان استقرار یابد.

للترجمة

اقرأ العبارات التالية ثم عَيِّن ترجمتها الصحيحة:

۱- إِنَّ النَّيْمَةَ تَزْرَعُ الضَّغِينَةَ.

○ الف) شاید سخن چینی (بذر) کینه بکارد.

○ ب) همانا سخن چینی (بذر) کینه می‌کارد.

۲- لَيْتَ الْمَوَدَّةَ تَسْتَقِرُّ بَيْنَ النَّاسِ.

○ الف) کاش دوستی در میان مردم جای گیرد.

○ ب) کاش دوستی در میان مردم جای گرفته بود.

۳- ﴿لَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (البقرة / ۱۰۶)

○ الف) آیا نمی‌دانی همانا خداوند بر انجام هر چیزی توانا است.

○ ب) آیا ندانستی که خداوند بر انجام هر چیزی توانا است.

۴- ﴿يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾ (إبراهيم / ۲۵)

○ الف) خداوند برای مردم مثل‌ها می‌آورد کاش آن‌ها به یاد می‌آوردند و پند می‌گرفتند.

○ ب) خداوند برای مردم مثل‌ها می‌زند شاید آن‌ها به یاد آورند و پند گیرند.

افترأ العباراتِ ثُمَّ تَرَجَّمْهَا إِلَى الْفَارْسِيَّةِ بِعِبَارَاتٍ مَأْلُوفَةٍ:

* عِبَادَ اللَّهِ إِنَّ أَنْصَحَ النَّاسِ لِنَفْسِهِ أَطْوَعُهُمْ لِرَبِّهِ وَإِنَّ أَغَشَّهُمْ لِنَفْسِهِ
أَعْصَاهُمْ لِرَبِّهِ.

* اتَّقُوا مَعَاصِيَ اللَّهِ فِي الْخُلُوتِ فَإِنَّ الشَّاهِدَ هُوَ الْحَاكِمُ.

* لَا تَسْتَخِي مِنْ إِعْطَاءِ الْقَلِيلِ فَإِنَّ الْحِرْمَانَ أَقْلُ مِنْهُ.

لا تَسْتَخِي: شرم مكن

الْحِرْمَانُ: محروميت

أَطْوَعُ: مطيع ترين

أَغَشَّهُمْ لِنَفْسِهِ: خود فريب ترين آن ها

الْخُلُوتُ: ج خلوة، خلوت

الف) ترجمه آیات زیر را با انتخاب کلمه مناسب کامل کنید:

۱- ﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (البقرة / ۱۸۹)

ای کاش شما

شاید شما

و تقوای خدا را پیشه کنید رستگار شوید.

۲- ﴿وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا﴾ (النبأ / ۴۰)

به درستی که

ای کاش

و کافر (در آن روز) می گوید خاک بودم.

۳- ﴿إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُبِينًا﴾ (النساء / ۱۰۱)

گویا

بی شک

..... کفار نسبت به شما دشمنان آشکاری هستند.

ب) خبر حروف مشبیه بالفعل و نوع آن را مشخص کنید:

نوع خبر

خبر

۱- ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ﴾ (التخل / ۹۰)

قطعاً خداوند به عدل و احسان فرمان می دهد.

نوع خبر

خبر

۲- ﴿لَكَتِي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (الأعراف / ۶۱)

ولیکن من فرستاده ای از جانب پروردگار جهانیانم.

نوع خبر

خبر

۳- ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ﴾ (العصر / ۲)

به راستی که انسان در زیانکاری است.

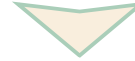
الدّرس الثانی عشر

أفعال المقاربة



تزدیک بود باران بیارد.

باران بارید.



گلدان بر زمین افتاد.

تزدیک بود گلدان بیافتد.

با توجه به هر
تصویر، جمله
مناسب را به آن
وصل کنید.

در زبان فارسی برای نزدیک نشان دادن وقوع فعل معمولاً از فعل نزدیک بود، نزدیک است و استفاده می شود. در زبان عربی چطور؟

برای نزدیک نشان دادن وقوع کاری در زبان عربی از فعل های مخصوصی استفاده می شود.

كَادَ الْمَطَرُ يَنْزِلُ.

به ترجمه عبارت های فوق
توجه کنید.

كَادَتِ الْمَزْهَرِيَّةُ
تَسْقُطُ.

فعل «کاد» بر چه مفهومی دلالت می‌کند؟

بعید بودن انجام کار

نزدیک بودن وقوع کار

انجام شدن کار

به فعل‌هایی مانند «کاد» که نزدیک بودن وقوع کاری را نشان می‌دهند «افعال مقاربه» می‌گویند.

اکنون می‌خواهیم با «کاد» بیشتر آشنا شویم.

المعلّم يَحْضُرُ. ⇐ كَادَ المعلّم يَحْضُرُ.
الشَّجَرَةُ تُثْمِرُ. ⇐ كَادَتِ الشَّجَرَةُ تُثْمِرُ.

به این عبارات و تغییرات آن توجه کنید.

- کاد و کادت بر سر چه جمله‌ای آمده‌اند؟ اسمیه ○ فعلیه ○
- با آمدن «کاد» کلمه بعد چه اعرابی گرفته است؟ رفع ○ نصب ○ جر ○
- عمل «کاد» به کدام مورد شبیه است؟ افعال ناقصه ○ حروف مشبّه ○

؟

گویا جمله اسمیه باز هم مهمان دارد!

کاد

از فعل‌های مقاربه است که بر سر مبتدا و خبر می‌آید و مانند کان عمل می‌کند.

یعنی

خبر منصوب

و

اسم مرفوع

می‌شود.

با این تفاوت که خبر آن حتماً باید با فعل مضارع شروع شود.

أَبْصَارَهُمْ

يَخْطِفُ

الْبَرْقُ

يَكَادُ

خبر کاد (جمله فعلیه)
و محلاً منصوب

اسم کاد و
مرفوع

فعل مقاربه

○ أَخَذَ الْمُعَلِّمُ يُدْرِّسُ «معلم درس دادن را شروع کرد.»

بیاید با أخوات
«کاد» آشنا شویم.

○ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَرْحَمَكُم «امید است خداوند شما را مورد رحمت قرار دهد.»

بدانیم

«بَدَأَ»، «شَرَعَ»، «أَخَذَ» و «جَعَلَ» به معنای شروع کرد و «عَسَى» به معنای امید است و «كَادَ» و «أَوْشَكَ» به معنای نزدیک است، افعال مقاربه هستند.

این فعل‌ها از جهت معنی به سه گروه تقسیم می‌شوند.

افعال شروع

بر شروع شدن کاری
دلالت دارند.
(فقط صیغه‌های
ماضی)

بَدَأَ ، شَرَعَ
أَخَذَ ، جَعَلَ

افعال رَجَاء

امید به انجام گرفتن کاری
را بیان می‌کنند. (فقط
صیغه‌های ماضی)

عَسَى

افعال قُرْب

نزدیک بودن وقوع کاری
را نشان می‌دهند.
(صیغه‌های ماضی و
مضارع)

كَادَ و أَوْشَكَ

لا لباسَ أَجْمَلُ من العافية.
لا طالبَ في الصفِّ.
لا كتابَ عندي.

اکنون به این جملات منفی
توجه نمایید.

- «لا» بر سر چه کلمه ای آمده است؟ اسم ○ فعل ○ حرف ○
- جمله بعد از «لا» چه نوع جمله ای است؟ اسمیه ○ فعلیه ○
- اسم بعد از «لا» چه حرکتی دارد؟ فتحه ○ ضمه ○ کسره ○
- اسم بعد از «لا» از جهت اعراب شبیه کدام مورد است؟
- اسم افعال ناقصه ○ اسم حروف مشبیه بالفعل ○ اسم افعال مقاربه ○

آیا می توانید به
این سؤالات
پاسخ دهید :

بدانیم

گاهی «لا» بر سر جمله «اسمیه» می آید و مانند حروف مشبیه بالفعل اسمی
منصوب و خبری مرفوع می گیرد. به این حرف «**لای نفی جنس**» گفته می شود.

لَا

من العافية.

جار و مجرور

أَجْمَلُ

خبر «لا»ی نفی جنس

لباسَ

اسم «لا»ی نفی جنس

لا

«لا»ی نفی جنس

آیا این عبارتها برای شما
آشناست؟

لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ.
لا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.
لا سَيْفَ إِلَّا ذُو الْفَقَارِ.
لا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ.

نکره است بدین خاطر هیچگاه الف و لام نمی گیرد.
غالباً مبنی بر فتح است و بدین خاطر تنوین ندارد.
○ لا جَهْلَ أَضَرُّ مِنَ الْعُجْبِ.

اسم

خبر «لا نفی جنس» مانند خبر مبتدا است.
○ لا شَيْءَ أَجْمَلُ مِنَ الصَّبْرِ.
○ ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ.
○ لا نَصِيحَةَ تَنْفَعُ الْعَنُودَ.
گاهی خبر «لا» محذوف است.
○ لا شَكَّ. (لا شَكَّ موجود)

خبر

اسم
و
خبر
«لا»
نفی جنس

خلاصة النواسخ^۱

<p>خبر (منصوب)</p> <p>مفرد : لَيْسَ الدَّرْسُ صَعْبًا.</p> <p>جملة : كَانَ المَعْلَمُ يُدْرَسُ.</p> <p>شبه جملة : مازالَ التلميذُ في المكتبةِ.</p>	<p>اسم (مرفوع)</p> <p>اسم ظاهر : صارَ الجَوُّ بارداً.</p> <p>ضمير بارز : كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ.</p> <p>ضمير مستتر : المؤمنُ يكونُ (هو) صادقاً.</p>	<p>كَانَ</p> <p>أَصْبَحَ</p> <p>صارَ</p> <p>مَادَامَ</p> <p>مازالَ</p> <p>لَيْسَ</p>	<p>الأفعال</p> <p>الناقصة</p>
<p>خبر (مرفوع)</p> <p>مفرد : لَعَلَّ الطَّالِبَ نَاجِحٌ.</p> <p>جملة : إِنَّ الجُنْدِيَّ يُدَافِعُ عَنْ وَطَنِهِ.</p> <p>شبه جملة : كَانَ الفلاحُ في مزرعتهِ.</p>	<p>اسم (منصوب)</p> <p>اسم ظاهر : إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ.</p> <p>ضمير متصل : كَأَنَّكَ عالمٌ.</p>	<p>إِنَّ</p> <p>أَنَّ</p> <p>كَأَنَّ</p> <p>لَكِنَّ</p> <p>لَيْتَ</p> <p>لَعَلَّ</p>	<p>الحروف</p> <p>المشبهة</p> <p>بالفعل</p>
<p>خبر (محلاً منصوب)</p> <p>جملة فعلية (فعل مضارع)</p>	<p>اسم (مرفوع)</p> <p>اسم ظاهر : بَدَأَ المَعْلَمُ يُدْرَسُ.</p> <p>ضمير بارز :</p> <p>الطُّلَّابُ شَرَعُوا يَكْتُبُونَ.</p> <p>ضمير مستتر : الدَّرْسُ كَادَ (هو) يَنْتَهِي.</p>	<p>كَادَ (يَكَادُ)</p> <p>أَوْشَكَ (يُوشِكُ)</p> <p>عَسَى</p> <p>بَدَأَ</p> <p>شَرَعَ</p> <p>أَخَذَ</p> <p>جَعَلَ</p>	<p>أفعال</p> <p>المقاربة</p>
<p>خبر (مرفوع)</p> <p>مفرد : لَدَاءَ أَضْرُّ مِنَ الجَهْلِ.</p> <p>جملة : لَنَا جَحْ يَتَكَاسَلُ فِي حياتهِ.</p> <p>شبه جملة : لا كتابَ على الكرسيِ.</p>	<p>اسم (منصوب)</p> <p>اسم ظاهر :</p> <p>لا جَهْلَ أَضْرُّ مِنَ العُجْبِ.</p>	<p>لا</p>	<p>لا</p> <p>النافية</p> <p>للجنس</p>

۱- نواسخ: ادواتی هستند که چون بر سر جمله درآیند، اعراب اجزای جمله را «نسخ» می کنند یعنی اعراب جدیدی را جانشین اعراب قبلی می کنند به طوری که هرگاه این ادوات حذف شوند اعراب قبلی به جای خود بازمی گردد.

الصديق الناصح

كَانَ لِرَجُلٍ فَقِيرٍ صَدِيقٌ. فَقَالَ لَهُ يَوْمًا :
مَا عِنْدَنَا شَيْءٌ «يُسَمِّنُ وَيُغْنِي مِنْ جُوعٍ» . تَعَالَ نَذْهَبَ إِلَى الْبَسَاتِينِ وَ الْحُقُولِ
لِلْعَمَلِ ، عَسَى اللَّهُ أَنْ يَرْزُقَنَا رِزْقًا حَلَالًا .

فانطلقا نحو البساتين

بَيْنَمَا كَانَا يَذْهَبَانِ وَسَوَسَ لَهُ الشَّيْطَانُ أَنْ يَتَسَلَّقَ جُذْرَانِ الْبَسَاتِينِ وَ يَسْرِقَ
مِقْدَارًا مِنَ الْفَوَاكِه .
فَقَالَ لِصَدِيقِهِ : اِنْتَظِرْ هُنَا وَ رَاقِبِ الْأَطْرَافَ فَإِذَا اقْتَرَبَ أَحَدٌ فَأَخْبِرْنِي .
فَوَقَّفَ الصَّدِيقُ لِلْمِرَاقَبَةِ وَ بَدَأَ الرَّجُلُ يَقْطِفُ الْفَوَاكِهَ .

بعد قليل

قَالَ صَدِيقُهُ : يَا أَخِي ! أَحَدٌ يُشَاهِدُنَا ، فَخَافَ الرَّجُلُ وَ نَزَلَ مِنَ الْجِدَارِ وَ
سَأَلَهُ : مَنْ هُوَ ؟ أَيْنَ هُوَ ؟
فَقَالَ صَدِيقُهُ : هُوَ اللَّهُ الَّذِي يَرَى كُلَّ أَحَدٍ وَ يَعْلَمُ كُلَّ شَيْءٍ . فَارْتَعَدَ الرَّجُلُ
وَ خَجَلَ ...

العامل

نَحْتَفِلُ بِيَوْمِ الْعَامِلِ مِنْ كُلِّ عَامٍ . لِأَنَّ الْعَمَلَ أَقْدَسُ مَا فِي حَيَاةِ الْإِنْسَانِ وَ

١- إشارة إلى الآية السابعة من سورة الغاشية

الإسلام يحترمُ العاملَ بحيثُ افْتَحَرَ الرسولُ الأكرمُ (ص) بأن يُقْبَلَ بِدِيِّ العاملِ . و عَسَى العاملُ أَنْ يَتَمَتَّعَ بِمَكَانَةٍ رَفِيعَةٍ فِي مُجْتَمَعِنَا إِذْ إِنَّ الْمُجْتَمَعَاتِ الْبَشَرِيَّةَ بَدَأَتْ تَتَقَدَّمُ بِفَضْلِ الْأَيْدِي الْعَامِلَةِ الْمُتَخَصِّصَةِ.

قال جُبران خليل جُبران^١ في شأنِ العاملِ :
«أُحِبُّ مِنَ النَّاسِ الْعَامِلَ . أُحِبُّهُ لِأَنَّهُ يُطْعِمُنَا وَيَحْرِمُ نَفْسَهُ ، أُحِبُّهُ لِأَنَّهُ يَغْزِلُ ...
لِنَلْبَسِ الْأَثَوَابَ الْجَدِيدَةَ ، بَيْنَمَا زَوْجَتُهُ وَأَوْلَادُهُ فِي مَلَابِسِهِمُ الْقَدِيمَةِ . أُحِبُّهُ لِأَنَّهُ يَبْنِي
الْمَنَازِلَ الْعَالِيَةَ وَيَسْكُنُ الْأَكْوَاحَ الْحَقِيرَةَ . أُحِبُّ ابْتِسَامَتَهُ الْحُلُوءَةَ .
أُحِبُّ مِنَ النَّاسِ الْعَامِلَ ، لِأَنَّهُ يَحْسَبُ نَفْسَهُ خَادِمًا وَهُوَ السَّيِّدُ السَّيِّدُ وَأُحِبُّهُ
لِأَنَّهُ خَجُولٌ فَإِذَا أُعْطِيَتهُ أَجْرَتَهُ شَكَرَكَ قَبْلَ أَنْ تَشْكُرَهُ».

أجب عن الأسئلة التالية:

١- إلى أين ذَهَبَ الرجلُ الفقيرُ مع صديقه؟

٢- مَنْ وَثَّوَسَ للرجل؟

٣- مَنْ كَانَ يُسَاهِدُ الرجلَ وَصَدِيقَهُ؟

٤- كيف تقدّمت المجتمعاتُ البشريّةُ؟

١- هو أديبٌ لبنانيٌّ وُلِدَ سنة ١٨٨٣ الميلاديّة هاجرَ إلى خارجِ الوَطَنِ و واصلَ نَشَاطَاتِهِ الْأَدَبِيَّةَ هُنَاكَ وَ

صارَ من أشهر الأُدباء في عصره.

التمرين الأول

اقرأ العبارات التالية ثم أكمل الجدول التالي:

الفعل الناسخ	اسمه	خبره
١-
٢-
٣-
٤-

١- أَخَذَ الْجُنْدِيُّ يُدَافِعُ عَنِ الْوَطَنِ.

٢- عَسَى اللَّهُ أَنْ يَنْصُرَنَا.

٣- أَوْشَكَ الْمُذْنِبُ أَنْ يَتَوَبَ مِنْ ذَنْبِهِ.

٤- كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كَفْرًا.

التمرين الثاني

ميز الخطأ ثم اكتب صحيحه:

خطأ الشكل الصحيح

١- عَسَى السَّلَامُ أَنْ يَشْمَلَ الْعَالَمَ.

٢- لَا الْفَضِيلَةَ أَجْلٌ مِنَ الْإِحْسَانِ.

٣- بَدَأَتِ الْقَمَرُ يَحْسِفُ.

٤- كَانَتْ مَحَبَّةُ الرَّسُولِ (ص) لِفَاطِمَةَ (س) فَوْقَ الْوَصْفِ.

التمرين الثالث

اكتب الجمل التالية مستعيناً بما بين القوسين:

١- اللَّهُ رَزَقَنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ. (عَسَى)

٢- الْمُسْلِمُونَ اتَّحَدُوا ضِدَّ أَعْدَائِهِمْ. (كَادَ)

٣- الْإِسْلَامُ انْتَشَرَ فِي الْعَالَمِ. (بَدَأَ)

التمرین الرابع

عین الكلمة المناسبة للفراغ:

۱- یَکَادُ..... یَخْطُفُ أَبْصَارَهُمْ

۲- لا أَقْطَعُ مِنَ الْحَقِّ.

۳- بدأ الثَّوْرَةُ يُنَادِي بِوَحْدَةِ الْأُمَّةِ.

۴- أَخَذَ الطُّلَابُ مَقَالَاتٍ أَدِيبَةً.

البرق	البرق	البرق
السیف	سیف	سیف
قائد	قائد	قائد
یکتوبون	کتبوا	تکتبون

التمرین الخامس

أعرب ما أُشِيرَ إليه بخط:

۱- لیسَ الجمالُ بأثوابٍ تُزَيَّنُنَا إِنَّ الجمالَ جمالُ العلمِ والأدبِ

۲- العلمُ يرفعُ بيتاً لا عمادَ لَهُ وَالْجَهْلُ يَهْدِمُ بَيْتَ الْعِزِّ وَالشَّرَفِ

۳- وَإِنْ ضَاقَ رِزْقُ الْيَوْمِ فَاصْبِرْ إِلَى غَدٍ عَسَى نَكْبَاتُ الدَّهْرِ عَنْكَ تَزُولُ

التمرین السادس

للتعريب:

تعطيلي عيد

- سلام عليكم. سال نو مبارک!
- آيا به دیدار خویشاوندان رفتی؟
- عليكم السلام. سال نو مبارک!
- بله، به دیدار پدر بزرگ و مادر بزرگم رفتم.
- در تعطیلي عيد کجا بودی؟
- براي سال خوبی را آرزو می کنم.
- در خانه بودم.
- متشکرم!

۱- سال نو مبارک: العام الجديد مبروك و در اصطلاح: «كُلُّ عامٍ وأنتم بخير!»، تعطيلي: عُطلة، خویشاوندان: الأقرباء، پدر بزرگ و مادر بزرگ: جد و جدّة، سال خوبی: عاماً سعيداً، آرزو می کنم: أتمنى، أرجو

در ترجمهٔ افعال مقاربه از الفاظی نظیر «تقريباً، چیزی نمانده، نزدیک بود، نزدیک است،...» استفاده می‌شود و خبر آن معادل مضارع التزامی فارسی است :

تَكَادُ الْوَرْدَةُ تَتَفَتَّحُ : نزدیک است که گل شکفته شود.

— فعل مضارع بعد از افعال شروع را می‌توان به صورت مصدر ترجمه کرد :

أَخَذَ الشَّاعِرُ يُنْشِدُ قَصِيدَةً : شاعر دست به کار سرودن قصیده‌ای شد.

— در ترجمه لای نفی جنس از الفاظی نظیر «هیچ، اصلاً» استفاده می‌شود : لا لباسَ أَجْمَلُ مِنَ الْعَافِيَةِ : هیچ جامه‌ای زینده‌تر از سلامت نیست.

للترجمة

اقرأ العبارات التالية ثم عَيِّنْ تَرْجَمَتَهَا الصَّحِيحَةَ:

۱- ﴿قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ﴾ (المائدة / ۱۰۹)

- الف) گفتند : ما را هیچ دانشی نیست همانا تو دانای نهان‌ها هستی.
- ب) گفتند : ما نمی‌دانیم که تو دانا به اسرار غیب هستی.
- ۲- أَخَذَ الْمُعَلِّمُ يَنْقُلُ حِكَايَةً رَائِعَةً عَنْ تَارِيخِ الْإِسْلَامِ.
- الف) معلّم شروع به نقل یک داستان جالب از تاریخ اسلام کرد.
- ب) معلّم یک داستان دلنشین از تاریخ اسلام تعریف می‌کرد.
- ۳- كَادَتِ الثَّلُوجُ تَسَاقُطُ.
- الف) برف شروع به باریدن نمود.
- ب) چیزی نمانده بود که برف بیارد.

إقرأ العبارات ثم تَرَجِّمها إلى الفارسيّة بعباراتٍ مألوفةٍ:

* أَحِبَّ حَبِيبَكَ هَوْنًا مَا عَسَى أَنْ يَكُونَ بَغِيضَكَ يَوْمًا مَا وَابْغَضَ
بَغِيضَكَ هَوْنًا مَا، عَسَى أَنْ يَكُونَ حَبِيبَكَ يَوْمًا مَا.

* لَا قُرْبَةَ بِالتَّوَافِلِ إِذَا أَضَرَّتْ بِالْفَرَائِضِ.

* لَا عَقْلَ كَالْتَّدْبِيرِ وَلَا مِيرَاثَ كَالْأَدَبِ وَلَا تِجَارَةَ كَالْعَمَلِ الصَّالِحِ.

* لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ.

التَّوَافِلُ: ج نافلة، عبادت مستحب

هَوْنًا ما: معتدل

التَّدْبِيرُ: دورانديشي

بَغِيضٌ: دشمن

۱- کدام کلمه ترجمه آیات زیر را کامل می کند؟

(الف) ﴿عَسَى اللَّهُ أَنْ يَعْفُوَ عَنْهُمْ﴾ (التَّسَاءُ/۹۹)

... که خداوند از آن ها در گذرد.

شاید

امید است

(ب) ﴿قَالَ ابْنُ أُمِّ إِنْ الْقَوْمَ اسْتَضَعْفُونِي وَكَادُوا يَفْتُلُونَنِي﴾ (الاعراف/۱۵۰)

گفت : ای پسر مادرم، این قوم مرا ضعیف شمردند و... مرا بکشند.

و نزدیک بود

می خواستند

(ج) ﴿عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ﴾ (التحریم/۸)

... که پروردگارتان گناهان شما را ببخشد.

امید است

نزدیک بود

۲- در کدام آیه «لای نفی جنس» به کار رفته است؟

(الف) ﴿وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ﴾ (هود/۳۱) ☐

(ب) ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾ (البقرة/۲) ☐

(ج) ﴿إِتَّبِعُوا مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ﴾

(الأعراف/۳) ☐

الدّرس الثالث عشر

المفعول فيه



موضوع **زمان** از دیرباز ذهن جستجوگر انسان را به خود مشغول داشته است.

جملات نیز از تأثیر جادویی زمان مصون نمانده اند.

کدام کامل تر است؟

کدام یک مقید به زمان است؟

من رفتم و خواندن

من رفتم و خواندم.

به این دو نمونه
توجه کنید:

اگر زمان نبود هیچ فعلی متولد نمی شد!



○ موضوع این تصاویر چیست؟
○ آیا زندگی برای موجودات زنده بدون «مکان» امکان دارد؟

کدام کامل تر است؟

علت آن را چه می دانید؟

من رفتم و برگشتم.
من به کتابخانه رفتم و ظهر برگشتم.

توجه کنید:

آیا به اهمیت موضوع «زمان» و «مکان» پی بردید؟

در پرتو دو بُعد



جملات مفهومی واضح و روشن پیدا می‌کنند.

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ﴾
«الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ.»

به تأثیر زیبایی
مکان و زمان در
این عبارات توجه
کنید :

به خاطر اهمیت زمان و مکان کلمات
خاصی را برای آن وضع نموده‌اند.

مکان

فوق
تحت
أمام
وراء
بين
عند
قرب
جنب

زمان

الآن
اليوم
صباح
مساء
قبل
بعد
ليل
نهار

به این کلمات «اصطلاحاً» ظرف زمان و ظرف مکان
می‌گوییم که معادل قید زمان و مکان در فارسی هستند.

مقایسه

جَلَسْتُ تَحْتَ الشَّجَرَةِ. زیر درخت نشستم.
 [در] زیر درخت نشستم.

سَافَرْنَا يَوْمَ الْجُمُعَةِ. روز جمعه سفر کردیم.
 [در] روز جمعه سفر کردیم.

- کلمات «تَحْتَ» و «يَوْمَ» چه کلماتی هستند؟
- به ترجمه این جمله ها توجه کنید :
- هنگام ترجمه ظرف ها از چه حرفی می توان استفاده کرد؟

بدانیم

ظرف ها معنای حرف جرّ «فی» را به همراه دارند لذا به آن ها «مفعول فیه» می گویند.

قَرَأْتُ كِتَابًا لَيْلًا. قَرَأْتُ كِتَابًا فِي اللَّيْلِ.

سَافَرْنَا يَوْمَ الْجُمُعَةِ. سَافَرْنَا فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ.

با حرف جرّ «فی» به کار رود، دیگر مفعول فیه نیست بلکه مجرور به حرف جرّ است.

اما اگر

مفعول فیه از جهت اعراب منصوب است.

بیشتر بدانیم

ما أَرْخَصَ الْجَمَلَ لَوْلَا الْقِطْعَةُ!

كان عندَ فلاحٍ جَمَلٌ يُحِبُّهُ كَثِيراً وَ يَسْتَخْدِمُهُ فِي الْإِتْقَالِ بَيْنَ الْقَرْيَةِ وَالْمَدِينَةِ .
فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ ذَهَبَ نَحْوَ سُوقِ الْمَدِينَةِ وَ فَقَدَ جَمَلَهُ هُنَاكَ فَطَلَبَ الْفَلَّاحُ مِنَ النَّاسِ
أَنْ يُفْتِّشُوا عَنِ الْجَمَلِ . فَتَشَّ النَّاسُ كُلُّ مَكَانٍ . وَلَكِنْ دُونَ فَائِدَةٍ .
و بَعْدَ تَفْتِيشٍ طَوِيلٍ وَ تَعَبٍ كَثِيرٍ ... أَقْسَمَ الْفَلَّاحُ أَمَامَ النَّاسِ أَنْ يَبِيعَ الْجَمَلَ
بَدِينَارٍ وَاحِدٍ إِنْ وَجَدَهُ . تَعَجَّبَ النَّاسُ مِنْ هَذَا السَّعْرِ الرَّخِيسِ وَ حِينَما كَانَ يَتَجَوَّلُ
فِي السُّوقِ مَسَاءً ، وَجَدَ الْجَمَلَ قُرْبَ شَجَرَةٍ .
فَفَرِحَ وَلَكِنَّهُ تَذَكَّرَ قَسَمَهُ . فَكَّرَ الْفَلَّاحُ لَحْظَةً فَأَخْضَرَ قِطْعَةً وَ جَعَلَهَا عَلَى الْجَمَلِ
وَ وَقَفَ وَسَطَ السُّوقِ وَ نَادَى : مَنْ يَشْتَرِي الْجَمَلَ بَدِينَارٍ وَالْقِطْعَةَ بِأَلْفِ دِينَارٍ مَعاً ؟
تَجَمَّعَ النَّاسُ حَوْلَهُ وَ فَهِمُوا أَنَّهُ لَا يَقْصُدُ أَنْ يَبِيعَ جَمَلَهُ فَأَنْصَرَفُوا وَ هُمْ يَقُولُونَ :
مَا أَرْخَصَ الْجَمَلَ لَوْلَا الْقِطْعَةُ!

الذَّكَاءُ

كَانَ لِمَلِكٍ غَلِيظِ الْقَلْبِ خَادِمٌ . فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ عِنْدَمَا قَدَّمَ الْخَادِمُ الطَّعَامَ
إِلَى الْمَلِكِ سَقَطَتْ قِطْرَةٌ مِنَ الطَّعَامِ عَلَى قَمِيصِهِ فَغَضِبَ الْمَلِكُ وَ أَمَرَ بِقَتْلِهِ فَوْرًا
فَسَكَبَ الْخَادِمُ الطَّعَامَ كُلَّهُ عَلَى رَأْسِ الْمَلِكِ وَ هُوَ يَقُولُ :

أَخْبَلُ أَنْ يَكُونَ الْمَلِكُ قَاتِلِي لِقَطْرَةٍ فَعَظَّمْتُ ذَنْبِي لِأَكُونَ ذَا حَقٍّ فِي قَتْلِي .
فَتَبَسَّسَ الْمَلِكُ وَ صَفَحَ عَنْهُ .

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ :

١- ماذا فَقَدَ الْفَلَّاحُ؟

٢- أَيْنَ وَجَدَ جَمَلَهُ؟

٣- لِمَ أَمَرَ الْمَلِكُ بِقَتْلِ الْخَادِمِ؟

٤- ماذا عَمِلَ الْخَادِمُ لَمَّا أَمَرَ الْمَلِكُ بِقَتْلِهِ؟

التمرين الأول

عَيِّنِ الْمَفْعُولَ فِيهِ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:

١- ﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلاً وَنَهَاراً﴾

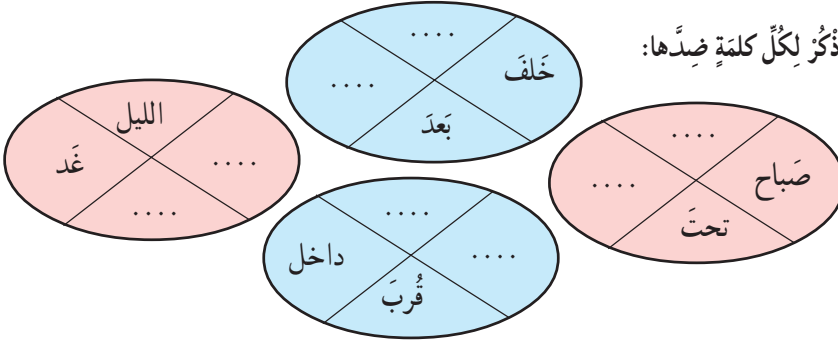
٢- ﴿لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ﴾

٣- «إِنَّ الْمَرْءَ مَحْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ»

٤- يُحَاسِبُ اللَّهُ النَّاسَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

التمرين الثاني

أَذْكُرِي لِكُلِّ كَلِمَةٍ ضِدَّهَا:



التمرين الثالث

صَحِّحِ الْأَخْطَاءَ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ مَعَ بَيَانِ السَّبَبِ:

عدد الأخطاء الشكل الصحيح

١- الْعِقَابُ شَدِيدٌ عَلَى الظَّالِمِينَ يَوْمَ الْحِسَابِ.

٢- يَسْتَعِذُّ الْمُسْلِمِينَ لِدَفْعِ زَكَاةِ الْفِطْرِ لَيْلَةَ عِيدِ الْفِطْرِ.

٣- لَيْسَ الْغَادِرُ فَائِزٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

التمرين الرابع

لِلْإِعْرَابِ وَالتَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ:

﴿أَلَيْسَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ﴾

– «عند» چنانچه ظرف مکان باشد معمولاً به صورت «نزد» و چنانچه ظرف زمان باشد به صورت «به هنگام، وقت» ترجمه می شود :

الكتابُ عِنْدَ التلميذِ : کتاب نزد دانش آموز است.

نذهب إلى المسجدِ عند الغروبِ : به هنگام غروب به مسجد می رویم.

– چون در زبان عربی معمولاً فعل خاصی برای مفهوم «داشتن» به کار نمی رود، بنابراین برای بیان این معنا از کلمه «عند» و یا «لام جاره» استفاده می شود :

كانَ عِنْدِي كتابٌ قِيمٌ : کتاب ارزشمندی داشتم. لي مكتبةٌ صغيرةٌ : کتابخانه کوچکی دارم.

– هناك (ظرف مکان) گاهی اوقات به معنای «هست، وجود دارد» به کار می رود :

هناك كتابٌ على الكرسيِّ : کتابی روی صندلی هست. (وجود دارد)

للترجمة

- ۱- ﴿وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ﴾
- ۲- من صفاتِ المنافِقِ التملُّقُ عندَ الحاجةِ و التكبُّرُ عندَ القدرةِ.
- ۳- هُناك طُلابٌ في المدارسِ والجامعاتِ يَعْمَلُونَ لِمَجْدِ البلادِ وَ عِزِّها.

اقرأ العبارات ثم ترجمها إلى الفارسية بعبارات مألوفة:
 * احذر أن يراك الله عند معصية و يفقدك عند طاعته فتكون من
 الخاسرين.

* لسان العاقل وراء قلبه و قلب الأحمق وراء لسانه.
 * أكثر مصارع العقول تحت بروق المطامع.

احذر: برحذر باش يفقد: گم کند مصارع: ج مصرع: هلاکت گاه
 البروق: ج برق: درخشش المطامع: طمع ها

۱- کدام یک از آیات زیر از نظر مفهوم با دو آیه دیگر متفاوت است.

- ☐ الف) ﴿وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ﴾ (یوسف / ۷۶)
- ☐ ب) ﴿وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ﴾ (الأنعام / ۱۸)
- ☐ ج) ﴿وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ﴾ (الأنعام / ۱۶۵)

۲- با توجه به ترجمه جای خالی را در آیات زیر کامل کنید:

الف) ﴿لَهُ مَا فِي السَّمُوتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا ... هُمَا﴾ (طه / ۶)

از آن اوست آنچه در آسمان‌ها و زمین و میان آن‌هاست.

ب) ﴿يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا ... هُمْ﴾ (البقرة / ۲۵۵)

آنچه را که پیش رو و آنچه را که پشت سرشان است، می‌داند.

ج) ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا ... لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ (یس / ۴۵)

و آنگاه که به ایشان گفته شود از آنچه در پیش رو دارید و آنچه پشت شماست (کیفر

گناهان)، پرهیزید شاید مورد رحمت قرار گیرید.

الدّرس الرابع عشر

الصّفة و الموصوف



مجید و سعید نیز هم کلاسی هستند.



رضا و حمید هم کلاسی هستند.

آیا آن‌ها علاوه بر هم کلاس بودن دوستان وفاداری نیز هستند؟
قضاوت آسان نیست باید هنگام مشکلات آدم‌ها را بشناسیم!



هنگام رفتن به منزل، دوچرخه مجید، پنچر می‌شود.



هنگام مراجعت، ناگهان رضا زمین می‌خورد.



اما سعید! بدون توجه از کنار مجید می‌گذرد!



حمید به کمک رضا می‌شتابد!

حال چطور؟ آیا قضاوت آسان است؟

بین کدام یک از دوستان پیوند و ارتباطی قوی وجود دارد؟

حقیقت تلخی است، برخی

دوستان وفادار نیستند!

گاه دو اسم کنار هم قرار می گیرند و پیوندی ناگسستنی دارند.

و

گاه دو اسم کنار هم قرار می گیرند و فقط به هم اضافه می شوند.

اسم ها نیز چنین
دنیایی دارند.



گلِ گلدان



گلِ سرخ

- کلمه سرخ چه مفهومی را برای گل دربر دارد؟
○ کلمه گلدان چه مفهومی را برای گل دربر دارد؟
○ آیا می توان سرخ بودن را از گل جدا کرد؟
○ آیا می توان گلدان را از گل جدا کرد؟

بین کدام یک از ترکیب ها از جهت معنی رابطه و پیوندی قوی وجود دارد و دوستان وفاداری هستند؟

در ترکیب های زیر چگونه؟

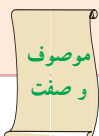
کتابِ خوب - کتابِ کتابخانه

بین کدام یک پیوندی محکم وجود دارد؟

○ با کلمات داده شده جای خالی را کامل کنید.

در زبان فارسی

به دو جزء ترکیباتی مانند گل سرخ، کتاب مفید که با یک دیگر پیوندی قوی دارند و یکی دیگری را توصیف می کند گفته می شود.
و به دو جزء ترکیباتی مانند گل گلدان، کتاب کتابخانه که فقط به یک دیگر نسبت داده شده و به هم اضافه شده اند گفته می شود.



در زبان عربی نیز
به خاطر نیاز کلمات
به توضیح و
توصیف، موصوف
و صفت داریم.

به این ترکیبات
زیبا از قرآن کریم
توجه کنید:

الصَّراطُ الْمُسْتَقِيمُ
مُلْكاً عَظِيماً
شَجَرَةً مُبَارَكَةً
الْباقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ
قَرَضاً حَسَناً

همان طور که:

در زبان فارسی بین موصوف و صفت از جهت معنی ارتباط محکمی وجود دارد.

در زبان عربی علاوه بر ارتباط معنایی از جهت ظاهر نیز ارتباط و هماهنگی دقیقی بین آن‌ها وجود دارد.

این هماهنگی و تبعیت صفت از موصوف در چهار مورد است:

۱	عدد	مفرد	هذا كتابٌ ...	(مُفِيدٌ - مفيدان - مفيدات)
		مثنی	في المدرسة شجرتان ...	(جَمِيلَةٌ - جميلتان - جميلات)
		جمع	جاء المؤمنون ...	(الصالح - الصالحان - الصالحون)
۲	جنس	مذكر	حَضَرَ الطالبُ ...	(الناجح - الناجح)
		مؤنث	نَجَحَتِ الطالبةُ ...	(العالم - العالمَة)
۳	معرفه و نکره بودن	معرفه	قرأت الحكايةَ ...	(لَطِيفَةٌ - اللطيفة)
		نکره	عندي مجلةٌ ...	(أَدِيبَةٌ - الأديبة)
۴	اعراب	مرفوع	لنا مدرسةٌ ...	(كَبِيرَةٌ - كبيرة - كبيرة)
		منصوب	رأيتُ الفلاحينَ ...	(المُجَدِّونَ - المجدين)
		مجرور	سَلَّمْتُ على طبيبٍ ...	(مَشْفَقٌ - مشفق - مشفقاً)

آیا می‌توانید اسم اشاره مناسب را پیدا کنید؟!

... المدارس (تلك - أولئك)

... الأشجار (هؤلاء - هذه)

برای جمع‌های غیر عاقل اسم اشاره به چه صورتی می‌آید؟ جمع مذکر ○ مفرد مؤنث ○

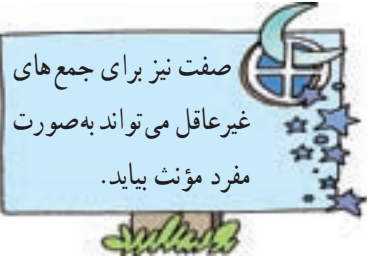
بنابراین

با جمع های غیر عاقل معمولاً مانند مفرد مؤنث عمل می شود.

الکُتُب (النافع – النافعة)

الآيات (الشريفة – الشريف)

أعمال (حَسَنٌ – حَسَنَةٌ)



به چه اسمی نکره
گفته می شود؟

آیا اسم نکره را
به خاطر می آورید؟

کدام یک از اسم ها برای ما ناشناخته است و نیاز به توصیف و توضیح دارد؟

اسم نکره

اسم معرفه

اسم نکره را در
این عبارات
پیدا کنید.

رَأَيْتُ قَاضِيًا يَحْكُمُ بِالْقَلَمِ.
﴿وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ
تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ﴾
فِي الْمَدْرَسَةِ شَجَرَةٌ أُورَاقُهَا خَضْرَاءُ.

چه توضیحی برای اسم های نکره
آمده است؟

گاهی بعد از اسم های نکره جمله ای می آید و آن اسم نکره را توضیح
داده و توصیف می کند. به چنین جملاتی «جمله وصفیه» گفته می شود.
به این مثال ها نیز توجه کنید:

۱- قَرَأْتُ آيَةً أَثَّرَتْ فِي قَلْبِي.

۲- الْمُؤْمِنُ إِنْسَانٌ يُحِبُّ الْخَيْرَ.

بدانیم!

حديث المسجد

أَنَا الْمَكَانُ الطَّاهِرُ
أَنَا الَّذِي تَعْلُو عَلَى أَكْتَافِي الْمَنَائِرُ
وَإِنِّي مَدْرَسَةُ الرَّسُولِ وَالصَّحَابَةِ
فَكُنْتُ رَمَزَ الْفِكْرِ وَالْإِيمَانِ وَالصَّلَاةِ
وَ كُنْتُ مَهْدًا لِلْجِهَادِ الْحَقِّ وَالشَّهَادَةِ
وَمَوْطِنًا لِلنُّورِ وَالْعِبَادَةِ.

يَغْمُرُنِي الشُّعَاعُ وَالْخُشُوعُ
و فِي رِحَابِي يُورِقُ السُّجُودُ وَالرُّكُوعُ

يَا أَيُّهَا الْأَجَبَةُ الصَّغَارُ وَالْكِبَارُ
هَيَّا إِلَى الْمَسْجِدِ فَالْمَسْجِدُ فِي أَنْظَارِ

النَّعَامَةُ

النَّعَامَةُ طَائِرٌ كَبِيرٌ مِنْ أَضْحَمِ الطُّيُورِ. هِيَ تَجْمَعُ بَيْنَ صِفَاتِ الْجَمَلِ وَالطَّيْرِ. لَهَا
جَنَاحَانِ كَبِيرَانِ وَعُنُقٌ طَوِيلٌ وَمِنْقَارٌ عَرِيضٌ. وَالنَّعَامَةُ حَيَوَانٌ يُضْرَبُ بِهِ الْمَثَلُ فِي الْجُبْنِ
فَإِنَّهَا تُدْخِلُ رَأْسَهَا تَحْتَ الرَّمَالِ عِنْدَمَا تَشْعُرُ بِالْخَوْفِ وَجَاءَ فِي الْأَمْثَالِ: «أَسَدٌ عَلَيَّ
و فِي الْخُرُوبِ نَعَامَةٌ»!

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ:

١- ما هو مقصود الشاعر من مدرسة الرسول (ص)؟

٢- كَيْفَ يَدْعُونَا الشَّاعِرُ إِلَى الْمَسْجِدِ؟

٣- مَا هُوَ الْحَيَوَانُ الَّذِي يُشَبِّهُ الْجَمَلَ وَالطَّيْرَ؟

٤- مَا تَعْمَلُ النَّعَامَةُ عِنْدَمَا تَشْعُرُ بِالْخَوْفِ؟

التدريب الأول

صِلْ بين الصِّفَةِ والمُوصُوفِ المناسبِ:

الف	ب
الحدائقُ	عادِلانِ
قاضيانِ	الزرقاءُ
النَّهْرُ	غَنِيَّةٌ
أَخَوَيْنِ	الجميلةُ
السَّماءُ	الجاري
مكتباتٌ	مَخْلَصِينِ

التدريب الثاني

املأ الفراغَ في الجدول:

الجملة	الصفة	نوع الصفة	إعرابها
القَنَاعَةُ كَنْزٌ لَا يَنْفَدُ.			
إِنِّي أَحِبُّ إِخْوَانِي الْمُجِدِّينَ.			
قَرَأْتُ كِتَابًا رَائِعًا.			
لَحْظَةُ الْاِتِّصَارِ لَحْظَةٌ نَنْتَظَرُهَا.			

املاً الفراغ في كُلِّ مجموعة بالكلمة المناسبة:

يذهب الناس في ... الصيفيّة
إلى المناطق المعتدلة.

عطلة

العطلة

العطلة

العطلة

الشخص ... مكروه
عند الناس وعند الله.

كاذبة

كاذب

الكاذب

الكاذب

العربيّة ... فصيحَةٌ وهي
لُغَةُ ديننا وكتابنا.

اللغة

لغة

اللغة

لغة

سَعَرْتُ بِأَلَمٍ ... فَرَجَعْتُ
طبيباً قُرْبَ بَيْتِنَا.

شديداً

شديد

الشديد

شديد

نَجَحْتُ فِي إِمْتِحَانٍ نَهَائِيَةٍ
السَّنَةِ ب ... عَالِيَةٍ.

درجة

درجة

درجة

الدرجة

التمرين الرابع

عين الصفة والموصوف في الجمل التالية:

- ١- أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ يُجَاهِدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِنَفْسِهِ وَمَالِهِ.
- ٢- الْقُرْآنُ هُوَ التُّورُ الْمُبِينُ وَالذِّكْرُ الْحَكِيمُ وَالصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ.
- ٣- أَلْطَمُعُ الشَّدِيدُ يُوقِعُ الْإِنْسَانَ فِي الْمَهَالِكِ.
- ٤- إِنَّ الْإِنْشَارَ صِفَةٌ إِنْسَانِيَّةٌ يَتَخَلَّقُ بِهَا الْمُؤْمِنُ.

التمرين الخامس

للإعراب والتحليل الصرفي:

﴿نُفِصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾

— صفت در فارسی همواره به صورت مفرد ترجمه می شود اگرچه در عربی مثنی یا

جمع باشد :

التلميذة المجتهدة : دانش آموز کوشا

التلميذتان المجتهدتان : دانش آموزان کوشا

التلميذات المجتهدات : دانش آموزان کوشا

— جمله وصفیه عربی بدون اینکه قبل از آن موصول (الذي، التي ...) بیاید، معنای آن

را دارا می باشد. لذا در ترجمه فارسی معمولاً با کلمه «که» (موصول، صفت ساز) به کار

می رود :

رَأَيْتُ تَلْمِيزَةً تَقْرَأُ دَرَسَهَا : دانش آموزی را دیدم که درسش را می خواند.

للترجمة

۱- «الْمُؤْمِنُ الْقَوِيُّ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِ الضَّعِيفِ».

۲- كَانَ الْمَجَاهِدُونَ الْمُسْلِمُونَ أَسْوَةً فِي الشَّجَاعَةِ وَالْأَخْلَاقِ.

۳- لِي أَصْدِقَاءُ يُذَكِّرُونَنِي بِطَاعَةِ اللَّهِ.

۴- جَلَسْتُ تَحْتَ شَجَرَةٍ تُغَرِّدُ طُيُورُهَا.

اِقْرَأِ الْعِبَارَاتِ ثُمَّ تَرْجِمْنَهَا إِلَى الْفَارْسِيَّةِ بِعِبَارَاتٍ مَأْلُوفَةٍ:
 * مَا أَضْمَرَ أَحَدٌ شَيْئاً إِلَّا ظَهَرَ فِي فَلَتَاتِ لِسَانِهِ وَ صَفَحَاتِ وَجْهِهِ.
 * ثَمَرَةُ التَّفْرِيطِ النَّدَامَةُ وَ ثَمَرَةُ الْحَزْمِ السَّلَامَةُ.
 * يَهْلِكُ فِي رَجُلَانِ مُحِبُّ مُفْرِطٌ وَ بَاهِتٌ مُفْتَرٍ.

أَضْمَرَ: پنهان کرد	الْحَزْمُ: دورانِ دیشی، احتیاط
فَلَتَاتِ: ج فلتة، لغزش	بَاهِتٌ: بهتان زننده
صَفَحَاتِ: گونه ها، ظواهر	مُفْتَرٍ (المُفْتَرِي): افترا زننده، تهمت زننده
مُفْرِطٌ: افراط کننده، غُلُو کننده	

١- ترجمه مناسب هر آیه را مشخص کنید و آن را با علامت (*) مشخص کنید.

(الف) ﴿فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا﴾ (آل عمران/ ١٠٣)

☐ - و او دل هایتان را به هم مهربان ساخت و به لطف او برادر شدید.

☐ - و او دل ها را به هم نزدیک ساخت و به لطف او برادر شدید.

(ب) ﴿أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا﴾ (الحجرات / ١٢)

☐ - آیا شما دوست دارید که گوشت برادر مرده خود را بخورید؟

☐ - آیا یکی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟

(ج) ﴿أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ﴾ (الحج / ٧٠)

☐ - آیا ندانستی که خدا آنچه را در آسمان و زمین است می داند؟

☐ - آیا خدا بر آنچه در آسمان ها و زمین است واقف است؟

٢- از میان کلمات داده شده مناسب ترین آن ها را انتخاب و آیه را کامل کنید.

(الف) ﴿فَجُمِعَ السَّحَرَةُ لِمِيقَاتِ يَوْمٍ ...﴾ (الشعراء / ٣٨)

☐ المَعْلُومِ

☐ مَعْلُومِ

☐ مَعْلُومِ

(ب) ﴿لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا ...﴾ (الإسراء / ٢٢)

☐ آخَرِ

☐ آخَرِ

☐ الْآخَرِ

(ج) ﴿يَا أَيُّهَا النَّفْسُ ... ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكَ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً﴾ (الفجر / ٢٨-٢٧)

☐ الْمُطْمَئِنَّ

☐ الْمُطْمَئِنَّةُ

☐ مُطْمَئِنَّةٌ

الدَّرْسُ الْخَامِسُ عَشَرَ

الإضافة

در درس قبل با ترکیباتی مانند :

گل گلدان
کتاب کتابخانه

گل سرخ
کتاب خوب

آشنا شدیم که فقط به هم
اضافه شده‌اند، بدون این که
به هم وابسته باشند به نام :

مضاف و مضاف الیه

آشنا شدیم که بین آن‌ها
از جهت معنی، پیوندی
قوی وجود داشت به نام :

موصوف و صفت

در زبان عربی نیز اگر دو اسم به هم اضافه شوند،
به اسم اول **مضاف** و به اسم دوم **مضاف الیه** گویند.

مانند : **کتابُ الطَّالِبِ**، **یوم الدین**

أَعْمَالُ الْمُؤْمِنِينَ - أَعْمَالُكُمْ - عَمَلُ مُفِيدٍ
عَبْدٌ مُؤْمِنٌ - عَبْدُ اللَّهِ - عَبْدُكَ

در این ترکیب‌ها
مضاف و مضاف الیه
را از صفت و
موصوف
جدا کنید.

اگر ضمیری به اسم متصل شود
آن ترکیب حتماً اضافی است.

اسم + ضمیر
مضاف مضاف الیه



بدانیم!

● حتماً با اسم آشنا هستید!

کدام مجموعه، نشان دهندهٔ علامت‌های خاص اسم است؟

مضاف واقع شدن مؤنث شدن تنوین	تنوین مضاف شدن «ال»	ال تنوین به صیغه جمع در آمدن
------------------------------------	---------------------------	---------------------------------------



پذیرفتن «ال» و تنوین و مضاف واقع شدن از علامت‌های اسم است و این علائم با هم جمع نمی‌شوند.

کتابُ المُعَلِّمِ
کتابُ المُعَلِّمِ
الکتابُ المُعَلِّمِ

- در این ترکیب‌ها مضاف را پیدا کنید.
- در کدام یک از ترکیب‌ها، مضاف به صورت صحیح به کار رفته است؟

به این ترکیب‌ها توجه کنید:

کدام یک از کلمات مضاف هستند؟

«مُعَلِّمُو» و «یَدَا» چه نوع کلمه‌ای هستند؟ مفرد یا مثنی یا جمع

چه تغییری در این کلمات روی داده است؟

مُعَلِّمُو المَدْرَسَةِ، یَدَاكَ

بدانیم!

فَلَاخُونَ + الْقَرْيَةِ ⇐ فَلَاخُو الْقَرْيَةِ

وَالِدَانِ + كَ ⇐ وَالِدَاكَ

مُعَلِّمِينَ + الْمَدْرَسَةِ ⇐ مُعَلِّمِي الْمَدْرَسَةِ

اگر جمع مذکر سالم و اسم مثنی مضاف واقع شوند حرف «ن» از آخر آن‌ها حذف می‌شود.



هُوَ مُدِيرُ الْمَدْرَسَةِ.
رَأَيْتُ مُدِيرَ الْمَدْرَسَةِ.
سَلَّمْتُ عَلَى مُدِيرِ الْمَدْرَسَةِ.

به این عبارت‌ها
توجه کنید:

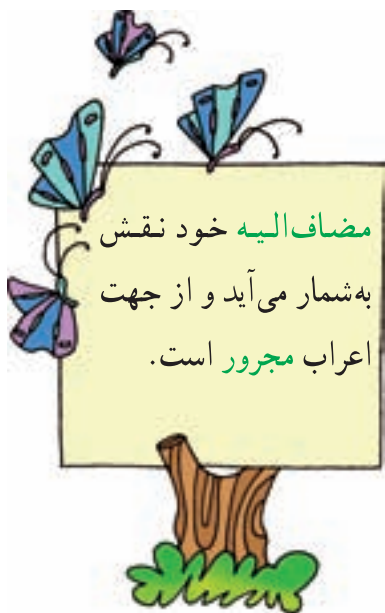
کدام کلمه مضاف الیه است؟
به اعراب مضاف الیه توجه کنید.
مضاف الیه چه اعرابی دارد؟

کدام کلمه مضاف است؟
به اعراب مضاف در سه عبارت
توجه کنید.
چه تغییری را مشاهده می‌کنید؟

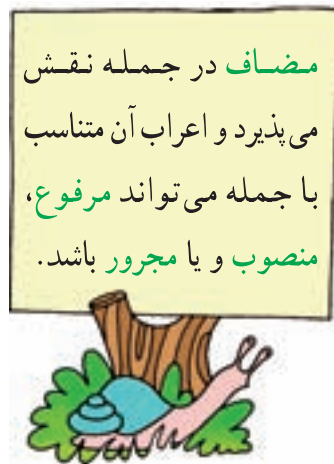
؟

؟

بدانیم!



مضاف الیه خود نقش
به‌شمار می‌آید و از جهت
اعراب مجرور است.



مضاف در جمله نقش
می‌پذیرد و اعراب آن متناسب
با جمله می‌تواند مرفوع،
منصوب و یا مجرور باشد.

دانستیم که:

۱- اسم می‌تواند صفت بگیرد. گل + سرخ ⇐ گل سرخ

۲- اسم می‌تواند مضاف الیه بگیرد. گل + باغ ⇐ گل باغ

اما آیا اسم می‌تواند هم صفت و هم مضاف الیه بگیرد؟ در این صورت حق تقدم با کدام یک است؟

مضاف الیه؟

یا

صفت؟

◊ گل سرخ باغ ◊ گل باغ سرخ ◊

گل + سرخ

باغ

پاسخ مناسب کدام است؟

ما

کتاب +

◊ کتاب خوب ما ◊ کتاب ما خوب ◊

خوب



در زبان فارسی اگر اسمی بخواهد هم
صفت و هم مضاف الیه بگیرد، ابتدا
صفت می‌آید و سپس مضاف الیه.

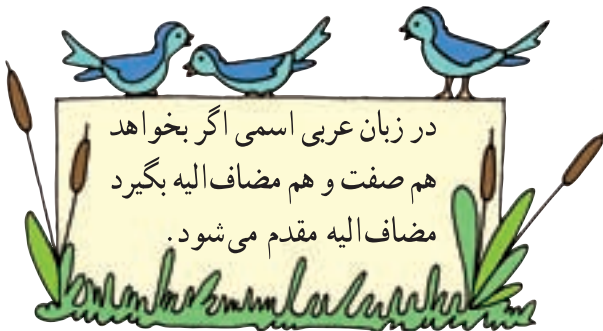
بدانیم!

به ترجمه این عبارت‌ها توجه کنید.

در زبان عربی چطور؟

العزیزُ	صديقُنَا	
صفت	مضاف الیه	اسم

دوست	عزیز	ما
اسم	صفت	مضاف الیه



در زبان عربی اسمی اگر بخواهد
هم صفت و هم مضاف الیه بگیرد
مضاف الیه مقدم می‌شود.

آیا در ترتیب کلمات تغییری روی
داده است؟
چه کلمه‌ای مقدم شده است؟
صفت یا مضاف الیه؟

◊ عقیده اسلامی ما ◊ عقیده ما اسلامی

◊ در بزرگ مدرسه ◊ در مدرسه بزرگ

عَقِيدَتُنَا الْإِسْلَامِيَّةُ

بَابُ الْمَدْرَسَةِ الْكَبِيرِ

این عبارت را
ترجمه کنید.

الشاعر الملتزم

كَانَ السَّيِّدُ الْحَمِيرِيُّ مِنَ الشُّعْرَاءِ الْمُلْتَزِمِينَ فِي الْقَرْنِ الثَّانِي لِلْهَجْرَةِ وَكَانَ يُدَافِعُ عَنِ الْحَقِّ وَ يُهَاجِمُ الظَّالِمِينَ وَ لَذَلِكَ أَصْبَحَ مَبْغُوضاً عِنْدَ الْأُمُويِّينَ، لِأَنَّهُمْ كَانُوا يُزْرَعُونَ بُذُورَ الْحِقْدِ وَ الْعَدَاوَةِ لِآلِ عَلِيٍّ (ع) فِي قُلُوبِ النَّاسِ وَ كَانَ السَّيِّدُ الْحَمِيرِيُّ يُحِبُّ خُطَّةَ الْأُمُويِّينَ وَ يَنْصُرُ آلَ الْبَيْتِ (ع) وَ يُبَيِّنُ فُضَائِلَهُمْ لِلنَّاسِ بِشَجَاعَةٍ، وَ كَانَ يَقُولُ : « لَمْ أَتْرُكْ فَضِيلَةً لِعَلِيٍّ وَ آلِهِ إِلَّا نَظَّمْتُ حَوْلَهَا شِعْراً ».

وَ نَحْنُ نَعْلَمُ أَنَّ مَدْحَ آلِ الْبَيْتِ (ع) فِي عَصْرِ الْأُمُويِّينَ مَا كَانَ أَمْراً بَسِيطاً بَلْ كَانَ فِي أَكْثَرِ الْأَحْيَانِ يُسَبِّبُ قَتْلَ قَائِلِهِ أَوْ تَشْرِيدَهُ وَ حِرْمَانَهُ مِنْ حَقُوقِهِ.

ذَاتَ يَوْمٍ جَاءَ أَحَدُ أَصْحَابِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ (ع) إِلَيْهِ وَ بَدَأَ بِالسَّعَايَةِ وَ قَالَ لِلْإِمَامِ (ع) : إِنَّ السَّيِّدَ يَرْتَكِبُ بَعْضَ الذُّنُوبِ فَلِمَاذَا تُدَافِعُ عَنْهُ؟!

الْإِمَامُ (ع) لَمْ يَقْبَلْ أَنَّ يَطْرُدَ السَّيِّدَ الْحَمِيرِيَّ بِسَبَبِ ذَنْبٍ مِنَ الذُّنُوبِ مَعَ عِلْمِهِ أَنَّ أَعْمَالَ السَّيِّدِ الْحَسَنَةَ أضعافه. فَأَجَابَهُ قَائِلاً : « إِنَّ زَلَّتْ عَنْهُ قَدَمٌ فَقَدْ ثَبَتَتْ لَهُ أُخْرَى ».



جمال العلم و الأدب

لَيْسَ الْجَمَالُ بِأَثْوَابٍ تُرَى نَحْنُ
لَيْسَ الْيَتِيمُ الَّذِي قَدَمَاتِ وَالِدُهُ
إِنَّ الْجَمَالَ جَمَالُ الْعِلْمِ وَ الْأَدَبِ
بَلِ الْيَتِيمُ يَتِيمُ الْعِلْمِ وَ الْأَدَبِ

و قيل :

رَضِينَا قِسْمَةَ الْجَبَّارِ فِينَا لَنَا عِلْمٌ وَلِلْجُهَّالِ مَالٌ
فَإِنَّ الْمَالَ يَفْنَى عَنْ قَرِيبٍ وَإِنَّ الْعِلْمَ لَيْسَ لَهُ زَوَالٌ

و قيل :

الْعِلْمُ فِي الصَّدْرِ مِثْلُ الشَّمْسِ فِي الْفَلَكَ وَالْعَقْلُ لِلْمَرْءِ مِثْلُ التَّاجِ لِلْمَلِكِ
أَشَدُّ يَدَيْكَ بِحَبْلِ الْعِلْمِ مُعْتَصِمًا فَالْعِلْمُ لِلْمَرْءِ مِثْلُ الْمَاءِ لِلسَّمَكِ

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ:

- ١- فِي أَيِّ قَرْنٍ كَانَ السَّيِّدُ الْحَمِيرِيُّ يَعِشُ؟
- ٢- لِمَنْ كَانَ الْحَمِيرِيُّ مُحِبًّا؟
- ٣- هَلْ قَبْلَ الْإِمَامِ (ع) أَنْ يَطْرُدَ السَّيِّدَ الْحَمِيرِيَّ مِنْ أَجْلِ ذَنْبٍ إِرْتَكَبَهُ؟

تَمَارِينُ

الْتِمَارِينُ الْأَوَّلُ

أَعْرَبِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطِّ:

- ١- الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ (ع) سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ.
- ٢- تَرَكُ الذَّنْبَ أَهْوَنُ مِنْ طَلَبِ التَّوْبَةِ.

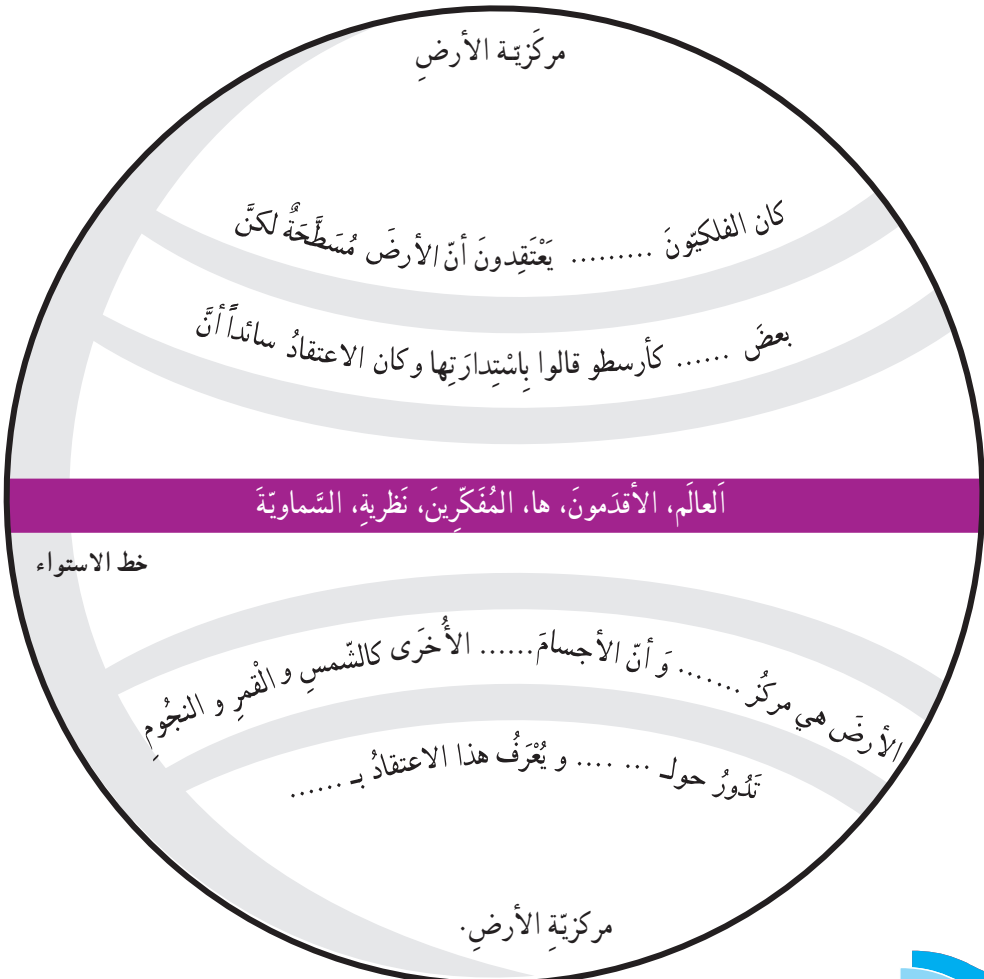
٣- أَشْجَعُ النَّاسِ مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ.

٤- الْجَهْلُ بِالْفَضَائِلِ مِنْ أَقْبَحِ الرِّذَائِلِ.

التدريب الثاني

املأ الفراغ بالكلمات المناسبة من خط الاستواء:

﴿كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ﴾



التدريب الثالث

إِتَّخِبِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ وَادْكُزْ إِعْرَابَهُ:

- ١- ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ...﴾ (أَخَوَاكُم، أَخَوَايَكُم)
- ٢- تَعَلَّمَ حُسْنَ (الاسْتِمَاعِ، الاسْتِمَاعِ) كَمَا تَتَعَلَّمُ (حُسْنَ، حُسْنًا) الْحَدِيثِ .
- ٣- لَا تَفْعَلُوا (أَعْمَالًا، أَعْمَالًا) الْخَيْرِ رِثَاءً.
- ٤- مِنَ الضَّلَالِ (الكَبِيرِ، الكَبِيرِ) ضَيَاعُ الْعُمْرِ فِي اللَّهْوِ.

التدريب الرابع

أَكْمِلِ الْعِبْرَةَ حَسَبَ الطَّلَبِ:

حَاسِبْ نَفْسَكَ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبَ.

..... نَفْسِكَ

..... أَنْفُسُ تُحَاسَبَا.

حَاسِبُوا أَنْفُسَ

..... أَنْفُسُ تُحَاسَبْنَ.

للتعريب

— در تابستان چه می کنی؟

— برای تابستان کارهای زیادی دارم : سفر، ورزش و مطالعه.

— آیا در تابستان کار هم می کنی؟

— بله، در کارگاه پدرم کار می کنم.

— بسیار خوب، پیامبر و ائمه اهل دانش و کار بودند.

— بله، آنان سرمشق ما هستند.^۱

۱- کارگاه : مَعْمَل، سرمشق : قُدْوَة

در هنگام ترجمه سعی کنیم تا آن جا که ممکن است از عبارت های زبان «مبدأ» کلمه ای کم و یا زیاد نشود.

— ساختار جملات زبان «مقصد» را در هنگام ترجمه عبارت ها رعایت کنیم.

اقرأ العبارات التالية ثم عَيِّن ترجمتها الصحيحة:

۱- قائد الثورة العظیم الإمام الخميني (ره) أيقظ المسلمين من نوم الغفلة.
الف) رهبر كبير انقلاب امام خميني (ره)، مسلمانان را از خواب غفلت بيدار نمود.

○

ب) رهبر انقلاب كبير امام خميني (ره)، مسلمانان را از خواب غفلت باز داشت.

○

۲- غاباتُ مازندران الخضرَاءُ مِنْ أَجْمَلِ الْمَنَاطِقِ فِي إِيرانَ.
الف) جنگل های مازندران سبز و خرم است و از زیباترین مناطق ایران به شمار می رود.

○

ب) جنگل های سبز مازندران از زیباترین مناطق ایران است.

○

۳- ما زالت الأحاسيسُ الثوريةُ تَمُوجُ في قلوبِ جَماهيرنا المُسلمةِ.
الف) عواطف انقلابی همواره در دل های ملت مسلمان ما موج می زند.

○

ب) عواطف انقلابی همواره در دل ما ملت مسلمان موج می زند.

○

اِقْرَأِ الْعِبَارَاتِ ثُمَّ تَرْجِمْنَهَا إِلَى الْفَارْسِيَّةِ بِعِبَارَاتٍ مَأْلُوفَةٍ:
 * إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَى أُمَّةِ الْعَدْلِ أَنْ يُقَدِّرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَةِ النَّاسِ.
 * سَلْ تَفْقَهَا وَلَا تَسْأَلْ تَعْنَتًا فَإِنَّ الْجَاهِلَ الْمُتَعَلِّمَ شَبِيهُهُ بِالْعَالِمِ وَإِنَّ
 الْعَالِمَ الْمُتَعَسِّفَ شَبِيهُهُ بِالْجَاهِلِ الْمُتَعَنَّتِ.

يُقَدِّرُوا : مقایسه کنند لَا تَسْأَلْ تَعْنَتًا : برای ایراد گرفتن (مچ گیری) سؤال مکن.
 ضَعْفَةٌ : ضعیفان الْمُتَعَسِّفُ : گمراه
 سَلْ تَفْقَهَا : برای فهمیدن سؤال کن. الْمُتَعَنَّتُ : ایرادگیر

الف - کدام ترجمه مفهوم آیات زیر را بهتر بیان می‌کند؟

۱- ﴿فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ﴾ (الحديد / ۷)

☐ - از میان شما هر که را ایمان آورده و انفاق کرده، مزدی فراوان دهند.

☐ - پس کسانی از شما که ایمان آورده و انفاق کرده‌اند پاداشی بزرگ دارند.

۲- ﴿إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا﴾ (النساء / ۱۰۱)

☐ - براستی که کافران دشمنان شما هستند.

☐ - براستی که کافران برای شما دشمنی آشکار هستند.

۳- ﴿وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً﴾ (هود / ۱۱۸)

☐ - و اگر پروردگار خواسته بود همه مردم را یک امت کرده بود.

☐ - و اگر پروردگار تو بخواهد همه مردم را یک امت قرار می‌داد.

ب - کلمه مناسب را برای پر کردن جای خالی آیات زیر انتخاب کنید.

۱- ﴿وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ ... اللَّهِ﴾ (التوبة / ۲)

و بدانید که شما بر قدرت خدا غالب نخواهید شد.

☐ مُعْجَزُونَ ☐ مُعْجِزِينَ ☐ مُعْجِزِي

۲- ﴿وَإِنْ مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ ... قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾ (الإسراء / ۵۸)

و هیچ شهر و دیاری در روی زمین نیست جز آنکه پیش از ظهور قیامت، اهل آن شهر

را هلاک می‌کنیم.

☐ مُهْلِكُوهَا ☐ مُهْلِكُونَهَا ☐ مُهْلِكُونَهُ

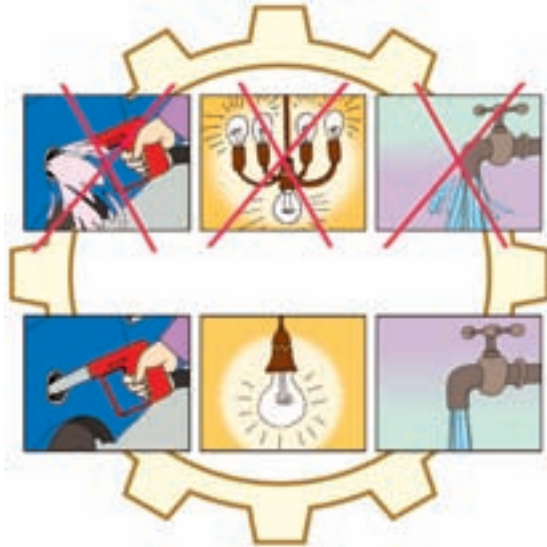
۳- ﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا ... مِنْ رَجَالِكُمْ﴾ (الأحزاب / ۴۰)

محمد پدر هیچ یک از مردان شما نیست.

☐ أَحَدٌ ☐ أَحَدًا ☐ أَحَدٍ

الدّرس السادس عشر

التّصغير، النّسبة



این تصاویر ما را به چه چیزی تشویق می‌کند؟

○ عدم استفاده از امکانات ○ به هدر دادن امکانات ○ صرفه‌جویی در مصرف
صرفه‌جویی یکی از توصیه‌های دینی و اصول اقتصادی است.

اما در جملات هم می‌توان اقتصاد را رعایت نمود و در به کار
بردن کلمات صرفه‌جویی کرد.

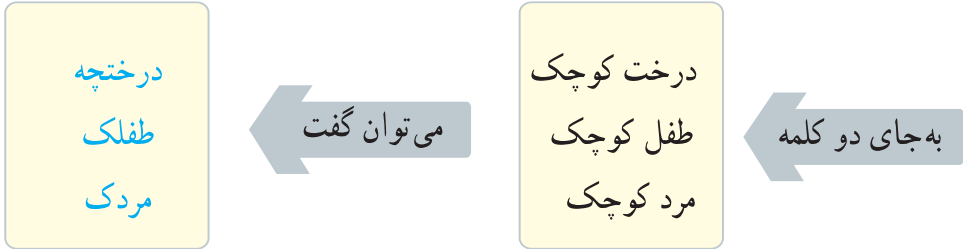
اشتباه نکنید درس
ما اقتصاد نیست.

این عبارت مشهور را شنیده‌اید؟
«خَيْرُ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَ دَلَّ»

در این درس با دو نوع صرفه‌جویی در کلمات آشنا می‌شویم.

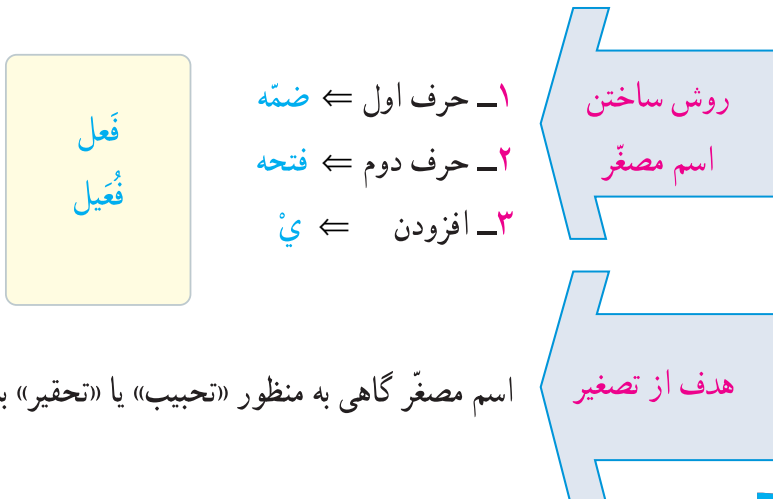
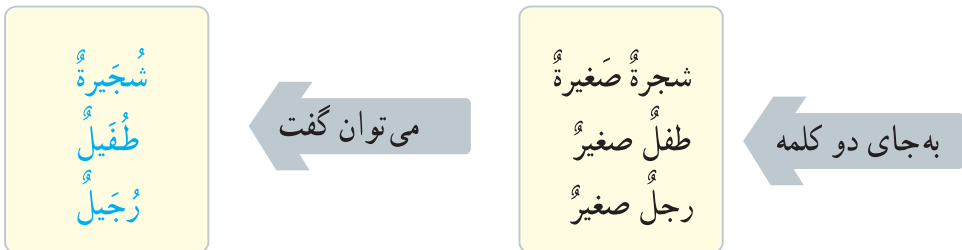
می‌توان در به کار بردن
کلمات نیز تا زمانی که به معنی
لطمه نزند صرفه‌جویی
کرد.

به این نمونه از زبان فارسی توجه کنید.



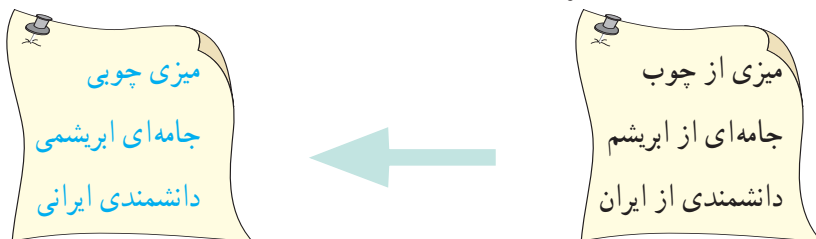
آیا با این نوع ساختار آشنا هستید؟
این اسلوب در زبان فارسی چه نامیده می شود؟
مؤنث ساختن؟ مصغر ساختن؟ جمع ساختن؟

در زبان عربی هم می توان اسم مصغر ساخت :

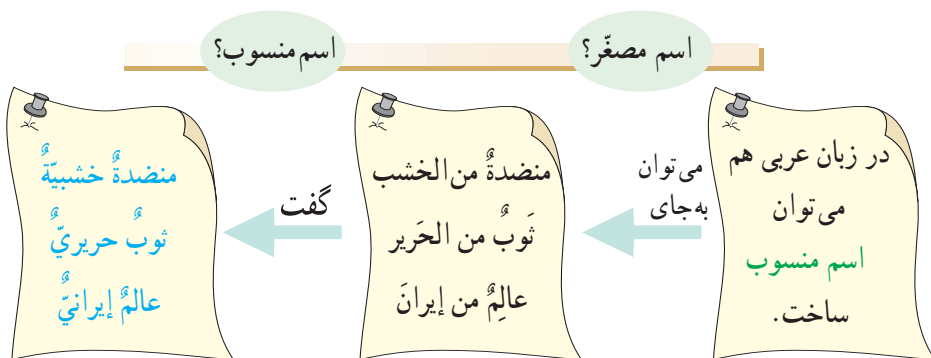


اسم مصغر گاهی به منظور «تحبیب» یا «تحقیر» به کار می رود.

دو عبارت را با یکدیگر مقایسه کنید.



در عبارت بالا کلمات چوب، ابریشم و ایران به صورت چوبی، ابریشمی و ایرانی به کار رفته‌اند. به این ساختار در زبان فارسی چه می‌گویند؟



تاء گرد «ة» به هنگام نسبت از آخر کلمه حذف می‌شود:

فاطمة ← فاطمی

مكة ← مکی

تجارة ← تجاری

دقت کنید

برخی کلمات به هنگام نسبت تغییر مختصری می‌کنند. کلماتی مانند: نَبَوِي، عَلَوِي، موسوي، رَضَوِي، دُنْيَوِي، مَدَنِي اسم منسوب کلمات نبی، علی، موسی، رضا، دنیا و مدینه هستند.

بدانیم

اسم منسوب معمولاً حکم صفت را دارد و تابع احکام صفت است لذا در زبان فارسی آن را صفت نسبی می‌نامیم.



المنظومة الشمسية

الشمس أقرب نجم إلى الأرض وهي
صغيرة جداً بالنسبة إلى بعض النجوم الأخرى،
لكنها كبيرة جداً بالنسبة إلى الأرض وهي على بُعد
مائة وخمسين مليون كيلومتر^١ منا وبالرغم من هذا
البعد فإن ضوءها يصل إلينا خلال ثماني دقائق
فقط. وهناك عدد كبير من الأجرام السماوية
حول الشمس يُعرف كلها
بالمنظومة الشمسية.

أجب عن الأسئلة التالية:

١- بعد كم دقيقة يصل ضوء الشمس إلينا؟

٢- ما هي المنظومة الشمسية؟

٣- من هو مكتشف الجراثيم؟

٤- ما كانت نتيجة اكتشاف الجراثيم؟

١- صد و پنجاه میلیون كيلومتر

مُكْتَشَفُ الْجَرَائِمِ

يَنْعُمُ الْإِنْسَانُ الْيَوْمَ بِنِعَمٍ مُخْتَلِفَةٍ بِمَا سَخَّرَ مِنْ قُوَى الطَّبِيعَةِ لِمَنَافِعِهِ، فَسَهَّلَتْ حَيَاتُهُ وَقَلَّتْ مَتَاعِبُهُ.

كُلُّ ذَلِكَ بِفَضْلِ الْعُلَمَاءِ الَّذِينَ وَهَبُوا الْمَقْدُورَةَ وَالذِّكَاءَ وَوَقَفُوا حَيَاتَهُمْ فِي سَبِيلِ خَيْرِ الْإِنْسَانِيَّةِ. وَ مِنْ هَؤُلَاءِ، الْعَالِمُ الْفَرَنْسِيُّ «لويس باستور» مُكْتَشِفُ الْجَرَائِمِ وَمُخَفِّفُ آلامِ الْإِنْسَانِ.

وَمِنْ أَهَمِّ خَدَمَاتِهِ اكْتِشَافُ الْجَرَائِمِ الَّذِي أَحَدَثَ انْقِلَاباً فِي عِلْمِي الْجِرَاحَةِ وَالطَّبِّ وَجَعَلَهُ مِنْ أَشْهَرِ عُلَمَاءِ الْقَرْنِ التَّاسِعِ عَشَرَ الْمِيلَادِيِّ فِي الْعَالَمِ.

التمرين الأول

غَيِّرْ مَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطٍّ إِلَى أَسْلُوبِ النِّسْبَةِ:

١- مَنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ أَنَا مِنْ لِبْنَانٍ. أَنَا. . . .

٢- مَنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ أَنَا مِنْ إِيْرَانٍ. أَنَا. . . .

٣- هَذَا السَّيْفُ مِنْ حَدِيدٍ.

إِذَنْ هَذَا سَيْفٌ

٤- هَذَا قَدَحٌ مِنَ الرُّجَاجِ.

إِذَنْ هَذَا قَدَحٌ

٥- لَبِسْتُ ثَوْباً مِنَ الْقُطَنِ.

إِذَنْ لَبِسْتُ ثَوْباً

٦- سَمِعْتُ حَدِيثاً عَنِ النَّبِيِّ.

إِذَنْ سَمِعْتُ حَدِيثاً

٧- بَعْضُ السُّورِ نَزَلَتْ فِي مَكَّةَ.

فَهِيَ سُورَةٌ

التمرين الثاني

امْلَأِ الْفَرَاغَ حَسَبَ النَّمُودَجِ:

كِتَابٌ مَنْسُوبٌ إِلَى السَّمَاءِ

الْآيَاتُ الْمَنْسُوبَةُ إِلَى الْقُرْآنِ

←

←

كِتَابُ سَمَآوِيٍّ

الْآيَاتُ الْقُرْآنِيَّةُ

١- أَغْلَظُ مَطْبَعَةً ← ...

٢- الْحَدِيثُ النَّبَوِيُّ ← ...

٣- سَجَّادُ إِيرَانِيٍّ ← ...

التَّهْرِينُ الثالث

صَغَّرُ الْأَسْمَاءَ التَّالِيَةَ:

فَضْلُ () حَسَنُ () عَبْدُ () نَهْرُ ()

وَلَدُ () بَعْدُ () قَبْلُ () حَجَرُ ()

التَّهْرِينُ الرابع

تَرْجِمِ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَعْرِبِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطِّ:

الشيخ البهائي

هُوَ مِنْ عُلَمَاءِ الْقَرْنِ الْحَادِي عَشَرَ. يَنْتَهِي نَسَبُهُ إِلَى الْحَارِثِ الْهَمْدَانِيِّ أَحَدِ أَصْحَابِ
الإمام عليٍّ (ع) وَ لَهُ مُؤَلَّفَاتٌ أَدَبِيَّةٌ مِثْلُ الْكَشْكُولِ وَالصِّمْدِيَّةِ فِي الْعُلُومِ النَّحْوِيَّةِ وَ هُوَ أَحَدُ
نَوَابِغِ عَصْرِهِ، وَ الْبَهَائِيُّ بَعْلَبَكِّي الْمَوْلِدِ، إِصْفَهَانِي الْمَوْطِنِ، مُشْهَدِي الْمَدْفَنِ.

التَّهْرِينُ الخامس

لِلْأَعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ:

﴿ فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ ﴾

— ترجمه دقیق و روان مستلزم شناخت قواعد است. به کمک قواعد و شناخت اجزای جمله و ممارست می توان به ترجمه ای مناسب دست یافت. شناخت انواع «مَنْ»، «ما»، «مَتی» و نظایر آن ها در ترجمه حایز اهمیت است.

لترجمة

- ۱- ﴿وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالاً طَيِّباً﴾. (المائدة / ۸۸)
- ۲- ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاةِ اللَّهِ﴾. (البقرة / ۲۰۷)
- ۳- «مَا أَكَلَ أَحَدٌ طَعَاماً قَطُّ خَيْراً مِنْ أَنْ يَأْكُلَ مِنْ عَمَلِ يَدِهِ».
- ۴- مَنْ طَمِعَ بِالكَثِيرِ لَمْ يَحْصُلْ عَلَى الْقَلِيلِ.

اِقْرَأِ الْعِبَارَاتِ ثُمَّ تَرْجِمْنَهَا إِلَى الْفَارْسِيَّةِ بِعِبَارَاتٍ مَأْلُوفَةٍ:
 * يَا كُمَيْلُ هَلْكَ خُزَانُ الْأَمْوَالِ وَهُمْ أَحْيَاءُ وَالْعُلَمَاءُ بَاقُونَ مَا بَقِيَ
 الدَّهْرُ، أَعْيَانُهُمْ مَفْقُودَةٌ وَأَمْثَالُهُمْ فِي الْقُلُوبِ مَوْجُودَةٌ.
 * يَا كُمَيْلُ، الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ، الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ وَأَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ،
 الْمَالُ تُنْقِصُهُ النَّفَقَةُ وَالْعِلْمُ يَزْكُو عَلَى الْإِنْفَاقِ.

أَعْيَان: ج عین، وجودها یزکو: افزایش می یابد، رشد می کند.
 أمثال: ج مثل، داستان، ضرب المثل

الف) وجه اشتراک آیات زیر از نظر معنی در چیست؟

- ۱- ﴿و كَذٰلِكَ اَنْزَلْنَاهٗ قُرْاٰنًا عَرَبِيًّا﴾ (طه / ۱۱۳)
 - ۲- ﴿و هٰذَا كِتٰبٌ مُّصَدِّقٌ لِّسَانًا عَرَبِيًّا لِّيُنذِرَ الَّذِيْنَ ظَلَمُوْا﴾ (الأحقاف / ۱۲)
 - ۳- ﴿اِنَّا اَنْزَلْنَاهٗ قُرْاٰنًا عَرَبِيًّا لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُوْنَ﴾ (يوسف / ۲)
- ۱- حکمت آمیزی قرآن ☐
 - ۲- عربی بودن قرآن ☐
 - ۳- اعجاز قرآن ☐

ب) در کدام آیه نسبت به کار نرفته است؟

- ۱- ﴿وَ اذْكُرْ فِی الْكِتٰبِ مَرْيَمَ اِذِ انتَبَذَتْ مِنْ اَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا﴾ (مریم / ۱۶)
- در این کتاب مریم را یاد کن، آنگاه که از خاندان خویش در جایگاهی شرقی دوری
- گزید. ☐

- ۲- ﴿فَاٰمَنُوْا بِاللّٰهِ وَ رَسُوْلِهِ النَّبِيِّ الْاُمِّيِّ﴾ (الأعراف / ۱۵۸)
- پس به خدا و رسول او، آن پیامبر اُمّی ایمان بیاورید. ☐
- ۳- ﴿وَ اِذَا سَاَلَكَ عِبَادِيْ عَنِّيْ فَاِنِّيْ قَرِيْبٌ﴾ (البقرة / ۱۸۶)
- چون بندگان من درباره من از تو پرسند، بگو که من نزدیکم. ☐

المعجم

الف	الأجود: بهتر، بهترین	۱۰
الآخرین: دیگران	الأحب: محبوب تر	۴
أت: عطاکن، بده	أحبط: ناکام کرد، بی اثر کرد	۱۵
أذی: آزار داد، اذیت کرد	الأحبة: ج حبيب، دوست، رفیق	۱۴
الابتسامة: لبخند	احتفل: جشن گرفت	۱۲
الابتر: نیکوتر	أحدث: ایجاد کرد، ساخت	۳
أبطل: باطل نمود، خنثی کرد	الأحرار: ج حر، آزاد، آزاده	۱۰
الأبکم: ناشنوا، کر	أحسن أدبه: نیکو تربیتش کرد.	۵
إتبع: پیروی کرد	أحضر: آورد، آماده کرد	۵
أتعب: خسته کرد	أحكم: استوار ساخت، محکم کرد	۱۰
أتى: آمد	أحمر: سرخ شد	۱
الأتیان ب: آوردن	الاختبار: آزمودن، امتحان کردن	۳
أثمر: میوه داد	أخلق: کهنه کرد، مندرس ساخت	۱۲
أجاب: جواب داد	الإخوة في الدين: برادران دینی	۴
أجرى: اجرا کرد	أدخل: وارد کرد	۶
أجل: خاطر	إذن: پس، بنابراین	۵
من أجل: به خاطر	الأذى: آزار، اذیت	۴
الأجل: بزرگوارتر	ارتعد: به خود لرزید، تکان خورد	۱۲

۴	أَظْهَرَ: نمایان ساخت، آشکار کرد	۱۰	الْأَزْدَأُ: پست‌ترین، بدترین
۱۱	إِعْتَذَرَ: پوزش خواست	۲	أَرْسَلَ: فرستاد
۷	أَعْرَضَ: روی گرداند	۸	أَرْشَدَ: راهنمایی کرد
۷	أَعَزَّ: عزیز کرد، عزت داد	۱۰	أَرْضَى: خشنود ساخت
۴	أَعْطَى: اعطا کرد، بخشید	۱۵	الاستِدَارَةُ: گردی، گرد بودن
۱۰	أَغْضَبَ: به خشم آورد، خشمگین ساخت	۸	اسْتَشْفَعَ: شفاعت خواست
۶	أَغْلَقَ: بست	۱۲	الاستِظْهَارُ: از بر
۱۲	أَغْنَى: بی‌نیاز کرد، برطرف نمود	۱۲	اسْتَعْجَلَ: عجله کرد، شتافت
۸	اِفْتَتَحَ: بازگشایی کرد، گشود	۱۳	اسْتَعَدَّ: آماده شد
۵	الْإِفْضَالُ: احسان	۱۱	اسْتَمَعَ: گوش داد
۶	اِقْتَرَحَ: پیشنهاد کرد	۱۱	أَسْرَعَ: شتافت
۱۲	الْأَقْدَسُ: مقدس‌تر، مقدس‌ترین	۱۲	أَسَمَنَ: فربه ساخت، چاق کرد
۱۲	الْأَقْطَعُ: بُرنده‌تر، قاطع‌تر	۱۳	اِشْتَرَى: خرید
۱۴	الْأَكْتَفُ: جمع کُتِف، شانه	۹	أَشْرَفَ عَلَى: نظارت کرد بر ...
۳	الاکْتِسَابُ: به‌دست آوردن، کسب کردن	۱۶	الأَشْهَرُ: مشهورتر، مشهورترین
۳	الاکْتِفَاءُ الذَّاتِيّ: خودکفایی	۱۴	الأَضْحَمُ: بزرگترین، تنومندترین
۱۳	أَكْمَلَ: کامل کرد	۱۵	الأَضْعَافُ: جِ ضِعْف، چند برابر
۸	أَلْبَسَ: پوشاند	۹	الأَضْوَاءُ: جِ ضَوْء، نور، پرتو
۱۱	أَمْطَرَ: باران بارید	۱	أَطَاعَ: اطاعت کرد
۱۱	الْأُنْثَى: زن، مؤنث	۱۲	أَطْعَمَ: غذا داد
۸	أَنْشَدَ: سرود، خواند	۶	الأَظْلَمُ: ستمکارتر، ستمکارترین

۴	بَالَعٌ: مبالغه کرد	۵	الانْشراح: گشایش، فَرَاخِي
۱۱	الْبُحَيْرَةُ: دریاچه	۸	أَنْصَتَ: خاموش شد، سکوت کرد
۱	بَدَّلَ: تبدیل کرد، تغییر داد	۱۳	إِنْصَرَفَ: رفت
۱۰	بَدَّلَ: صرف کرد، خرج نمود	۱۲	إِنْطَلَقَ: راهی شد، روانه شد
۱۵	الْبُذُورُ: ج بذر، دانه	۹	إِنْفَجَرَ: بیرون زد، منفجر شد
۴	الْبِرُّ: نیکی	۲	أَنْقَضَ: سنگین کرد، خم کرد
۸	الْبُرُودَةُ: عبا، بُرده	۱	إِنْقَلَبَ: دگرگون شد
۹	الْبُرْمِيلُ: بشکه	۱۱	أَنْكَرَ: انکار کرد
۳	الْبُرُودَةُ: سردی	۳	أَوْحَى: وحی کرد
۷	الْبَسْطُ: گسترش	۱۴	أَوْرَقَ: برگ داد، برگ درآورد
۷	أَبْسَطَ وَجْهَهُ: گشاده رو باش	۱۲	أَوْشَكَ: نزدیک بود
۵	الْبَسَمَاتُ: ج البَسْمَةُ، لبخند	۳	أَوْصَلَ: رساند
۱۵	الْبَسِيطُ: ساده	۵	أَوْصَى: سفارش کرد، وصیت نمود
۵	بَشَّرَ: مژده داد	۱۴	أَوْقَعَ: انداخت، افکند
۱	الْبَصَرُ: چشم	۴	الْأَهْتِمَامُ: توجه، عنایت
۱۵	بَيَّنَّ: بیان کرد، روشن ساخت	۱۵	الْأَهْوَنُ: راحت تر
۱۲	بَيْنَمَا: درحالی که		

ب

ت	۱۰	البارِدُ: سرد، خنک
۹	۴	بَارَكَ: برکت داد
۲	۱۳	بَاعَ: فروخت
		تَأَسَّفَ: افسوس خورد

۹	تَأَلَّفَ: تشکیل شد	۹	التَّقَدُّمُ: پیشرفت	۱۲
۷	تَبَاحَثَ: گفتگو کرد	۷	تَقَرَّبَ: نزدیک شد، نزدیکی جست	۲
۱۳	تَجَوَّلَ: گردش کرد، گشت زد	۱۳	تَكَفَّلَ: به عهده گرفت	۸
۱۰	التَّحْضِيرُ: آماده کردن، مهیا ساختن	۱۰	تَمَتَّعَ: بهره مند شد	۱۲
۴	تَحَنَّنَ: مهربانی کرد	۴	تَنَزَّلَ: فرود آمد، پایین آمد	۲
۶	تَخَلَّصَ: نجات یافت، رها شد	۶	تَنَزَّهَ: گردش کرد	۶
۱۴	تَخَلَّقَ: آراسته شد، متخلَّق شد	۱۴	التَّوَاصُلُ: با هم پیوند داشتن	۱۰
۱۳	تَذَكَّرَ: به یاد آورد	۱۳	التَّوَسُّعُ: وسعت یافتن، باز شدن	۹
۱۱	التَّمَرُّ: خرما	۱۱	تُوَفِّيَ: وفات یافت	۸
۶	تَسَابِقُ الْقَفْزِ: مسابقه پرش	۶	تَهَدَّمَ: ویران شد، خراب شد	۱۱
۱۲	تَسَلَّقَ: بالا رفت، صعود کرد	۱۲		
۱۵	التَّشْرِيدُ: آوارگی	۱۵	ث	
۲	تَصَدَّقَ: صدقه داد	۲	تَبَّتْ: استوار شد، ثابت شد	۷
۱۰	التَّضْحِيَّةُ: فداکاری	۱۰	تَبَّتْ: استوار کرد	۷
۱	تَعَارَفَ: آشنا شد (با یکدیگر)	۱	الثَّقَلَيْنِ: انس و جن	۸
۱۲	تَعَالَ: بیا	۱۲		
۶	تَعَاوَنَ: همکاری کرد	۶	ج	
۱۳	تَعَبَ: رنج برد، سختی کشید	۱۳	جَالَسَ: همنشینی کرد	۴
۸	تَعَبَّدَ: عبادت کرد	۸	الْجَبَّارُ: خداوند مقتدر	۱۵
۹	تَعَلَّمَ: یاد گرفت، آموخت	۹	الْجُبْنُ: ترس، بُزدلی	۱۴
۷	تَغَلَّبَ عَلَيَّ: چیره شد بر، غلبه کرد بر ...	۷	الْجِدَّ: تلاش، جدّیت	۱۱

جَدَّة: تازه کرد، نو کرد	۶	الْحِرْمَان: محرومیت	۱۵
الْجَرَاثِيم: ج جُرْثُومَة، میکرب	۱۶	حَسِبَ: پنداشت، گمان کرد	۸
الْجَرَّة: کوزه	۲	الْحَسَنَة: پاداش نیک	۱
جَرَّبَ: آزمود، آزمایش کرد	۱	حَصَّحَصَ: آشکار شد، معلوم گردید	۱
الْجَرَس: زنگ	۸	حَصَدَ -: درو کرد	۷
جَزَى -: جزا داد، پاداش داد	۴	الْحَظَّ: نصیب، بهره	۵
جَعَلَ -: گرداند، قرار داد	۳	الْحَقْد: کینه	۱۵
الْجَنَاح: بال	۱۴	الْحَقْل: دشت، مزرعه	۲
الجُوع: گرسنگی	۱۲	الْحَكَم: داور	۱۴
ح		الْحَالَاف: بسیار سوگند خورنده	۱
الحَاذِق: ماهر، زبردست	۵	حَلَمَ: بردباری کرد	۲
الْحَارَ: داغ، سوزان	۱۰	الْحُلُو: شیرین	۲
حَارَبَ: نبرد کرد، جنگید	۱	الْحِنَل: بار	۱۱
الْحَارِقَة: سوزاننده	۱۱	الْحَنُون: مهربان	۱۰
حَاسَبَ: محاسبه کرد	۱	الْحَنِين: شوق، اشتیاق، ناله از	
حَاوَلَ: کوشید	۱۵	روی شوق و اشتیاق	۲
الْحَبَل: ریسمان	۸	الْحِيَاكَة: بافتن، بافندگی	۱۰
الحُبُوب: ج حَبّ، دانه	۹	خ	
حَذَّرَ: هشدار داد، برحذر داشت	۱۱	خَاطَبَ: خطاب کرد، صدا زد	۲
حَرَمَ: محروم کرد، بی بهره ساخت	۱۲	الْخُرُوف: گوسفند	۱۰

الْخَزَفِيَّةُ: سُفَالِي	۲	الدَّبِيحَةُ: قربانی، گوسفند سربریده	۱۰
حَسَفَ -: تیره شد	۱۲	الدَّرَاعُ: ذرع	۶
حَشِي -: ترسید	۱۱	الدَّكَرُ: مرد، مذکر	۱۱
خَصَصَ: اختصاص داد	۹		
الْخُطَّةُ: نقشه، طرح	۱۵	ر	
خَطَفَ -: ربود، دزدید	۱۲	الرَّاعِي: سرپرست، مسئول	۴
خَفَفَ: کم کرد، تخفیف داد	۹	رَاقِبَ: مراقبت کرد	۱۲
الْخَلَايا: ج خلیه، سلول	۹	رَجَأُ: امید داشت	۸
		الرَّجْسُ: پلیدی، ناپاکی	۱۱
د		الرَّحَابُ: گستره	۱۴
دَارَ: چرخید، گردید	۹	رَحَبَ: خوش آمد گفت	۲
الدَّاعِي: دعوت کننده	۵	رَدُّ: برگرداند	۳
دَانَى: نزدیک شد	۸	رَدَّ السَّلَامَ: پاسخ سلام را داد	۳
الدَّعَوَاتُ: ج دعوه، دعا	۵	الرَّضْوَانُ: بهشت	۲
دَمَعَ: اشک ریخت	۲	رَضِيَ -: راضی شد، پسندید	۳
الدُّمُوعُ: ج دَمْع، اشک ها	۲	الرَّغْبَةُ: میل، چشم داشت	۱
الدَّوْرُ: نقش	۴	رَفَضَ: رد کرد، نپذیرفت	۱۱
دَوَمًا: دائماً، همیشه	۲	رَفَعَ -: بالا برد، بلند کرد	۲
		الرُّكَّابُ: جمع راکب، مسافر	۹
ذ		الرَّمَالُ: جمع رَمْل، شن	۱۴
ذَبَحَ -: سر بُرید	۷	الرُّؤُوفُ: مهربان	۱

۲	سَبَّحَ: شنا کرد	۸	رَوَى -: نقل کرد، روایت نمود
۱	سَبَقَ: پیشی گرفت	۹	الرَّيَاضِيَّة: ورزشی
۵	السَّجَن: زندان	۵	الرَّيْب: شک، تردید
۱۶	سَخَّرَ: مُسَخَّر گرداند	۱۱	الرَّيْح: باد
۱۵	السَّعَايَة: بدگویی	ز	
۱۳	السَّعَر: قیمت، بها	۲	زَادَ: زیاد شد (زیاد کرد)
۵	السَّعِيد: مبارک، خوش‌یمن	۱۲	زَالَ: از بین رفت، زایل شد
۱	سَكَبَ: ریخت	۱۶	الزُّجَاج: شیشه
۴	سَكَنَ: جای گرفت، مسکن گزید	۱۵	الزَّرْع: کاشتن
۱۲	السَّلَام: صلح، آرامش	۱۴	الزَّرْقَاء: مؤنث آزرق، آبی
۸	سَلِمَ -: سالم شد، شفا یافت	۱۵	زَلَّ -: لغزید، سُر خورد
۳	سَلَّمَ علی ...: سلام کرد بر ...	۱۰	الزَّهْرَة: شکوفه
۶	سَوَّدَ: سیاه کرد	۱۱	الزَّهْوُوق: نابودشدنی، از بین رفتنی
۱۰	السُّوق: بازار		
۱۶	سَهَّلَ: آسان شد	س	
۷	السِّيَادَة: سروری، آقای	۱۵	السَّائِد: رایج
		۷	السَّاحَة: میدان، حیاط
	ش	۱	سَاعَدَ: کمک کرد، یاری رساند
۱	شَاءَ -: خواست	۱۱	السَّاهِرَات: جمع ساهره، شب‌بیدار
۳	شَتَمَ -: دشنام داد	۶	السَّبَاق: مسابقه
۱۵	شَدَّ -: محکم کرد، بست	۱۵	سَبَبَ: باعث شد، سبب شد

۹	ضَعُّ: پمپاژ کرد	۴	الشَّمَال: چپ
۶	ضَرَرُ: ضرر رساند	۳	الشَّهِير: نامدار، نامور
۲	الضَّمِير: درون، باطن		
۱۶	الضَّوء: نور، پرتو	ص	
۱۵	الضِّياع: گمراهی	۷	صَادَ: شکار کرد
۳	ضَيَّعَ: تباه کرد، نابود ساخت	۶	صَادَفَ: برخورد کرد، روبرو شد
۶	الضَّيْف: مهمان	۱۰	صارَ: شد
		۳	صَافَعَ: دست داد
	ط	۸	صَدَّرَ: صادر کرد
۹	الطَّباق: طبقه طبقه	۷	الصَّغَار: ج صغیر، خردسال، کوچک
۴	طَمَعَ: طمع کرد، چشم دوخت	۱۰	الصَّغَر: کوچکی، بچگی
		۴	صَفَحَ عَنْ...: از...گذشت کرد
	ظ	۸	صَلَّى: نماز خواند
۶	الظَّفَر: پیروزی	۱۴	الصَّلابة: استواری
۱۰	ظَلَّ: ماند، شد	۱۵	صَمَدَ: ایستادگی کرد
		۳	صَنَعَ: ساخت
	ع	۱۴	الصَّيْفِيَّة: تابستانی
۸	عَافَى: شفا داد		
۶	عَدِمَ: از دست داد	ض	
۱۰	عَرَضَ: عرضه کرد	۱۲	ضَاقَ: تنگ شد، کوچک شد
۲	العِرْض: آبرو	۶	ضَجَرَ: به ستوه آمد، خسته شد

۸	الغزوة: جنگ	۴	العرفان: شناخت، معرفت
۳	الغضبان: عصبانی، خشمگین	۲	عزوجل: گرامی و بزرگ است
۱	الغل: کینه	۱۲	عسی: امید است
۵	الغلام: پسر	۱۰	العصافیر: ج عصفور، گنجشک
۱۳	غلیظ القلب: سنگدل	۹	الغطلة: تعطیلی
۱۴	عمرُّ: فراگرفت، پوشاند	۱۳	عظم: بزرگ کرد
۱	الغنی: بی نیازی	۱۳	عظم ذنبه: گناهِش را بزرگ جلوه داد
		۱۳	العقاب: کیفر، مجازات
		۱۴	علا: بالا رفت
	ف	۱۲	العماد: ستون
۵	فاز ب: نایل شد، رستگار گردید	۳	العمال: ج عامل، کارگران
۸	فاق: برتری یافت، پیشی گرفت	۲	عندئذ: در این هنگام
۸	الفالج: فلج	۷	العنزة: بُز
۶	الفائز: برنده	۱۲	العنود: لجباز
۷	الفئة: گروه، دسته	۳	العون: یار، یاور، یاری کردن
۱۳	فتش: جستجو کرد		
۹	الفريق: تیم، گروه		
۴	الفصاحة: شیوایی		غ
۱۴	فصل: شرح داد	۱۳	الغادر: فریب کار
۱۶	فضل: به واسطه، به فضل	۱۰	الغدر: فریب، مکر
۶	فكر: فکر کرد، اندیشید	۱۰	غرّة: آواز خواند، چهچه زد
۱۵	الفلکیون: ستاره شناسان	۱۲	غزل: ریسندگی کرد

۷	كَبِرَ -: پیر شد	۱۵	فَنِيَ -: فانی شد، از بین رفت
۸	كَتَبَ -: واجب کرد	۴	(فو - فا - فیه): دهان
۹	كِرَّةُ السَّلَّةِ: بسکتبال	۴	في الحال: فوراً
۶	كِرَّة -: بیزار شد، تَنَفُّر پیدا کرد		
۷	الْكَسْلَان: تنبل		ق
۴	كَفَّرَ عَنْ: پوشاند، بخشود	۹	القائد: رهبر
۲	كَلَّمَا: هر بار	۷	قَاتَلَ: جنگید، نبرد کرد
۷	كَمَ: چند، چقدر	۱۵	قَالَ -: اعتقاد یافت به ...
۹	الْكَنْعَر: کانگورو	۱۰	قَامَ -: اقدام کرد، انجام داد
۸	الْكُونَيْن: دو هستی، دنیا و آخرت	۱۲	قَبَّلَ: بوسید
		۷	الْقِتَال: جنگ
	ل	۱۳	قَدَّمَ: تقدیم کرد
۹	الْأَلْعِب: بازیکن	۹	قَسَّمَ: تقسیم نمود
۹	اللُّغَة: زبان	۱۲	قَطَفَ -: چید
۳	لَقِيَ -: برخورد کرد، روبرو شد	۱۶	الْقُطْن: پنبه
۱۰	اللُّوح: تابلو	۶	قَفَزَ: پرید، جست
۱۳	لَوْلَا: اگر نبود ...	۱۶	قَلَّ -: کم شد
۱۵	اللَّهُو: سرگرمی	۷	قَنَعَ -: بسنده کرد، قانع شد

ک

م	كَادَ -: نزدیک بود	۱۲	
۱۳	مَا أَرْخَصَ: چقدر ارزان است!	۷	الْكِبَار: ج کبیر، بزرگ، بزرگسال

۱۰	المُصَلِّون: جِ مصلِّي، نمازگزار	۱۰	مادام: تا وقتی که
۶	المُضْجِر: خسته کننده	۸	مازال: همواره، همیشه
۱۶	المَطْبَعَة: چاپخانه	۷	مِائَة، مِئَة: صد
۱	المِطْرَقَة: چکش	۹	المُبَارَاة: مسابقه
۱۵	المُعْتَصِم: چنگ زنده، پناه جو	۱	المِبرَد: سوهان
۴	المُعِين: یاری کننده، یاور	۱۵	المَبْعُوض: مورد نفرت
۴	المُعِیْث: فریادرس	۱۶	الْمَتَاعِب: سختی ها، زحمات
۱	المِقْبَض: دستگیره	۱۰	المتواصل: پیایی، مستمر
۸	المُقْتَحِم: هجوم آورنده	۵	المُجِيب: اجابت کننده
۱	المِقْرَاض: قیچی	۸	المُحَقِّق: حقیقت جو
۱	المُقِیم: اقامت کننده، برپاکننده	۱۳	المَخْبُوء: پنهان
۸	المَكْتَب: مکتب خانه	۱۶	المُخَفِّف: کاهش دهنده
۱۶	المُكْتَشَف: کاشف	۱	المِخْلَب: چنگال
۱	المِکْنَسَة: جارو	۹	المِراة: آینه
۹	مِلء: ظرفیت، گنجایش	۱۵	مرکزیة الأرض: مرکز بودن زمین
۲	مَلَأَ: پُر کرد	۱۲	المَزْهَرِیَة: گلدان
۱۵	المُلتَزِم: متعهد	۸	المُسْتَعِین: کمک خواه، یاری طلب
۱۲	المَمَر: گذرگاه	۸	المُسْتَمْسِک: چنگ زنده
۱۴	المَنَائِر: ج منارة: گلدسته	۱	المِسْطَرَة: خط کش
۸	المَنَام: خواب	۸	مَسَحَ: دست مالید
۸	المُنْتِجَات: تولیدات	۵	المُسْفِق: دلسوز

۷	نَزَلَ: فرود آمد	۱	الْمِنْشَار: ارّه
۱۰	النَّشِيط: کوشا، فعال	۹	مَنَحَ: داد
۱	النَّصِيحَة: پند و اندرز	۲	الْمُنْدَرِس: کهنه، قدیمی
۱۴	نَعَامَة: شتر مرغ	۸	مُنْفَصِم: سست، گسسته
۱۶	نَعِمَ: بهره مند شد، برخوردار شد	۸	غیر مُنْفَصِم: محکم، سخت
۱۱	نَقَصَ: کم کرد	۲	المُوَاسَاة: دلجویی
۱۰	النُّقُود: ج نقد، پول، اسکناس	۴	المَوَاعِيد: ج میعاد، وعده گاه
۱۲	النَّكَبَات: ج نکهه: گرفتاری	۴	المَوْتَى: ج مِيت: مرده
۱۰	النَّمَام: سخن چین	۹	المَوْقِف: ایستگاه
۳	نَهَضَ: برخاست	۴	المَوْلَى: خادم، خدمتکار
		۱۴	المَهْد: گهواره
	و	۱	المَهِين: خوار، بی ارزش
۱۰	الواجبات: تکالیف، وظایف	۸	المِيت: مرده
۴	الْوَتَر: زه کمان		
۲	الوزر: بار، سنگینی		ن
۲	وَضَعَ: قرار داد	۱۲	نَادَى: صدا زد، ندا کرد
۱۰	وَفَّرَ: فراهم کرد، مهیا نمود	۱۲	النَّاصِح: خیرخواه، نصیحت کننده
۱۰	وَفَّقَ: توفیق داد	۹	ناقلة النُّط: نفتکش
۷	الْوَفْق: براساس	۶	نَالَ: رسید، دست یافت
۴	الولي: دوستدار	۲	التَّبْض: تپش، نبض
۱۶	وَهَبَ: عطا کرد، بخشید	۹	نَحَوَ: به طرف، به سوی

هـ		هَوْل: سختی، شدّت	۸
هَتَفَ: فریاد زد	۲	هَيَّا: بشتاب، شتاب کن	۱۴
هَدَدَ: تهدید کرد	۱۱		
هَدَمَ: ویران کرد	۱۲	ی	
هَدَى: هدایت کرد	۱	الیاسمین: گل یاسمن، یاسمن	۲
هَزَمَ: شکست داد	۷	الیمین: راست	۴
الهزيمة: شکست	۱۱		

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ



معاون محترم، صاحب نظران، دانش آموزان عزیز و اولیای آنان می توانند نظر اصلاحی خود را در باره مطالب

این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران ... صندوق پستی ۳۶۳ ۱۵۸۵۵ - کد پستی مربوط و یا پیام نگار (Email)

talif@talif.sch.ir ارسال نمایند.

و خبر نامه یزدی و تایف کتاب های